

مجموعه فهم زبان قرآن (۲)

کَرَسَنَامَه

حفظ و وفایہ

طارق تا بینہ



۱۴۲

طرح ملی حفظ قرآن کریم - بشارت



مجموعه فهم زبان قرآن (۲)



درسنامه حفظ و مفاهیم جزء سی ام قرآن کریم

طارق تا بینہ

طرح ملی حفظ قرآن کریم - بشارت ۱۴۵۲

عنوان و نام پد آآور: محمدی، حمید، ۱۳۴۰، درسنامه حفظ و مفاهیم / برنامه ریزی محتوا و

عنوان: فهم زبان قرآن؛ درسنامه حفظ و مفاهیم قرآن کریم / طارق تا بیته

تکرار نام مؤلف: مؤلفین، حمید محمدی، سعید امینایی

مشخصات نشر: سازمان چاپ و انتشارات ۱۳۹۷. مشخصات ظاهری: ۱۵۰ ص.

شابک: ۹۷۸ - ۶۰۰ - ۲۷۰ - ۵

وضعیت فهرست نویسی: فیا

رده بندی کنگره: ۱۳۹۶ ف/۸۷ BP۶۵/۲

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۰۷ شماره کتابشناسی ملی: ۳۲۳۸۴۷۶



برنامه ریزی محتوا: پژوهشکده بین المللی آفاق
با همکاری مرکز امور قرآنی سازمان اوقاف و امور خیریه
پژوهش و تألیف: حمید محمدی، سعید امینایی

چاپ: اوّل - تابستان ۹۷

ناشر: سازمان چاپ و انتشارات اوقاف

قیمت:

شمارگان: ۵۰/۰۰۰



سازمان چاپ و انتشارات

وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه

۷	مقدمه کتاب
۱۱	درآمدی بر اهمیت و روش حفظ قرآن کریم
۲۰	درس ۱: سوره مبارکه طارق
۲۸	درس ۲: سوره مبارکه اعلی
۳۶	درس ۳: سوره مبارکه غاشیه (۱)
۴۲	درس ۴: سوره مبارکه غاشیه (۲)
۴۸	درس ۵: سوره مبارکه فجر (۱)
۵۴	درس ۶: سوره مبارکه فجر (۲)
۶۲	درس ۷: سوره مبارکه بلد
۷۰	درس ۸: سوره مبارکه شمس
۷۸	درس ۹: سوره مبارکه لیل
۸۶	درس ۱۰: سوره مبارکه ضحی
۹۲	درس ۱۱: سوره مبارکه شرح
۹۸	درس ۱۲: سوره مبارکه تین
۱۰۴	درس ۱۳: سوره مبارکه علق (۱)
۱۱۰	درس ۱۴: سوره مبارکه علق (۲)
۱۱۶	درس ۱۵: سوره مبارکه قدر
۱۲۲	درس ۱۶: سوره مبارکه بیّنه
۱۳۰	پیوست (۱) برنامه روزانه حفظ و مرور
۱۴۰	پیوست (۲) سوره‌های «طارق» تا «بیّنه»
۱۴۹	کتابنامه



مقدمه

شورای توسعه فرهنگ قرآنی با مشارکت نهادهای و دستگاه‌های قرآنی کشور، «طرح ملی حفظ قرآن کریم» را به منظور تحقق مطالبات مقام معظم رهبری مدظله‌العالی مبنی بر تربیت «ده میلیون حافظ» و «پانزده میلیون آشنا به مفاهیم و معارف قرآن کریم»، تدوین و «ستاد راهبری این طرح ملی» را با حضور همه نهادهای دولتی، عمومی و مردمی ایجاد کرده است.

این ستاد برای سال ۱۳۹۷ که سال اول اجرای طرح «ترویج همگانی حفظ قرآن کریم» می‌باشد، جزء سی‌ام قرآن را در کنار تقویت برنامه‌های حفظ کل قرآن، تصویب و ابلاغ کرده است.

بر این اساس، همه بخش‌های کشور هم‌پیمان شدند تا علاوه بر طراحی فعالیت‌های جدید، برنامه‌های جاری امسال را با رویکرد «حفظ جزء سی‌ام» که مدخل «حفظ کل قرآن» است، اجرا کنند.

از آنجا که حفظ قرآن مقدمه «فهم، تدبر و عمل» به آموزه‌های قرآنی است و از طرفی «ترویج مفاهیم و معارف قرآن» در راستای کاربردی کردن تعلیم قرآنی در زندگی روزمره، سیاست لاینفک ستاد راهبری طرح ملی حفظ قرآن می‌باشد؛ لذا کتاب «درسنامه حفظ و مفاهیم جزء سی‌ام قرآن کریم» از «مجموعه فهم زبان قرآن» که کارشناسان متعدد قرآنی در دستگاه‌ها و نهادهای آن را بررسی و تأیید کرده‌اند با کاربرست تجربه چندین دهه آموزش مفاهیم و معارف قرآن، تألیف شده تا مورد استفاده نهادهای، دستگاه‌ها و برنامه‌ها از جمله طرح ملی حفظ قرآن کریم و طرح ملی بشارت ۱۴۵۲^۱ قرار گیرد. به امید دستیابی به اهداف والای نظام مقدس جمهوری اسلامی در تربیت حافظان آشنا به مفاهیم و معارف قرآن کریم.

ستاد راهبری طرح ملی حفظ قرآن

و دبیرخانه طرح ملی بشارت ۱۴۵۲

۱. «۱۴۵۲» یعنی «یکهزار و چهارصد و پنجاه و دو سال از نزول قرآن می‌گذرد».



مقدمه

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرمایند:

«قرآن را بیاموزید که بهترین گفتار است و آن را نیک بفهمید که بهار دل هاست...»^۱

«ای مردم! آگاه باشید، همانا این قرآن پنددهنده‌ای است که نمی فریبید و هدایت کننده‌ای است که گمراه نمی سازد... کسی با قرآن همنشین نشد؛ مگر آن که چیزی بر او افزود یا چیزی از او کاست؛ در هدایت او افزود و از کور دلی و گمراهی اش کاست.

آگاه باشید! آن کس که قرآن دارد به هیچ چیز نیاز ندارد و آن که قرآن ندارد، بی نیاز نخواهد بود؛ پس درمان دردهای خود را از قرآن بخواهید و در سختی ها از قرآن یاری بطلبید که در قرآن درمان بزرگ ترین بیماری های یعنی کفر و نفاق و سرکشی و گمراهی است.»^۲

با دقت در این سخنان ارزشمند، می توان گفت امام علی (علیه السلام) بر سه نکته تأکید دارد:

۱. آموختن قرآن و تلاش برای فهم آن؛

۲. تصحیح باورها و اعتقادات بر اساس معارف هدایت بخش قرآنی؛

۳. به کار بردن معارف قرآن در تمام عرصه های زندگی و تلاش برای درمان انواع

بیماری های اعتقادی و رفتاری بر اساس آموزه های شفاف بخش قرآنی.

روشن است که امر اول، مقدمه تحقق امر دوم و سوم است و تا زمانی که قرآن درست فهمیده نشود، امکان بهره بردن از آن وجود نخواهد داشت. از این رو خدای متعال در قرآن

۱. نهج البلاغه: خطبه ۱۱۰

۲. نهج البلاغه: خطبه ۱۷۶

کریم هدف اولیه از نزول قرآن را **تدبّر** و در مرحله بعد، **تدکّر** معرفی می‌کند:

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرُوا أَلْأَبْأَبِ (ص: ۲۹)

کتابی که پیش روی شماست با هدف ایجاد انس در مخاطب نسبت به معارف قرآن و فراگیری مفاهیم قرآنی و کاربست آنها در زندگی روزمره نگاشته شده است. این کتاب ویژگی‌هایی دارد که برخی از آنها عبارت است از:

ویژگی اول: حرکت بر اساس سوره‌های جزء سی‌ام

سوره‌های جزء سی‌ام سوره‌هایی هستند که از چند جهت برای آموزش قرآن بسیار مناسب به نظر می‌رسند.

۱. **کوتاه بودن سوره‌ها:** این امر علاوه بر سهولت در آموزش، انگیزه یادگیری را هم بالا می‌برد.

۲. **مأنوس بودن:** بسیاری از سوره‌های این محدوده، برای عموم مردم مأنوس است. این امر باعث می‌شود فراگیری سوره‌ها برای مخاطب آسان‌تر باشد.

۳. **جامعیت محتوایی نسبی:** محتوای سوره‌های این محدوده شاخه‌ها و زیرشاخه‌های متعددی از معارف دینی را پوشش داده است؛ مانند: مباحث اعتقادی (توحید، معاد، نبوت)، اخلاق، داستان‌های پیامبران عليه السلام، مسائل اجتماعی، روش برخورد و تعامل با مشرکان و اهل کتاب و منافقان.

۴. **دربرداشتن بخشی از واژه‌های پرکاربرد و کم‌کاربرد قرآن:** بخشی از واژگانی که برای مخاطب فارسی‌زبان غریب است، در محدوده جزء سی‌ام قرار دارد. همچنین بسیاری از ماده‌های لغوی پرکاربرد، با مشتقات گوناگون در این محدوده وجود دارد.

ویژگی دوم: تأکید بر حفظ آیات قرآن کریم

برای ایجاد زمینه حفظ و شمند آیات قرآن کریم، مطالب مختصر و مفیدی درباره «اهمیت، ضرورت، شرایط مطلوب حفظ، اصول و روش حفظ، عوامل مؤثر در حفظ قرآن و...» بیان شده است.

فهم آن دچار مشکل نشود. همچنین در حد امکان از توضیحات تفسیری وزائد در ترجمه پرهیز شده و اگر واژه‌ای توضیحی به ترجمه اضافه شده، با فونت کوچک‌تر مشخص شده تا قرآن‌آموز بتواند به راحتی ترجمه را بر متن قرآن تطبیق دهد. در ذیل ترجمه سوره، معنای برخی واژگان نیز آمده است.

بخش دوم: سیمای هدایتی

در این بخش، تفسیری ساده همراه با شرح روان بر مفاهیم و معارف با هدف انس قرآن‌آموزان با آموزه‌های سوره ارائه شده است.

بخش سوم: نمودار سوره

در این بخش، آیات و عبارات سوره بر اساس تفسیر ارائه شده، در قالب یک نمودار ترسیم شده است. این نمودار به قرآن‌آموز کمک می‌کند تصویری موضوعی از سوره در ذهن داشته باشد و افزون بر تثبیت بهتر آموزه‌های سوره، حفظ سوره را برای او آسان می‌کند.

بخش چهارم: سبک زندگی قرآنی

در این بخش، موضوعی اعتقادی یا اخلاقی، فردی یا اجتماعی، مرتبط با آموزه‌های سوره انتخاب شده و با توجه به روایات مرتبط با آن، تلاش شده کاربرد آن آموزه در زندگی روزمره به شکل محسوس تبیین شود.



در پایان از درگاه احدیت، برای همه کسانی که ما را در تدوین این مجموعه یاری کردند، توفیق روزافزون می‌طلبیم و از استادان و صاحب نظران ارجمند، صمیمانه تقاضا داریم پیشنهادهای اصلاحی خود را به آدرس پست الکترونیک info@afaghnoorbayan.com ارسال نمایند.

گروه تدوین متون درسی

آموزش ترجمه و تفسیر قرآن کریم

۹۷/۰۳/۲۷



درآمدی بر اهمیت و روش حفظ قرآن کریم

جایگاه حفظ قرآن و حافظان در قرآن و روایات

حفظ قرآن کریم یکی از بهترین شیوه‌های انس با کلام الهی است که شناخت میزان ارزش و جایگاه آن در آیات نورانی قرآن و سخنان پیشوایان دین، یاریگر خوبی برای پیمودن آگاهانه این مسیر است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید:

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

و به یقین قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم؛ پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟! (قمر: ۱۷)
مرحوم طبرسی در تفسیر این آیه می‌فرماید:

مراد از آسان‌سازی قرآن برای ذکر (یادآوری)، این است که آن را برای
حفظ و قرائت آسان کردیم.^۱

آثار حفظ قرآن در روایات

علاوه بر آیات قرآن، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه معصومین علیهم السلام در روایات متعددی به اهمیت و جایگاه حفظ قرآن و حافظان آن اشاره کرده و نتیجه انس با قرآن کریم را این‌گونه بیان کرده‌اند:

۱. «أَيُّ سَهْلَنَاهُ لِلْحِفْظِ وَالْقِرَاءَةِ حَتَّى يَقْرَأَ كُلُّهُ ظَاهِرًا...»؛ مجمع البیان، ج ۹، ص ۲۸۶.

• رهایی از عذاب

پیامبر اکرم ﷺ درباره آثار حفظ قرآن می فرماید:

قرآن را بخوانید و آن را به خاطر بسپارید؛ چرا که خداوند قلبی که قرآن را در خود جای داده است، عذاب نمی کند. (مستدرک الوسائل: ۲۴۵/۴)

• بهره‌مندی از عقل

هر که قرآن را حفظ نماید، خداوند او را تا پایان عمر از نعمت **عقل** بهره‌مند می کند. (میزان الحکمة: ۴۸۱۸/۱۰)

• آمرزش گناهان

کسی که قرآن را از حفظ بخواند و گمان کند خدای تعالی او را نمی آمرزد، در شمار کسانی است که آیات الهی را به تمسخر گرفته است. (مستدرک الوسائل: ۲۶۹/۴)

• امیران در بهشت

حاملان و حافظان قرآن، **امیران** اهل بهشت اند. (بحار الانوار: ۱۷۷/۸۹)

• حق شفاعت

کسی که قرآن را به خاطر سپرده و حفظ نماید و حلال آن را حلال و حرام آن را حرام بداند، خدای متعال او را وارد بهشت می سازد و **شفاعت** او را برای ده نفر از خاندانش که تمامی اهل آتش اند (اما مستحق شفاعت)، می پذیرد. (مستدرک الوسائل: ۲۴۵/۴)

• همسایگی با فرشتگان مقرب

امام صادق ﷺ می فرماید:

حافظان قرآن و عاملان به آن، با فرشتگان وحی که صاحب کرامت و نیکی اند، همراه اند: «الْحَافِظُ لِلْقُرْآنِ الْعَامِلُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ». (الکافی: ۴۴/۲)

شرایط مطلوب برای حفظ قرآن

محدوده مناسب: بهتر است حفظ قرآن را از آیات و سوره‌های کوتاه آغاز کنیم. **جزء سی‌ام** قرآن برای این منظور بسیار مناسب است.

زمان مناسب: حفظ قرآن باید در زمان‌هایی که فکر و ذهن انسان خالی از دغدغه و آرام است صورت گیرد. این زمان ممکن است در افراد مختلف متفاوت باشد. بهتر است زمان حفظ، ثابت باشد.

مکان مناسب: **امام صادق (علیه السلام)** فرمود: کسی که قرآن می‌خواند به سه چیز نیازمند است: قلب خاشع (شرایط روحی مناسب)، شرایط جسمی مناسب و مکانی خلوت. بهتر است مکان حفظ، محلی خلوت، آرام، معنوی، ثابت و ساده باشد.

روش حفظ قرآن

دانستن روش آسان و کارآمد حفظ آیات و شیوه‌های ماندگاری آن در ذهن، مسیر حفظ را جذاب، کوتاه و دست‌یافتنی‌تر می‌نماید که به اختصار یکی از برترین اصول و روش‌های حفظ و مرور را بیان می‌کنیم.

مقدمات لازم برای حفظ قرآن

خالص کردن نیت و انگیزه، تقویت عزم و اراده، توکل به خدای متعال و مددجستن از او، توسل به معصومان **(علیهم السلام)**، **برنامه‌ریزی**، نظم در اجرای برنامه‌ها، انتخاب استاد، دانستن روش‌های حفظ و مرور، **انتخاب مصحف** مناسب برای حفظ، **انتخاب ترجمه** مناسب (مانند آیت‌الله مکارم، استاد انصاریان)، **انتخاب تفسیر** مختصر (مانند تفسیر یک جلدی مبین، قرآن حکیم و ذکر مبارک)، **انتخاب ترتیل** مناسب (مانند تلاوت استادان منشاوی و پرهیزکار) برخی از مهم‌ترین مقدمات یا پیش‌نیازهای حفظ قرآن است.

همچنین لازم است حافظ، مهارت‌های زیر را نیز آموزش ببیند:

۱. **روخوانی**: قرآن را هر طور بخوانیم همان‌طور حفظ می‌کنیم. پس باید قبل از

شروع به حفظ آیات روش روخوانی صحیح آن را فرا بگیریم.

۲. **روانخوانی**: برای حفظ آیات روانخوانی ضروری است؛ زیرا باعث می‌شود

سرعت خواندن آیات بالاتر رفته و حفظ آن راحت‌تر و سریع‌تر انجام شود.

۳. **تجوید**: رعایت مخارج، صفات و احکام حروف و تسلط بر لهجه عربی

فصحیح موجب زیبایی تلاوت و حسن حفظ آیات می‌شود.

۴. **علم صرف و نحو، ترجمه و مفاهیم**.

روش حفظ و به یاد سپاری

الف) حفظ اولیه

با انجام مراحل زیر نخست آیات را در **حافظه کوتاه مدت** بارگذاری می‌کنیم؛

سپس با عمل به یک سری روش‌ها رفته‌رفته آن را به **حافظه بلندمدت**

می‌سپاریم. این کار باید با دقت و حوصله انجام شود. دست یافتن به حفظ

با کیفیت و مطلوب مرهون انجام اقدامات زیر است:

۱. فهم و درک معنا

برای حفظ سریع و ماندگار لازم است **ترجمه و مفاهیم** آیات مطالعه گردد.

بهتر است در کنار ترجمه، تفسیر مختصری نیز مطالعه شود. مطالعه درسنامه

حاضر برای حفظ جزء سی‌ام مناسب به نظر می‌رسد. انجام حفظ با این

شیوه، علاوه بر لذت بخش بودن برای حافظ، برکاتی را به دنبال دارد:

• حفظ قرآن با **تدبر** و تأمل همراه گشته و حافظ از اثرات معنوی و تربیتی

قرآن بهره‌مند می‌گردد؛

- سرعت یادسپاری آیات افزایش یافته و ماندگاری آیات در ذهن بیشتر می شود؛
- سیر معنایی و ساختار سوره و ترتیب آیات و چرایی آن را درمی یابد.

۲. گوش دادن به تلاوت الگو

توصیه می شود برای حفظ حتما از تلاوت ترتیل یکی از اساتید مطرح استفاده شود. استفاده از تلاوت ترتیل مزایایی دارد:

۱. رفع اشتباهات احتمالی در قرائت؛ ۲. تقویت فصاحت و تجوید؛ ۳. یادگیری الحان زیبای قرآنی؛ ۴. آشنایی با محل های صحیح وقف و ابتدا؛ ۵. آمادگی ذهن برای حفظ.

بهتر است شنیدن تلاوت ترتیل در سه مرحله انجام شود:

۱. شنیدن آیات بدون قرائت؛
۲. شنیدن آیات و زمزمه قرآن همراه با قاری؛
۳. شنیدن آیات و قرائت آیات همراه با قاری با صدای بلند؛

۳. خواندن و آماده سازی ذهن برای حفظ

در این مرحله آیاتی که برای حفظ یک روز در نظر گرفته ایم را چند بار با صدای متوسط و به شیوه ترتیل از روی قرآن قرائت می کنیم. تعداد دفعات خواندن به اندازه ای است که تصویری اجمالی از همه آیاتی که در این زمان حفظ می شود، در ذهن شکل بگیرد؛ به گونه ای که بعد از شنیدن یک کلمه، شخص بتواند یک یا دو کلمه بعد از آن را بر زبان آورد. همزمان با خواندن آیات، معنای آن را در ذهن خود تداعی کنید و سعی کنید با فهم و تدبر آیات را بخوانید.

۴. حفظ آیه به آیه

اگر آیه کوتاه است، در یک مرحله حفظ آن انجام می‌شود. اما اگر آیه بلند است، آن را به چند بخش کوچک قابل حفظ تقسیم کرده و بخش اول را حفظ می‌کنیم. سپس بخش دوم آیه را حفظ کرده و در مرحله بعد این دو بخش را به صورت متصل تلاوت می‌کنیم. برای نمونه آیه ۱۵ سوره فجر را می‌توان به سه بخش تقسیم کرد:

«فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ»

بخش اول: فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ

بخش دوم: فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ

بخش سوم: فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

در این مرحله نگاه دقیق به کلمات و جملات و **قرائت از روی مصحف**، از اهمیت والایی برخوردار است؛ چراکه در این شیوه، به یادسپاری آیات از طریق **حافظه دیداری** صورت می‌گیرد. از این رو تصویری که از آیات در ذهن ثبت می‌گردد، باید کیفیتی مطلوب داشته باشد تا در حافظه، پایدار و ماندگار باشد. ذکر این نکته ضروری است که پایه‌ریزی حفظ قوی و بدون هرگونه اشکال و فراموشی، از همین مرحله آغاز می‌گردد. از این رو افرادی که با بی‌حوصلگی، **شتاب‌زدگی** و بدون دقت کافی این مرحله را طی می‌نمایند، به ندرت به موفقیت کامل دست می‌یابند. این افراد ناچارند آیات را **دوباره** حفظ کنند.

۵. برقراری پیوند میان آیات

برای این که حافظ بتواند آیات را پس از حفظ به صورت سلسله‌وار و **پیوسته** از حفظ قرائت نماید، لازم است بعد از حفظ هر جمله، بین مقاطع و جملاتی

که حفظ کرده است، پیوند برقرار نماید. برای مثال برای حفظ سوره علق آیه نخست «اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ» را حفظ کرده و سپس آیه دوم «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ» را به ذهن می‌سپاریم. پس از پایان یافتن حفظ آیه دوم، آیه نخست و آیه دوم را به صورت پیوسته، یک بار از روی مصحف و چند بار از حفظ تکرار می‌کنیم. در صورتی که از کیفیت مطلوب برخوردار بود، آیه سوم را حفظ می‌کنیم. پس از آن نخست آیه دوم و سوم را یک بار از روی مصحف و ۳ تا ۵ بار از حفظ می‌خوانیم. در صورت رضایت از کیفیت حفظ، آیات ۱، ۲ و ۳ را دست کم یک بار از حفظ می‌خوانیم. انجام دقیق و باحوصله این کار باعث می‌شود ترتیب آیات به خوبی در ذهن ما جای بگیرد. همچنین لازم است بلافاصله بعد از پایان حفظ همه آیات را ۳ تا ۵ مرتبه از حفظ بخوانیم. باید بدانیم پیوند بین صفحات و سوره‌ها نیز باید در ذهن تثبیت شود؛ به‌گونه‌ای که حافظ بتواند پس از حفظ یک سوره، با تسلط تمام آن را یکجا از حفظ بخواند یا در برقراری ارتباط میان دو صفحه مشکلی نداشته باشد. برقراری پیوند میان فرازها و قطعاتی که بر اساس محتوا و مفاهیم آیات برای حفظ هر روز برگزیده‌ایم نیز نباید مورد غفلت واقع شود.

۶. تحکیم و تکمیل حفظ اولیه

بعد از گذشتن چند ساعت از حفظ اولیه، معمولاً بخشی از محفوظات انسان دچار آسیب شده و در ذهن کمرنگ می‌گردد؛ چرا که آیات حفظ شده ابتدا در حافظه کوتاه مدت ذخیره می‌شود. برای تجدید حفظ اولیه و ترمیم آن لازم است حافظ در طول روز چند بار آیات جدید حفظ شده خود را **تکرار** کند تا کلماتی که در این فاصله فراموش شده‌اند، بازیابی گردد.

پیشنهاد می‌شود با گذشت فاصله‌های زمانی ۲، ۶ و ۱۲ ساعت از حفظ اولیه و در نهایت پیش از استراحت شبانه، آیات مرور و تکرار شده و در صورت بروز اشکال یا فراموشی، محفوظات ترمیم و بازسازی گردد.

۷. تمرین‌های تکمیلی و تقویتی

برای تقویت حفظ اولیه، تمرین ترتیب آیات و گفتن جمله آغاز هر آیه، گفتن کلمه آغازین و پایانی هر آیه، حفظ و تمرین شماره آیات، نوشتن آیات از حفظ، تداعی و مرور ذهنی آیات، استماع تلاوت قاریان برتر و زمزمه با آن (مشروط به اینکه یک کلمه در ذهن از تلاوت قاری جلوتر باشید)، ضبط کردن تلاوت خود و شنیدن و ارزیابی آن، پاسخگویی به سؤالات تستی، پاسخگویی به پرسش‌های شفاهی استاد یا دوستان، تلاوت آیات حفظ شده برای هم‌مباحثه از جمله اقدامات مؤثر و مفید است.

ب) مرور و تکرار برای پایدار کردن حفظ اولیه

برای آنکه محفوظات پایدار باشد، باید با تکرار و مرور، آنها را از حافظه کوتاه‌مدت به حافظه میان‌مدت انتقال داد. از این رو لازم است تا چند روز پس از حفظ اولیه، همه روزه آیات را از حفظ مرور کنیم. تعداد روزها متناسب با حافظه اشخاص، قابل افزایش یا کاهش است. مقدار میانگین برای افرادی که خوش حافظه هستند، تکرار ۱۰ روزه است. به کسانی که حافظه‌ی معمولی دارند توصیه می‌کنیم، دست کم تا ۲۰ روز تکرار هر روزه را ادامه دهند.

ج) مرور و تکرار برای ماندگاری و ملکه شدن محفوظات

با انجام مرحله‌های پیشین کار به یادسپاری خاتمه نمی‌یابد؛ بلکه برای

تکمیل فرایند ماندگاری باید با تکرار و مرور منظم، رفته رفته محفوظات را از حافظه میان مدت به حافظه بلندمدت منتقل کرد. البته دیگر نیازی به تکرار کل محفوظات در هر روز نیست؛ بلکه متناسب با میزان محفوظات، فراغت حافظ و قدرت حافظه او در بازه زمانی حدود ۲ تا ۱۰ روز کل محفوظات تقسیم شده و مرور می شود. زمان یادشده باید به گونه ای تنظیم شود که همواره حافظ بتواند محفوظات خود را در هر زمان و مکان بدون نیاز به مراجعه و نگاه به قرآن، بدون هیچ کاستی و ضعفی قرائت کند. روشن است این بخش مربوط به آیاتی است که از بخش قبلی یعنی مرور همه روزه خارج شده است.

توصیه های پایانی

داشتن **پشتکار** و برنامه منظم و پایبند بودن به برنامه در حفظ بسیار مهم است. همچنین پیشنهاد می شود حتماً با **استاد راهنما** ارتباط داشته باشید و مرحله به مرحله از او راهنمایی و برنامه بگیرید. افزون بر این توصیه می شود کار حفظ را با یک **هم بحث** و همراه آغاز کنید و ادامه دهید. شرکت در جلسات حفظ نیز برای انس و مودّت با حافظان دیگر، تصحیح اشتباهات حفظ، استفاده از تجربیات دیگران و تقویت انگیزه بسیار مفیدند.

نکته پایانی

حافظ باید بداند که یکی از **عالی ترین توفیقات الهی** این است که قلب او جایگاه کلام وحی قرار گیرد. بی تردید **حفظ قرآنی** که مقدمه **تدبّر** و تدبّری که مقدمه **فهم** و فهمی که مقدمه **عمل** است، با هیچ یک از نعمت های الهی قابل مقایسه نیست و **حافظ حامی عامل** ضمن تثبیت منزلت عالی خود در این دنیا، جایگاه متعالی خود را در سرای باقی تعیین کرده است؛ پس بکوشیم با حفظ قرآن کریم **برترین های دنیا و آخرت** باشیم.

سوره مبارکه طارق

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ① وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ② النَّجْمُ
الْثَّاقِبُ ③ إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ④ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ
مِمَّ خُلِقَ ⑤ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ⑥ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ
وَالْتَّرَائِبِ ⑦ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ⑧ يَوْمَ بُدِيَ السَّرَائِرِ ⑨
فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ⑩ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ⑪ وَالْأَرْضِ
ذَاتِ الصَّدْعِ ⑫ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ⑬ وَمَا هُوَ بِأَهْزَلُ ⑭
إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ⑮ وَأَكِيدُ كَيْدًا ⑯ فَهَلِ الْكَافِرِينَ
أَمَهُلُهُمْ رُيْدًا ⑰

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهرمهربان

سوگند به آسمان و طارق! ❶ و تو چه می دانی که طارق چیست؟ ❷ همان ستاره شکافته! ❸ سوگند که هیچ کس نیست مگر این که نگهبانی بر او گماشته شده است! ❹ پس انسان باید نگاه کند از چه چیزی آفریده شده؟! ❺ از آبی جهنده آفریده شده! ❻ از بین استخوان کمر و استخوان های سینه خارج می شود! ❼ بی تردید او بر بازگرداندنش تواناست! ❽ روزی که اسرار پنهان درون ها آزموده می شود ❾ پس در چنان روزی نه توانی دارد و نه یآوری! ❿ سوگند به آسمان دارای باران پیایی ❶۱ سوگند به زمین دارای شکاف ❶۲ که این، بی شک سخن جدایی افکن بین حق و باطل است! ❶۳ و شوخی و یاوه نیست! ❶۴ قطعاً آنان نقشه می کشند و کید می کنند ❶۵ و من نیز حقیقتاً نقشه می کشم و کید می کنم! ❶۶ پس به کافران مهلت بده، به آنان مدتی اندک مهلت بده! ❶۷

ترجمه واژگان

• **الطَّارِق:** از ماده «طارق» به معنای کوبیدن است. به کسی که شبانگاه از راه می رسد الطَّارِق می گویند؛ زیرا زمانی که به خانه می رسد، در خانه بسته است و باید بر در بکوبد.
 • **الثَّاقِب:** از ریشه (ث ق ب): به معنای «سوراخ کردن و نفوذ در چیزی و فرو رفتن در عمق آن» • **دافق:** دارای جهش • **الترائب:** استخوان های سینه • **تُبَلَى:** آزموده می شود؛ یعنی با آزمایش و محک زدن، اعمال خیر و شر از هم جدا می شود. • **الرَّجْع:** در آیه ۸: بازگرداندن؛ در آیه ۱۱: باران پیایی • **الصَّدْع:** شکاف. • **أَمْهَلَهُمْ:** به آنان مهلت بده. **رُوِّيد:** یا اسم فعل است به معنای «مهلت بده» و یا مصغَر «رود» است به معنای «انجام دادن کاری با حوصله و بدون عجله».

باور به معاد مهم‌ترین انگیزه برای دینداری است؛ چراکه اگر قرار باشد مرگ پایان همه چیز باشد، چه تفاوتی بین خوب و بد و نیکوکار و بدکار وجود خواهد داشت؟ از طرف دیگر، پذیرش معاد یعنی پذیرش **تکلیف** و تکلیف یعنی **محدودیت**. به همین دلیل کسانی که می‌خواهند در انجام هر کاری آزاد باشند، با القای انواع شبهه‌ها می‌کوشند معاد را انکار کنند تا با پاک کردن صورت مسئله، خیال خود را راحت کنند! یکی از مهم‌ترین این شبهه‌ها این است که «چگونه ممکن است استخوان‌هایی پوسیده بار دیگر زنده شود؟» این شبهه بارها در قرآن مطرح شده و به آن پاسخ داده شده است؛ از جمله در سوره طارق:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ النَّجْمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾

سوگند به آسمان و سوگند به طارق که شبانگاه ظاهر می‌شود؛ و البته تو چه می‌دانی که طارق چیست؟! طارق همان ستاره‌ای است که شب هنگام، نور آن تاریکی شب را می‌شکافد و چون مهمانی شبانه، بر سفره آسمان حاضر می‌شود.

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿١﴾

سوگند به آسمان و طارق که هیچ کس نیست مگر اینکه برای او حافظ و نگهبانی گماشته‌ایم. قرار نبوده که زندگی بشر در دنیا، پوچ و عبث باشد؛ بلکه قرار بوده زندگی دنیا مقدمه یک زندگی اصیل و حقیقی و ابدی باشد و لازمه این امر این است که مردم در دنیا رها نباشند و اعمالشان ثبت شود.

آری؛ هیچ کس خلوتی ندارد و حتی زمانی که گمان می‌کند تنهاست، مأمورانی برای ضبط اعمال، نزد او هستند:

﴿وَإِنَّ عَلَيْنَكُمْ لَحَافِظِينَ * كِرَامًا كَاتِبِينَ * يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ﴾ (انفطار: ۱۰-۱۲)

آنان اعمال را ثبت می‌کنند تا جایگاه هر کس در زندگی ابدی بر اساس عملش معلوم شود.

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾

با وجود اینکه همه چیز برای معاد و زندگی اخروی آماده و مهیاست، عده‌ای از مردم با بعید انگاشتن زنده شدنِ مردگان، آن را انکار می‌کنند! آنان این کار را با قدرت خویش می‌سجند و می‌گویند: «مگر ممکن است؟».

مگر آنان قرار است کسی را زنده کنند؟ مردگان را همان خدایی زنده می‌کند که آنان را از نطفه‌ای بی ارزش آفرید! انسان باید بیندیشد و ببیند از چه چیزی آفریده شده! او از آبی جهنده آفریده شده و در رحم که بین استخوان‌های پشت و استخوان‌های سینه زن است، قرار می‌گیرد و در هنگام تولد از بین این استخوان‌ها بیرون می‌آید.

إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾ يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾

آری؛ آن خدایی که او را از آبی جهنده آفریده، می‌تواند دوباره او را باز گرداند؛ در روزی که باورها و نیت‌های پنهان، آزموده شده و سره از ناسره و پاک از ناپاک جدا می‌شود و هر کس بر اساس شایستگی خود، پاداش و کیفر می‌بیند. در آن روز انسان برای رهایی خویش از جزای عملش، نه خود، توانی دارد و نه یابوری دارد تا او را یاری کند.

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾ وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ بِأَنْزِلٍ ﴿١٤﴾

سوگند به آسمان که باران‌های پی‌درپی از آن می‌بارد و سوگند به زمین که شکافته می‌شود و جوانه‌ها و گیاهان از آنها سر بیرون می‌آورند، این قرآن سخنی است که حق را از باطل جدا می‌کند و شوخی و بازیچه نیست؛ پس اگر هشدار می‌دهد که

قیامتی هست جز حقیقت نمی‌گوید و قطعاً مردگان برای حسابرسی زنده می‌شوند؛ همچون بذر پنهان در خاکی که از آسمان بر آن باران می‌بارد و زمین را می‌شکافد و از آن سر برون می‌آورد!

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلِي الْكَافِرِينَ أَمَهُلُهُمْ رُؤُودًا ﴿١٧﴾

بسیاری از منکران، قطعاً حقیقت را می‌دانند؛ می‌دانند قیامتی هست و می‌دانند قرآن، سخنی حق و از جانب خداست؛ با وجود این، برای بی‌اثر کردن دعوت تو و خاموش کردن نور حقیقت، با نقشه‌ها و حيله‌های فراوان، شبهه‌پراکنی می‌کنند و قرآن را سحر و دروغ می‌خوانند.

من نیز در پاسخ این نقشه‌های آنان، نقشه‌هایی دارم که وقتی زمانش فرا رسد، پیاده خواهیم کرد! پس بی‌تابی نکن و در برابر اهانت‌های کافران، صبر کن و به آنان مهلت بده؛ به آنان اندکی مهلت بده و تردید نداشته باش که وعده الهی، حتمی است.

◻ نمودار سوره



● دو قاعده نجات بخش قرآنی

یکی از کیدهای حق ستیزان در طول تاریخ، **القای شبهات** و وارد کردن تردید در دل مردم بوده است. در نتیجه تبلیغات آنان، واقعیت بر بسیاری از مردم پوشیده می ماند؛ از این رو بیشتر دشمنی ها و ستیزهایی که از جانب مردم عادی با حق صورت می گیرد، ناشی از **جهل به واقعیت** خواهد بود. به همین دلیل خدای متعال در آیات قرآن مردمی را که علم کافی ندارند، از موضع گیری در برابر حق بازداشته است:

«وَمَا يَتَّبِعْ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا ظَنًّا إِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا» (یونس: ۳۶)؛

«آنها از ظن و گمان پیروی می کنند؛ درحالی که ظن و گمان، کسی را ذره ای از حق بی نیاز نمی کند و انسان را به حق و حقیقت نمی رساند.»

«بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تَأْوِيلُهُ» (یونس: ۳۹)؛ «مشرکان

چیزی را دروغ انگاشتند که نسبت به آن علم ندارند و هنوز حقیقت آن برای آنان روشن نشده است.»

«وَلَا تَقُفْ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ

عَنْهُ مَسْئُولًا» (اسرا: ۳۶)؛ «و از چیزی که به آن علم نداری، پیروی مکن؛ زیرا

درباره گوش و چشم و دل، هر سه، سؤال خواهد شد.»

با توجه به این آیات می توان **دو قانون الهی** را استخراج کرد:

● قانون اول: چیزی را که به آن یقین نداریم، بر زبان نیاوریم.

امروزه در جامعه ما مردم تنها به این علت که «همه می گویند» به امور بسیاری اعتقاد پیدا کرده اند؛ درحالی که خیلی از این شایعات حقیقتی جز حرف مردم

ندارد. خصوصاً در عرصه سیاست که سیاستمداران و یا حتی علمای دین را تحت تأثیر همین **شایعات** به اموری متهم می‌کنند که در شأن آنان نیست و بی‌تردید دشمنان اسلام، ریشه‌گسترش بسیاری از این شایعات هستند.

● **قانون دوم: چیزی را که نمی‌دانیم و برای اولین بار می‌شنویم، بدون تحقیق رد نکنیم.**

این نیز یکی از آفت‌های جامعه ماست که با بهانه‌هایی مثل «به حق چیزهای نشنیده» حرف حق به راحتی ردّ می‌شود. اگر تمام افراد، این دو قانون را پیاده کنند:

● جامعه چنان استحکامی پیدا می‌کند که به هیچ وجه باطلی در میان آنان رواج نمی‌یابد

● و هیچ ظالمی با فریب بر آنان مسلط نخواهد شد.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«خداوند با دو آیه از قرآن، دو درس مهم به این امت داده است؛ نخست اینکه **جز آنچه می‌دانند، نگویند** و دیگر اینکه **آنچه را نمی‌دانند، انکار نکنند**؛ سپس دو آیه زیر را تلاوت فرمود:

«أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَنْ لَا يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ»

(اعراف: ۱۶۹)

آیا خداوند پیمان کتاب آسمانی را از آنها نگرفته که جز حق در مورد خداوند نگویند.

«بَلْ كَذَّبُوا بِمَا لَمْ يُحِيطُوا بِعِلْمِهِ». (یونس: ۳۹) (الکافی: ۴۳/۱)

سوره مبارکه اعلیٰ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ① الَّذِي خَلَقَ فَسُوَّى ② وَالَّذِي قَدَّرَ
فَهَدَى ③ وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ④ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ⑤
سُنْفَرِيكَ فَلَا تَنْسَى ⑥ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا
يَخْفَى ⑦ وَيُنِيرُكَ لِلْيُسْرَى ⑧ فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَى ⑨
سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى ⑩ وَيَنْجِبُهَا الْأَشْقَى ⑪ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ
الْكُبْرَى ⑫ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ⑬ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ⑭
وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ⑮ بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ⑯
وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ⑰ إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى
صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ⑱

به نام خداوند گسترده مهرِ مهربان

نام پروردگارت که بلندمرتبه‌ترین است را تسبیح بگو: ﴿۱﴾ همان که آفرید و سپس آفریده خود را هماهنگ کرد و قوام بخشید؛ ﴿۲﴾ و همان که برای هر آفریده‌ای آنچه شایسته‌اش بود را مقدر کرد و سپس هر یک را برای بهره‌گیری از داشته‌هایش هدایت نمود ﴿۳﴾ و همان که چراگاه را از دل خاک بیرون آورد ﴿۴﴾ سپس آن را به خس و خاشاکی تیره تبدیل کرد؛ ﴿۵﴾ قطعاً تو را بر خواندن قرآن و دانش آن توانا خواهیم ساخت؛ بنابراین فراموش نخواهی کرد؛ ﴿۶﴾ مگر چیزی که خدا بخواهد؛ او از آشکار و آنچه پنهان می‌شود، آگاه است! ﴿۷﴾ و قطعاً تو را برای آسان‌ترین راه یا شریعت آماده می‌کنیم! ﴿۸﴾ پس اگر هشدار و تذکر، سودی می‌رساند، تذکر بده! ﴿۹﴾ بی‌شک آن که خشیت دارد، متذکر می‌شود و به خود می‌آید ﴿۱۰﴾ و شقی‌ترین و بدبخت‌ترین مردم از آن کناره‌گیری می‌کند ﴿۱۱﴾ همان که در بزرگترین آتش می‌سوزد ﴿۱۲﴾ فراتر از این، در آن آتش نه می‌میرد و نه زندگی می‌کند! ﴿۱۳﴾ قطعاً رستگار شد آن که خود را پاک کرد، ﴿۱۴﴾ و نام پروردگارش را یاد کرد، سپس نماز به جا آورد ﴿۱۵﴾ شما چنین نخواهید کرد و راه درست را در پیش نخواهید گرفت؛ بلکه زندگی نزدیک‌تر و محسوس‌تر را ترجیح می‌دهید ﴿۱۶﴾ درحالی‌که زندگی واپسین بهتر و پایدارتر است ﴿۱۷﴾ بی‌تردید این حقیقت در نگاشته‌ها و صحیفه‌های نخستین هست ﴿۱۸﴾ صحیفه‌های ابراهیم و موسی ﴿۱۹﴾

ترجمه واژگان

- **سَوَى:** میان اعضای هر مخلوقی هماهنگی و تناسب قرار دارد. • **الْمَرْعَى:** چراگاه.
- **غُثَاءً:** گیاهان خشک و خار و خاشاکی که سیل آنها را به کناری می‌راند. • **أَخْوَى:** سیاه و تیره.
- **سَيِّدَكُزَّ:** به زودی پند می‌گیرد. • **تُؤْتِرُونَ:** بر می‌گزینید، ترجیح می‌دهید.

دل و جان اهل ایمان با **ذکر و یاد خدا** عجین است؛ آنان در **اندیشه** خویش، خدای متعال را تعظیم و تکریم می‌کنند و کسی را همتای او نمی‌دانند. اما بی‌تردید جاری کردن **ذکر خدا و تسبیح او بر زبان** می‌تواند تأثیری مضاعف بر روح و اندیشه داشته باشد؛ به همین دلیل سوره اعلی با این دستور آغاز شده که:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾

افزون بر اینکه در اندیشه خویش خدا را منزّه از هر عیب و نقصی می‌دانی، با زبان نیز نام پروردگار بلندمرتبه‌ات را تسبیح بگو؛ ذکر تسبیح را بر زبان جاری کن تا عظمت او در وجودت **تثبیت** شود و هرگز نام دیگری را در برابر نام او قرار نده و کسی را همتای او نپندار؛

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾

همان خدایی که مخلوقات را آفرید و به هر یک، صورتی هماهنگ عطا کرد و تمام اعضای آنها را به‌طور متناسب در کنار هم قرار داد. همان خدایی که برای هر مخلوق، **استعداد و توانایی ویژه‌ای** مقدّر کرد؛ سپس او را هدایت نمود تا آن مخلوق بتواند از استعدادها، ابزارها و توانایی‌های خود به خوبی بهره بگیرد و در مسیر زندگی برای رفع نیازهای خویش، دچار مشکل نشود.

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾

همان خدایی که چراگاه‌های سرسبز را از دل زمین بی‌جان بیرون آورد تا چارپایان از آنها تغذیه کنند؛ سپس این گیاهان سبز را به خاشاکی خشک و

تیره تبدیل کرد و البته این سیر هر سال تکرار می‌شود و این، نشانه‌ای است از **تدبیر ربوبی** او در عالم هستی.

سَقَرْتُكَ فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾

یکی از نگرانی‌های پیامبر ﷺ در سال‌های نخستین نبوت این بود که مبادا وقتی قرآن را از فرشته وحی دریافت می‌کند، آن را فراموش کند؛ این آیات به او اطمینان می‌دهد که با عنایت الهی، قرآن را هرگز فراموش نخواهد کرد:

ای پیامبر ﷺ، ما قرآن را به تو آموزش می‌دهیم و در قرائت آن به تو کمک می‌کنیم؛ بنابراین نگران نباش؛ به اراده الهی آن را هرگز فراموش نخواهی کرد. البته همه چیز تحت اراده اوست و هرگاه اراده کند، می‌تواند آن را از یاد تو ببرد؛ اگرچه چنین چیزی را اراده نخواهد کرد. او از آشکار و پنهان آگاه است و می‌داند در دل تو چه می‌گذرد.

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾

ما تو را برای دریافت شریعت حق و آسان، آماده می‌کنیم و راه را نیز بر تو هموار می‌سازیم؛ پس، اکنون که نگرانی‌هایت برطرف شد و همه شرایط فراهم است، اگر به این نتیجه رسیده‌ای که **تذکر و تبلیغ**، در مردم تأثیر دارد و گروهی را **نجات** خواهد داد، به تبلیغ و تذکر خویش ادامه بده!

سَيَذَكِّرُ مَنْ يَخْشَى ﴿١٠﴾ وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾

آری؛ تلاش تو بی‌تردید تأثیر دارد؛ آنان که **خشیت الهی** در دل دارند، سخن تو و دعوت قرآن را می‌شنوند و متذکر می‌شوند؛ اما گروهی هم هستند که از تبلیغ و تذکر تو و از شنیدن قرآن دوری می‌کنند و خود را کنار می‌کشند و البته آنان **بدبخت‌ترین** و **شقی‌ترین** مردم‌اند.

الَّذِي يَصَلِّي النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٣﴾

آنان شقی‌ترین‌اند و شقاوت آنان در قیامت ظهور خواهد کرد؛ آنان کسانی هستند که در بزرگ‌ترین و هولناک‌ترین آتش خواهند سوخت؛ و البته این سوختن، سوختنی نیست که شخص با مرگ از آن رهایی یابد؛ بلکه نه در آن آتش می‌میرد و نه زندگی آسوده‌ای خواهد داشت؛ او در برزخی بین مرگ و زندگی، روزگاری دشوار را سپری خواهد کرد.

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾

و اما گروه نخست، یعنی آنان که دلشان از خشیت خدا لبریز است و با پیروی از قرآن و دستورات تو، خود را از پلیدی‌ها و باورها و رفتارهای شرک‌آمیز پاک می‌کنند و پیوسته نام پروردگارشان را یاد می‌کنند و در پی یاد او، او را عبادت می‌کنند و برای او نماز می‌خوانند، این گروه بی‌تردید **رستگار** خواهند شد.

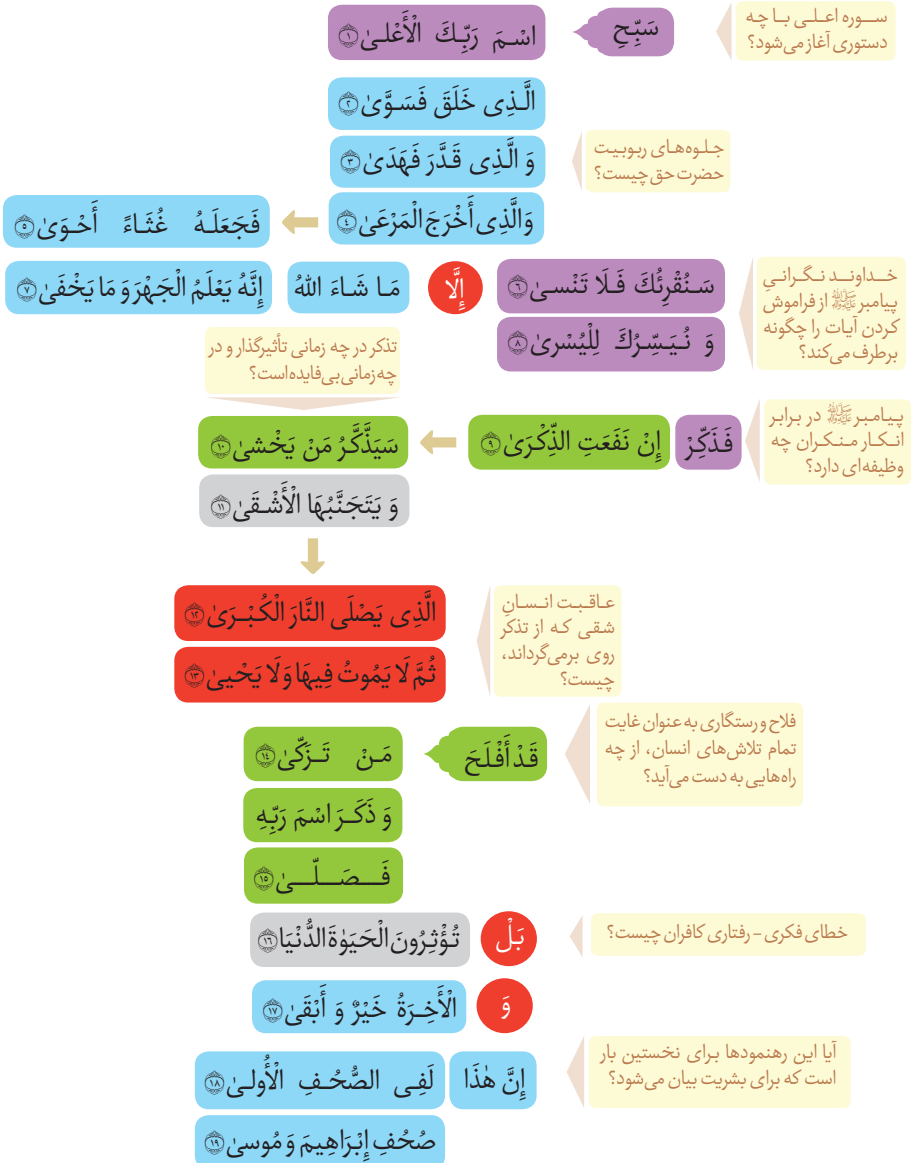
بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾

اما شما ای منکران حقیقت؛ قصد ندارید خود را از پلیدی‌ها پاک کنید تا رستگاری ابدی را برای خود تضمین کنید؛ بلکه برعکس؛ زندگی نزدیک‌تر و حیات کنونی خویش را ترجیح داده‌اید و تمام اهتمام خود را صرف آن کرده‌اید؛ درحالی‌که زندگی پایانی و ابدی، برتر و **پایدارتر** است.

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾

این سخنان، برای نخستین بار نیست که برای مردم مطرح می‌شود؛ همین حقایق، یعنی خبر رستگاری پاکان و شقاوت و بدبختی دنیاگرایان در نگاشته‌های پیشین نیز آمده بود؛ در نگاشته‌های آسمانی ابراهیم و موسی علیهم‌السلام.

□ نمودار سوره



• قرآن و سکولاریسم

دنیای مدرن را با مفهومی به نام **سکولاریسم** می‌شناسیم؛ مفهومی که ریشه یونانی آن، به معنای «**اینجا و اکنون**» است. در تفکر سکولار:

نگاه آسمانی و اندیشیدن درباره **فردا و عالم دیگر**، اهمیتی ندارد و زندگی امروز و لذت کنونی و این جهانی، تمام آن چیزی است که انسان برای آن برنامه‌ریزی و تمام همت خود را در راستای بهبود آن جهت‌دهی می‌کند.

چنین تفکری در دنیای مدرن، در عرصه‌های مختلف زندگی فردی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرات اساسی گذاشته است. اما باید دانست که سکولاریسم، منحصر در دنیای مدرن نیست؛ بلکه سابقه‌ای کهن دارد؛ به اندازه سابقه حیات بشر بر کره زمین؛ با این تفاوت که امروزه در ساحت‌های کلان و در قالب اندیشه‌ای تئوریزه شده تبلیغ می‌شود.

مفهوم «**الْحَيَاةُ الدُّنْيَا**» یکی از مفاهیم پرکاربرد قرآنی است. «الدنیا» اسم تفضیل از ماده «دنو» (نزدیک شدن)، به معنای نزدیک‌ترو دردسترس‌تر است و «**الْحَيَاةُ الدُّنْيَا**» یعنی «**زندگی نزدیک‌ترو محسوس‌تر**». در برابر این مفهوم، مفهوم «**الْآخِرَةُ**» یا «**الدَّارُ الْآخِرَةُ**» به معنای «**زندگی پایانی و سرای واپسین**» است. بنابراین «**الْحَيَاةُ الدُّنْيَا**» واژه‌ای است که مفهومی بسیار نزدیک با واژه امروزی «سکولاریسم» دارد که بر اساس مبانی و آموزه‌های آن، فردا و ماورای محسوسات (یعنی الْآخِرَةُ) اهمیت چندانی ندارد.

براساس آنچه بیان شد:

- آیه «بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا» توییخی است صریح نسبت به **تفکر** دنیاگرایی سکولاریسم؛
- آیه «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» علت این توییخ را بیان و بریک گزاره عقلایی تأکید می‌کند:

چیزی اهمیت دارد که «برتر و پایدارتر» باشد.

بنابراین دنیاگرایی، یعنی منحصرکردن اولویت‌ها و دغدغه‌های زندگی در امور دنیایی امری است که هر عاقلی با اندکی تأمل آن را نادرست می‌یابد. **امیرالمؤمنین (علیه السلام)** می‌فرماید:

«سرای دنیا نزد پروردگار خوار و بی‌ارزش است؛ از این‌رو، حلال آن را با حرامش، خوبی‌اش را با بدی، زندگی‌اش را با مرگ، و شیرینی آن را با تلخی‌اش آمیخت. خداوند متعال دنیا را برای دوستان خود صاف و گوارا نفرمود و در دادن آن به دشمنانش بخل نورزید.» (نهج البلاغه: خطبه ۱۱۳)

سوره مبارکه غاشیه (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ۝ (۱) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ۝ (۲) عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ۝ (۳) تَصَلَّى
 نَارًا حَامِيَةً ۝ (۴) تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آتِيَةٍ ۝ (۵) لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ۝ (۶) لَا يُسَمِّنُ وَلَا
 يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ۝ (۷) وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ۝ (۸) لَسَعِيَهَا رَاضِيَةٌ ۝ (۹) فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ۝ (۱۰) لَا
 تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً ۝ (۱۱) فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ۝ (۱۲) فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ۝ (۱۳) وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ۝ (۱۴)
 وَمَنَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ۝ (۱۵) وَزَوَاجٌ مُبْتَثَثَةٌ ۝ (۱۶)

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

آیا خبر «غاشیه» به تو رسیده است؟ ۱ چهره‌هایی در آن روز، فروافتاده است؛
 ۲ پرکار و خسته! ۳ در آتشی سوزان، می‌سوزند؛ ۴ از چشمه‌ای سوزان و داغ
 به آنان می‌نوشانند؛ ۵ غذایی جز ضریع ندارند؛ ۶ که نه گوشتی می‌رویند و
 نه از گرسنگی بی‌نیاز می‌کند! ۷ چهره‌هایی نیز در آن روز شاداب و خرم‌اند! ۸
 از عمل و تلاش خویش راضی‌اند؛ ۹ در باغی مرتفع ۱۰ که در آن حرف بیهوده‌ای
 نمی‌شنوند ۱۱ در آن چشمه‌هایی است روان ۱۲ در آن تخت‌هایی است بالا برده
 شده ۱۳ و پیاله‌هایی که در برابر آنان قرارداده شده! ۱۴ و بالش‌هایی به ردیف
 چیده شده ۱۵ و فرش‌هایی نفیس که گسترده شده ۱۶

ترجمه واژگان

● **الغَاشِيَّةُ:** از ماده «غش‌ی» به معنای پوشاندن چیزی با چیز دیگر است. «الغاشية» یکی از نام‌های قرآنی قیامت است؛ به معنای واقعه‌ای که همه را فرا می‌گیرد. ● **نَاصِبَةٌ:** خسته و درمانده. ● **حَامِيَّة:** سوزان. ● **آتِيَّة:** داغ و سوزان. ● **ضَرِيْع:** نوعی خار خشک بدبو و بدمزه که در سرزمین حجاز می‌روییده است. ● **يُسْمِنُ:** چاق می‌کند، گوشت به تن می‌رویاند. ● **نَاعِمَةٌ:** ۱. دارای زندگی خوب و متنعم، ۲. نرم و باطراوت و شاداب. ● **لَاغِيَّة:** سخن لغو و بیهوده. ● **نَمَارِقُ (جمع نَمْرُقُ):** بالش‌ها. ● **زُرَابِي:** جمع «زُرْبِيَّة»؛ قالی و زیرانداز نرم. ● **مَبْثُوثَةٌ:** گسترانیده، پهن شده.

سیمای هدایتی سوره

«روزی بزرگ» در پیش است؛ روزی که همه ما آن را تجربه خواهیم کرد. روزی دشوار برای آنان که عمری با **تردید** زندگی کردند و نخواستند چشم خود را بر واقعیت باز کنند و البته روزی شیرین برای آنان که با **یقین** زیستند و با یقین ایمان ورزیدند و با یقین رفتار کردند و با یقین چشم از جهان بستند. درست است که آن روز برای مؤمنان روزی خوش فرجام بود، اما به هر حال هر مؤمنی به خود بدبین است و می‌ترسد مبادا دچار لغزش شود و در روزی که هیچ چیز جز ایمان و عمل خود انسان به او سودی نمی‌رساند، پشیمان شود. آنان از روزی که شرّ آن فراگیر و عذابش بی‌نهایت است، می‌ترسند: «يَخَافُونَ يَوْمًا كَانَتْ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا» (انسان: ۷).

سوره غاشیه، سوره‌ای است که با یادآوری عظمت چنان روزی آغاز می‌شود و با آیه‌هایی پر از بیم و امید به نیمه می‌رسد و با یادآوری برخی از نشانه‌های عظمت پروردگار، وظیفه اصلی پیامبر ﷺ در برابر منکران را به او گوشزد می‌کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾

آیا خبرِ «غاشیه» به تو رسیده است؟ آیا چیزی درباره آن روز بزرگ می‌دانی؟ روزی که همه را فرا می‌گیرد و هول و هراس آن در دل همه خواهد افتاد؛ روزی که شدت آن، عقل و هوش از سر همه می‌رباید.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ ﴿٢﴾ عَامِلَةٌ نَاصِبَةٌ ﴿٣﴾

در آن روز، چهره‌هایی هستند که خواری و مذلت در آنها هویداست؛ چهره‌هایی مشغول به گرفتاری‌های عذاب و خسته و آزرده. آری؛ آنان که در دنیا حاضر نبودند در برابر خدا خاشع باشند و او را عبادت کنند و برای خشنودی او خود را خسته کنند، آن روز خشوع و گرفتاری و خستگی از نوعی دیگر آنان را فرا خواهد گرفت!

تَصْلٰى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقٰى مِنْ عَيْنٍ اَنْبِيَا۟ ﴿٥﴾

آنان در آتشی بسیار داغ خواهند سوخت و از چشمه‌ای سوزان سیراب خواهند شد!

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ اِلَّا مِنْ صَرِيْعٍ ﴿٦﴾ لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾

البته آنان به غذا نیز نیاز دارند؛ ما نیز این نیاز را بی پاسخ نخواهیم گذاشت و به آنان غذا خواهیم داد؛ اما غذای آنان چیزی جز ضریع، یعنی گیاهی خاردار و سمی نیست؛ گیاهی که نه گوشت به تن کسی می‌رویاند و نه گرسنگی کسی را برطرف می‌کند.

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾

در مقابل این گروه، چهره‌هایی دیگر نیز هستند که در آن روز از شادی و سرور، گشاده و زیباست؛ برخلاف گروه پیش که در دنیا کاری انجام نداده بودند که منتظر پاداش باشند، این گروه کار و تلاش فراوانی انجام داده بودند و امروز زمانی است که نتیجه این اعمال خود را می‌بینند و از آن خشنودند.

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١١﴾

جایگاه این افراد، بهشت‌ها و بوستان‌هایی است که در مکان‌هایی بلند آماده و آراسته شده که نشان از شرافت و جلالت آنهاست. در آنجا از زندگی بدون مرگ، لذت پایدار، شادی بی‌انتهای و هر آنچه دوست دارند و اراده کنند، بهره می‌برند.

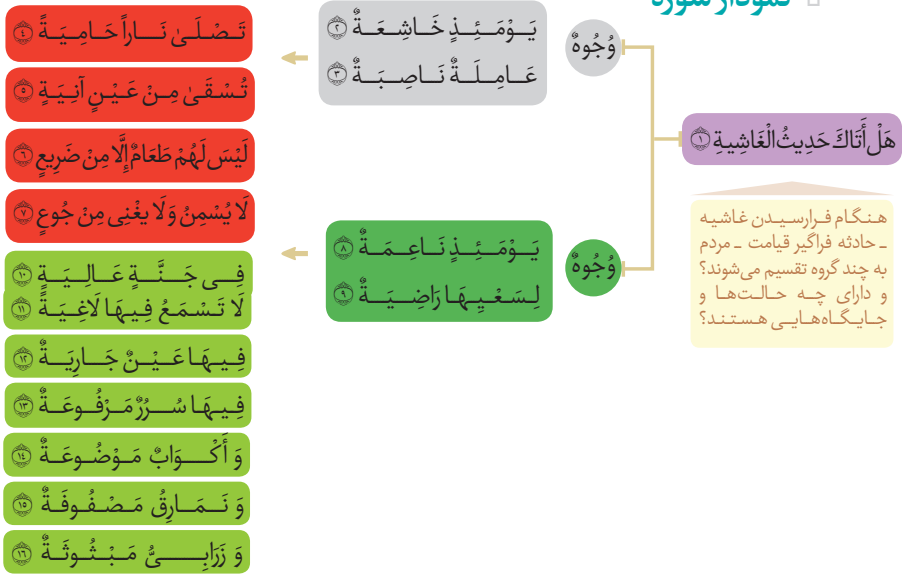
لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَاغِيَةً ﴿١٢﴾

آنجا مانند دنیا نیست که پراست از خیالات و توهمات و سخنان بی‌اساس. تحیت اهل بهشت **سلام** است و گفتگویشان حمد خدا و سخنان احترام‌آمیز و سرشار از حکمت. آنجا همه چیز **حقیقت** است و هر سخنی، گزارشی است حقیقی از حقیقت.

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٣﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَأَكْوَافٌ مَّوْضُوعَةٌ ﴿١٥﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٦﴾ وَزَوَاجٌ مُّبْتُوثَةٌ ﴿١٧﴾

وصف مکان نشستن آنان نیز شنیدنی است: در آنجا چشمه‌هایی است روان که بر طراوت بهشت افزوده است. در چنین فضایی تخت‌هایی است بلند که بهشتیان بر آنها، شاهانه می‌نشینند و پیاله‌ها و قدح‌هایی در برابر آنان قرار داده شده و هر گاه اراده کنند، می‌توانند از شراب طهور آن بنوشند؛ همچنین بالش‌هایی به‌ردیف در کنار هم قرار داده شده تا هرگاه بخواهند، بتوانند بی‌زحمت بر آن تکیه دهند و فرش‌هایی رنگارنگ از جنس پشم نرم زیر پای آنان گسترده شده است؛ آری، «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ» (قصص: ۸۳)؛ «آن سرای واپسین را برای کسانی قرار می‌دهیم که در زمین به دنبال هیچ برتری و تسلط و در پی هیچ فساد نیستند و سرانجام نیک برای پرهیزکاران است.»

■ نمودار سوره



هنگام فرارسیدن غاشیه
- حادثه فراگیر قیامت - مردم
به چند گروه تقسیم می‌شوند؟
و دارای چه حالت‌ها و
جایگاه‌هایی هستند؟

سبک زندگی قرآنی

● لذت‌دنیایی در نگرش دینی

امیرالمؤمنین (علیه السلام) را دیدند که با وجود اینکه حکومت در دست او بود، جامه‌ای کهنه و وصله‌دار بر تن داشت. از ایشان پرسیدند: «چرا این لباس را پوشیده‌اید؟» فرمود:

«به دلیل آن که دل خاشع می‌شود و نفَس خوار می‌گردد و اهل ایمان به آن اقتدا می‌کنند. دنیا و آخرت دو دشمن متفاوت‌اند و دو راه مختلف؛ هر کس دنیا را دوست بدارد و مهرش را به دل جای دهد، آخرت را مبعوض می‌دارد و با آن دشمنی می‌کند. دنیا و آخرت به منزله مشرق و مغرب‌اند و رونده بین آن دو هر مقدار به یکی نزدیک شود از دیگری دور می‌شود؛ این دو در ناسازگاری با هم، مانند دو هوو هستند.»

(نهج البلاغه: حکمت ۱۰۳)

چنین نگرشی به دنیا و آخرت، حقیقتی است که در کلام اهل بیت علیهم السلام به روشنی مشاهده می‌شود؛ چیزی که در این آیات هم به آن اشاره شده است: عده‌ای که در دنیا حاضر نشدند در برابر حق خاشع باشند و در راه خدا و عبادت او، به جسم خود زحمتی ندادند، در آخرت خاشع و ذلیل و خسته خواهند بود و در مقابل، آنان که برای رضای خدا، خود را از بسیاری از لذت‌های دنیایی محروم کردند، در آخرت از انواع بهترین لذت‌ها بهره‌مند خواهند بود.

البته این، بدان معنا نیست که مؤمن دنیا را به کلی ترک کند. این روایت که از امام کاظم علیه السلام نقل شده، بی‌تردید طرح مناسبی برای سبک زندگی ایمان محور است:

«بکوشید که وقت خود را به **چهار بخش** کنید:

- بخشی برای **مناجات** با خدا؛
- دیگری از برای **امرار معاش**؛
- سوم برای **معاشرت** با برادران و معتمدانی که عیوبتان را معرفی کنند و قلباً به شما اخلاص ورزند،
- و چهارم برای **لذت‌ها** و کامیابی‌های مشروع و با این **بخش است که بر سه بخش دیگر نیرو می‌گیرید.**

نه فقر را به خود وعده دهید، نه عمر دراز را؛ هر که از فقر بترسد، **بخیل** می‌گردد و هر که به عمر دراز امید بندد، **حریص** می‌شود.

سهمی از دنیا برای خود قرار دهید؛ بدین گونه که برخی از حلال‌هایی را که دوست دارید و به شخصیت شما ضربه نمی‌زند و اسراف در آنها نیست، به خود بدهید و با بهره بردن از این حلال‌ها برای انجام کارهای دینی کمک گیرید که روایت شده:

آن که دنیا را برای دین وانهد، یا دین را برای دنیا، از ما نیست.

(تحف العقول: ۴۰۹-۴۱۰)

سوره مبارکه غاشیه (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

ترجمه

آیا به شتران نگاه نمی‌کنند که چگونه آفریده شده‌اند؟ ﴿۱۷﴾ و به آسمان که چگونه بالا برده شده؟ ﴿۱۸﴾ و به کوه‌ها که چگونه افرشته شده‌اند؟ ﴿۱۹﴾ و به زمین که چگونه گسترده شده؟ ﴿۲۰﴾ پس تذکر بده و دیگران را بیدار کن که تو فقط تذکر دهنده و هشدار دهنده‌ای! ﴿۲۱﴾ تو بر آنان تسلط و سیطره‌ای نداری! ﴿۲۲﴾ اما آن که روی گرداند و کفر ورزد، خدا او را با بزرگترین عذاب، عذاب می‌کند! ﴿۲۳﴾ بی‌تردید به سوی ماست بازگشت آنان! ﴿۲۴﴾ سپس بی‌تردید برعهده ماست حسابرسی آنان و ما خوب می‌دانیم چگونه به حسابشان رسیدگی کنیم! ﴿۲۵﴾

ترجمه واژگان

- **الإِیل:** گله شتر، شتران. ● **تَوَلَّى:** روی گرداند. ● **مُصِیْطِر:** مسلط و چیره.
- **إِیَاب:** رجوع و بازگشت.

سیمای هدایتی سوره

در آیات بخش نخست سوره، سخن درباره قیامت بود؛ روزی که گروهی **نگون بخت** و گروهی **سعادت‌مند** خواهند بود. جایگاه گروه نخست، به‌گونه‌ای وصف شد که هر شنونده‌ای را تحت تأثیر قرار می‌دهد:

ذلت همراه با درماندگی که در چهره آنان آشکار است، در آتشی سوزان می‌سوزند، آبی داغ می‌نوشتند و غذای آنان گیاهی است خشک و خاردار که افزون بر دردناک بودن خوردن آن، هیچ تأثیری در رفع گرسنگی آنان ندارد.

اما به‌راستی، چرا افرادی دچار چنین عذابی دردناک می‌شوند؟

آیات بخش دوم سوره، ضمن اینکه به این پرسش پاسخ می‌دهد، به پیامبر ﷺ گوشزد می‌کند که وظیفه او، تنها **تذکر** است و نمی‌تواند به دلیل دلسوزی زیاد، همه را مجبور کند راه درست را انتخاب کنند:

ما چنان عذابی را برای گروهی از انسان‌ها آماده کرده‌ایم که **با آگاهی کامل** و با اینکه می‌دانند حقیقت چیست، از آن روی بر می‌گردانند. این، در حالی است که آنان با اندکی تأمل در نظام آفرینش، می‌توانند عظمت خدای متعال و حقارت خویش در برابر او را دریابند و خاشعانه به درگاه او روی آورند و با برسر نهادن تاج بندگی پروردگاری بزرگ و مهربان، در دنیا و آخرت بر تخت عزت تکیه دهند:

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِیْلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾

آیا آنان به شتران نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده‌اند؟ شترانی که هر روز با آنها سروکار دارند و در آفرینش آنان، با چشمان خویش امور شگفت‌انگیزی را مشاهده می‌کنند:

شترانی که به آنان سواری می دهند و آنان را به راحتی از بیابان های خشک عبور می دهند؛

پاهای بلند و توانمند و گردن برافراشته و تنومندی دارند که به آنان کمک می کند پس از اینکه نشستند و باری سنگین بر دوششان گذاشته شد، به راحتی از جا بلند شوند؛

روده هایی دارند که غذا و آب را در خود ذخیره می کند و می توانند برای مدتی طولانی حتی تاده روز بدون غذا و آب در بیابان سپری کنند؛ و پس از ذبح آنان، افزون بر اینکه از گوشت بسیار زیاد آنها بهره می برند، با پوست و دیگر اعضای آنها، برای خود لوازم پرکاربرد زندگی مانند لباس و زیرانداز تهیه می کنند.

این ها گوشه ای از عجایبی است که تنها در یکی از حیوانات مشاهده می شود؛ عجایی که برای مشاهده آنها لازم نیست به خود زحمت بدهند و همین که چشم خود را باز کنند، می توانند آنها را ببینند.

وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿١٨﴾

و باز، لازم نیست راه دوری بروند! فقط **سر خود را بالا ببرند**: آیا به آسمان نگاه نمی کنند که با این عظمت، بالای سر آنان برافراشته شده؟ آسمانی که از آن روزی می خورند؛ زیرا آبی که برای نوشیدن و کشت و زرع خود استفاده می کنند، از همین آسمان فرو می ریزد! آسمانی که خورشید و ماه و میلیاردها ستاره در آن می درخشند و افزون بر زیبایی، نظام طبیعت را در زمین به حرکت در می آورند و به آنان کمک می کنند در بیابان ها راه خویش را گم نکنند و همچنین بتوانند با گذشت شب و روز، برای زندگی خویش، روز شمار و ماه شماری داشته باشند تا امور فردی و اجتماعی خویش را بر اساس آن، تنظیم کنند.

وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾

و باز لازم نیست به خود زحمت بدهند؛ آیا به همین کوه هایی که **اطراف** آنان سر برآورده، نگاه نمی کنند که چگونه در زمین به طور ثابت میخ کوب شده اند؟

کوه‌هایی که آب را در خود ذخیره می‌کنند و آن را آرام‌آرام به اندازه مورد نیاز طبیعت در چشمه‌ها جاری می‌سازند؛ کوه‌هایی که زمین را از لرزش‌ها و نشست‌های هولناک حفظ می‌کنند و باعث ایجاد پایداری در هوا و مانع وزش بادهای ویرانگر می‌شوند.

وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾

آیا به **زیر پای** خویش نگاه نمی‌کنند؟ آیا به زمین نمی‌نگرند که چگونه زیر پای آنان گسترده شده است؟ زمینی که همچون فرش زیبا و هزاررنگ برای زندگی آنان فراهم شده تا در آن خانه بسازند و از گیاهان و درختان آن برای غذای خویش بهره ببرند و از چراگاه‌های آن برای سیر کردن دام‌های خویش استفاده کنند.

به راستی که انسان چقدر در برابر خالق هستی، حقیر و ناچیز است؛ با وجود این در برابر او گردنکشی می‌کند و تکبر می‌ورزد. چنین انسان‌هایی کافی است چشم خویش را باز کنند تا عظمت خدا را دریابند و جایگاه خود را در عالم هستی باز یابند.

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾

ای پیامبر ﷺ، برخی از مخاطبان تو، چه بخواهی و چه نخواهی، به سخنان تو گوش نخواهند داد. اما تو به تذکر خود ادامه بده؛ چرا که وظیفه تو، تنها تذکر دادن و **یادآوری** حقایقی است که درک آنها تنها به تأملی اندک نیاز دارد.

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيْطِرٍ ﴿٢٢﴾

تو بر آنان سیطره نداری که بتوانی آنان را مجبور کنی حقیقت را بپذیرند و هدایت شوند؛ چرا که ما آنان را **مختار** آفریده‌ایم و تنها راه را به آنان نشان می‌دهیم؛ انتخاب با خود آنان است. پس گمان نکن ایمان نیاوردن آنان، به خاطر کوتاهی توست؛

إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾

درست است که تو وظیفه نداری کسی را به اجبار هدایت کنی و هر کس، در انتخاب راه خویش مختار است؛ اما کسی که از حقیقت روی برگرداند و کفر ورزد و بخواهد در برابر خدا بایستد و گردنکشی کند، خدا او را با سخت‌ترین عذاب مجازات خواهد کرد!

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿١٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿١٦﴾

آری؛ بازگشت آنان، بی تردید به سوی ماست و پس از بازگشتشان، رسیدگی به حساب آنان نیز بر عهده ماست و خود به خوبی می دانیم چگونه به حساب آنان رسیدگی کنیم! پس آنان را به ما وابگذار!

□ نمودار سوره

أَفَلَا يَنْظُرُونَ ﴿١٧﴾ إِلَى الْإِيلِ ﴿١٨﴾ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٩﴾ وَ إِلَى السَّمَاءِ ﴿٢٠﴾ كَيْفَ رُفِعَتْ ﴿٢١﴾ وَ إِلَى الْجِبَالِ ﴿٢٢﴾ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿٢٣﴾ وَ إِلَى الْأَرْضِ ﴿٢٤﴾ كَيْفَ سُطِحَتْ ﴿٢٥﴾

خداوند در این سوره برای یادآوری عظمت خود به بیان کدام نمونه از نعمت های خویش می پردازد؟

لَسْتُ عَلَيْهِمْ بِمُضِيطِرٍّ ﴿٢٦﴾

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢٧﴾

آیا پیامبر ﷺ در برابر بی توجهی کافران و منکران نسبت به حقیقت، وظیفه ای دارد؟

يُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ ﴿٢٨﴾

فَ

مَنْ تَوَلَّى وَ كَفَرَ ﴿٢٩﴾

إِلَّا

خدای متعال چگونه منکران حقیقت پوش را تهدید می کند؟

إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٣٠﴾

ثُمَّ

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٣١﴾

سبک زندگی قرآنی

• دواصل تربیتی

یک. اجبار، ممنوع

در مسیر تربیت، نمی توان مخاطب را به انجام کاری وادار کرد؛ یک **مربی موفق** کسی است که:

- راه و بیراهه را به شخص نشان می دهد؛
- ابهامات و شبهه های او را پاسخ می دهد؛

- برای انتخاب راه درست به او انگیزه می‌دهد و در او شوق ایجاد می‌کند؛
 - نسبت به پیامدهای بیراهه رفتن به او هشدار می‌دهد؛
 - و در نهایت **تصمیم و انتخاب** را بر عهده او می‌گذارد؛
- کاری که خدای متعال در این سوره انجام داده و از پیامبر ﷺ می‌خواهد همین روش را دنبال کند.

دو. یادآوری نعمت‌ها

یکی از روش‌های تربیتی برای بیدار کردن انسان از خواب غفلت، **یادآوری نعمت‌های الهی** است. در قرآن کریم از این روش بسیار بهره برده شده و در جای جای قرآن، مردم به یادآوری نعمت‌ها دعوت شده‌اند. **امیرالمؤمنین (علیه السلام)** نیز یکی از اهداف بعثت پیامبران را **یادآوری نعمت‌های فراموش شده** معرفی می‌کند:

«فَبَعَثَ فِيهِمْ رَسُولَهُ وَ وَاتَرَ إِلَيْهِمْ أَنْبِيَاءَهُ لِيَسْتَأْذُوهُمْ مِيثَاقَ فِطْرَتِهِ وَ

يُذَكِّرُوهُمْ مَنْسِيَّ نِعْمَتِهِ...» (نهج البلاغه: خطبه ۱)؛ «و پی در پی رسولان خود را به سوی آنان فرستاد تا پیمان نخستین خویش که در درون آنان نهفته است را برای آنان آشکار کنند و نعمت‌های فراموش شده را به یاد آنها آورند...».

یکی از مهم‌ترین تأثیرات این روش ایجاد محبت و **عشق به خداوند** در دل انسان است. به همین دلیل است که می‌بینیم در مناجات‌ها و دعاهاى مأثور مانند مناجات شعبانیه و دعای عرفه، کمیل و ندبه برای تشدید شوق و محبت نسبت به خدا از این روش استفاده شده است. در روایات زیادی نیز بر این نکته تأکید شده، از جمله در روایتی از **امام سجاد (علیه السلام)** نقل شده:

«خدای متعال به موسی وحی کرد: مرا دوست بدار و مرا محبوب خلقم بگردان. موسی گفت: پروردگارا، تو می‌دانی که هیچ کس نزد من محبوب‌تر از تو نیست؛ اما بادل‌های بندگانت چه کنم؟ خدای متعال به او وحی کرد:

نعمت‌های مرا به آنها یادآوری کن؛ چرا که آنها جز خیر و خوبی از من به

یاد ندارند.» (بحار الأنوار: ۱۳/۳۵۲-۳۵۳)

سوره مبارکه فجر (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ۱ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ۲ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۳ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ ۴ هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ
 لِّذِي حِجْرِ ۵ أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ۶ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۷ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ
 مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ۸ وَثُمُودَ الَّذِينَ جَانُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۹ وَفِرْعَوْنَ الْأَوْنَادِ ۱۰
 الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ۱۱ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ۱۲
 فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۱۳ إِنَّ رَبَّكَ لِبَاصٍ مُرْصِدٍ ۱۴

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

سوگند به سپیده دم ۱ سوگند به شب‌هایی ده‌گانه ۲ سوگند به آن
 دو روز و آن روز تک ۳ سوگند به شب، هنگامی که می‌گذرد! ۴ آیا در
 این‌ها، سوگندی برای خردمندان هست؟ ۵ آیا ندیدی پروردگارت با عاد
 چگونه رفتار کرد؟ ۶ همان ساکنان اِرم دارای ستون‌های بلند و محکم
 ۷ که مانند آن در سرزمین‌ها خلق نشده بود؟ ۸ و ثمود؛ کسانی که
 تخته‌سنگ‌ها را در آن وادی می‌شکافتند ۹ و فرعون دارای لشکریان
 بسیار ۱۰ آنان که در سرزمین‌ها سرکشی کردند ۱۱ و در آنجا فساد بسیار
 مرتکب شدند! ۱۲ بنابراین پروردگارت تازیانه عذاب را بر آنان فرو ریخت
 ۱۳ بی‌تردید پروردگارت در کمین‌گاه است! ۱۴

ترجمه واژگان

• **الشَّفَع:** دو چیز در کنار هم. • **الْوَتْر:** یک چیز تک و منفرد. • **حَجْر:** عقل. «حجر» در اصل به معنای «منع» است و چون عقل، انسان را از زشتی‌ها بازمی‌دارد «حجر» نامیده می‌شود. • **العماد:** ستون. «ذات العماد» دو معنا می‌تواند داشته باشد: ۱. شهر دارای ساختمان‌های بلند، ۲. قومی که دارای قد و قامت بلند و تنومندی هستند. • **جائُوا:** گدندند و سوراخ کردند. • **الأوتاد:** میخ‌ها. • **صَبَّ:** مایعی را بر روی زمین ریخت. این فعل در آیه ۱۳ در معنای «فرود آوردن پی در پی تازیانه عذاب» به کار رفته است. • **سَوَّط:** تازیانه. • **المزّصاد:** کمین‌گاه.

سیمای هدایتی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَالْفَجْرِ ﴿١﴾ وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾ وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ ﴿٤﴾

درباره مَقْسَمِ به این پنج قسم، دیدگاه‌های متفاوتی ارائه شده است. بیشتر مفسران، تطبیق «لیال عشر» بر **ده شب ابتدای ماه ذی‌الحجه** را به عنوان یک احتمال قوی پذیرفته‌اند.

بر این اساس، برای هماهنگی میان آیات دوم و سوم، «شفع» را مناسب با **روز ترویه و روز عرفه** و «وتر» را مناسب با **عید قربان** دانسته‌اند. برخی دیگر نیز «شفع» را بر روزهای یازدهم و دوازدهم ذی‌الحجه و «وتر» را بر روز سیزدهم تطبیق کرده‌اند؛ سه‌روزی که در فقه با نام **ایام تشریق** شناخته می‌شود.

در نتیجه این دو آیه، تمامی سیزده روز ایام حج را دربرمی‌گیرد. بر این اساس، بعید نیست آیه نخست و آیه چهارم نیز با ایام حج مرتبط باشد؛ به این‌گونه که مراد از «وَالْفَجْرِ»، فجر روز نخست ماه ذی‌الحجه و زمان آغاز ایام بابرکت حج و مراد از «وَاللَّيْلِ إِذَا يَسْرِ»، شب پایانی ایام حج و زمان به پایان رسیدن این ایام مبارک باشد؛ اگرچه برخی این دو آیه را عام و منطبق بر هر فجر و شبی دانسته‌اند.

به هر حال در این آیات، خدای متعال به یکی از مقدس ترین و مهم ترین ایام سال، سوگند یاد می کند؛ ایامی که به خاطر اعمال حج - که نمود بارز و ممتازی از عبودیت بندگان در برابر پروردگار خویش است - شرافت یافته است. البته خانه کعبه، شهر مکه، حج و ایام حج، برای همه عرب، مشرک و موحد، **شرافت و تقدس** داشت و همه آن را یادگاری ارزشمند از ابراهیم و اسماعیل علیه السلام می دانستند.

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِذِي حِجْرٍ ﴿٥﴾

آیا برای کسی که از عقل و خرد بهره مند است و قصد فهم حقیقت را دارد و **مسیر زندگی خود را بر اساس عقل انتخاب می کند**، چنین سوگندهایی کافی نیست تا به اهمیت گفته ما پی ببرد و آن را آویزه گوش کند؟

درباره **جواب قسم** نیز دیدگاه های مختلفی وجود دارد:

- برخی بر این باورند که جواب این قسم ها به قرینه مجرای اقوام پیشین که در آیات بعد به آنها اشاره می شود، حذف شده است؛ یعنی «سوگند به این زمان های مقدس که پروردگار هستی، سرکشان و ظالمان را رها نخواهد کرد و آنها را به جزای اعمالشان خواهد رساند و تازیانه عذاب را بر آنان نیز فرود خواهد آورد، آن گونه که با اقوام پیشین، چنین کرد».

- برخی نیز معتقدند جواب قسم، آیه **«إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمُرْصَادِ»** (آیه ۱۴) است و آیات پنجم تا سیزدهم، معترضه بین قسم و جواب قسم هستند.

می توان گفت نتیجه هر دو دیدگاه، تقریباً یکسان است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾ إِرْمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾ الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾

قوم عاد، قبیله ای بودند که در سرزمین احقاف که ظاهراً در جنوب شبه جزیره، بین حضرموت و یمن قرار داشته، زندگی می کردند. به گفته مفسران، عاد بن عوص بن ارم بن سام بن نوح، جد نزدیک آنان بوده است و بر اساس آیات دیگر قرآن و همچنین برخی روایات تاریخی، افراد این قوم بسیار نیرومند و بلند قامت و دارای هیکل هایی درشت بوده اند و سرزمینی آباد و متمدن داشته اند. برخی معتقدند اِرم که نام جد دور قوم عاد است، نام دیگر این

قوم است و برخی براین باورند که شهر آنان، اِرم نام داشته است. به هر حال، خدای متعال در این آیات، سرنوشت این قوم را یادآوری می‌کند؛ قومی که با داشتن قدرت و توان بسیار، در برابر اراده خدای متعال، هیچ بودند:

آیا ندیدی پروردگارتو، با قوم عاد با آن عظمت و قدرت، چه کرد؟ همان ساکنان شهر اِرم که دارای خانه‌ها و قصرهایی با ستون‌های بزرگ بودند؛ شهری باشکوه که مانند آن در دیگر سرزمین‌ها هرگز بنا نهاده شده بود!

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾

و آیا ندیدی پروردگارت با قوم ثمود چه کرد؟ آنان نیز خانه‌هایی محکم و با صلابت داشتند و در سرزمین خود یعنی وادی القری تخته سنگ‌ها و صخره‌ها را می‌تراشیدند و در دل آنها برای خود خانه‌هایی امن می‌ساختند. آن خانه‌ها نیز در برابر اراده پروردگار، کاری از پیش نبرد.

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ ﴿١٠﴾

و آیا ندیدی پروردگارت با فرعون چه کرد؛ همان فرعونی که دارای قدرت و لشکریان بسیار بود؟

الَّذِينَ ظَغَفُوا فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ﴿١٢﴾ فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾

آیا ندیدی پروردگارت با این اقوام چه کرد؟ اقوامی که در سرزمین‌های خود طغیان و سرکشی کردند و در نتیجه این طغیان، فساد و گناه را در آن سرزمین‌ها به اوج رساندند. بنابراین پروردگارت، آنان را به سزای این سرکشی‌ها رساند و تازیانه‌های عذاب خود را پی در پی و به گونه ناگهانی بر پیکر این اقوام فرود آورد!

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾

آری! سوگند به فجر، سوگند به شب‌های ده‌گانه، سوگند به شفع و وتر و سوگند به شب، آن هنگام که می‌گذرد، سوگند به همه این زمان‌های مقدس که پروردگارت، در کمین‌گاه است و به زودی از مشرکان و سرکشان، انتقام خواهد گرفت؛ آن گونه که تازیانه انتقام او، پیشینیان آنان را غافلگیر کرد.

□ نمودار سوره

هَلْ فِي ذَلِكَ
قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ۝

وَالْفَجْرِ ۝

وَلَيْالٍ عَشْرِ ۝

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ۝

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرُ ۝

خداوند در آغاز سوره فجر
به چه چیزهایی سوگند یاد
می‌کند؟

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ۝
يُخَلِّقُ مِثْلَهَا فِي الْبِلَادِ ۝

الَّذِينَ جَاءُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ۝

ذِي الْأَوْتَادِ ۝

بِعَادِ ۝

وَتَمُودَ ۝

وَفِرْعَوْنَ ۝

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ
فَعَلَ رَبُّكَ

نمونه‌هایی از انسان‌های
بی‌خرد، متکبر و ظالمین:

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ ۝ فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفُسَادَ ۝

فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ۝

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ۝

سرنوشت آن بی‌خردان
طغیان‌گر چه شد؟

خداوند به‌عنوان یک
قانون‌کلی، ستمکاران
را چگونه تهدید می‌کند؟

• یاد مرگ

اگر در هر چیزی شک داشته باشیم، نمی‌توانیم در این تردید کنیم که **روزی خواهیم مُرد**. با وجود این، برخی از ما چنان برای زندگی دنیا، **عاقبت‌اندیشی** می‌کنیم که گویی قرار است تا ابد زندگی کنیم! خانه‌ها و قصرهای بزرگ می‌سازیم، اموال فراوان می‌اندوزیم؛ بدون اینکه به فکر انفاق و دستگیری از دیگران باشیم، حق دیگران را پایمال می‌کنیم؛ در صورتی که اگر اندکی عقل خود را به کار می‌گرفتیم و **مرگ** و **ناپایداری زندگی دنیا** را به یاد داشتیم، هرگز چنین رفتار نمی‌کردیم.

در قرآن کریم، گردنکشان و طاغیان با شیوه زندگی‌شان معرفی شده‌اند؛ از جمله در آیات ۷ تا ۱۲ این سوره. این امر نشان می‌دهد که این شیوه زندگی، **نتیجه غفلت از مرگ** است و عاقبتی جز پشیمانی و گرفتار شدن به خشم الهی در پی نخواهد داشت. **امام صادق (ع)** می‌فرماید:

«کسی که شب و روز، بزرگ‌ترین هم و غمش **دنیا** باشد، خداوند متعال **فقر** را در برابر چشمانش قرار می‌دهد و کارش را پریشان می‌سازد و از دنیا جز به قسمت الهی خود نمی‌رسد و کسی که شب و روز بزرگ‌ترین هم و غمش **آخرت** باشد، خداوند دلش را **بی‌نیاز** می‌گرداند و کارش را سامان می‌دهد.» (الکافی: ۳۱۹/۲)

سوره مبارکه فجر (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْنَلَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ
 (۱۵) وَأَمَّا إِذَا مَا ابْنَلَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ (۱۶) كَلَّا بَلْ
 لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ (۱۷) وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ (۱۸)
 وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا (۱۹) وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا
 (۲۰) كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا (۲۱) وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا
 صَفًّا (۲۲) وَجَاءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَنْذِكُرُ الْإِنْسَانَ وَاتَىٰ لَهُ
 الذِّكْرَىٰ (۲۳) يَقُولُ يَلِيَّتَنِي قَدَمْتُ لِحَيَاتِي (۲۴) فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا
 (۲۵) وَلَا يُوثِقُ وِقَاةُهُ أَحَدًا (۲۶) يَتَأَيَّنُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ (۲۷) أَرْجَعِي إِلَىٰ
 رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً (۲۸) فَأَدْخِلِي فِي عَبْدِي (۲۹) وَأَدْخِلِي جَنَّتِي (۳۰)

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

و اما انسان، زمانی که پروردگارش او را آزمود، این گونه که او را بزرگ داشته و به او نعمت داد، می گوید: پروردگرم مرا بزرگ داشت! ﴿۱۵﴾ و اما زمانی که او را آزمود، این گونه که روزی اش را برای او تنگ کرد، می گوید: پروردگرم مرا خوار کرد! ﴿۱۶﴾ هرگز چنین که او می پندارد، نیست! بلکه اهانت حقیقی در این است که شما یتیم را بزرگ نمی دارید ﴿۱۷﴾ و دیگران را نسبت به غذای بینوا ترغیب نمی کنید ﴿۱۸﴾ و میراث بینوایان را یکسره می خورید! ﴿۱۹﴾ و مال را بسیار دوست دارید! ﴿۲۰﴾ هرگز چنین نیست! زمانی که زمین حقیقتاً خرد و درهم کوبیده شد ﴿۲۱﴾ و پروردگارت و فرشتگان، صف به صف آمدند، ﴿۲۲﴾ و در آن روز جهنم آورده شد؛ در آن روز انسان به خود می آید و حقیقت را در می یابد! اما سود این به خود آمدن دیر هنگام کجاست؟! ﴿۲۳﴾ می گوید: ای کاش برای زندگی حقیقی ام چیزی از پیش فرستاده بودم! ﴿۲۴﴾ در آن روز، هیچ کس مانند عذاب او، عذاب نمی کند! ﴿۲۵﴾ و هیچ کس مانند دربند کشیدن او، دربند نمی کشد! ﴿۲۶﴾ ای نفس مطمئن و آرام، ﴿۲۷﴾ در حالی که هم تو راضی و خشنودی و هم خدا از تو راضی و خشنود است، به سوی پروردگارت بازگرد! ﴿۲۸﴾ سپس بینندگان من درآی ﴿۲۹﴾ و به بهشت من وارد شو! ﴿۳۰﴾

ترجمه واژگان

• **لَا تَحَاضُنُونَّ**: ترغیب نمی‌کنید. • **التُّرَاثُ**: میراث. «تراث» در اصل «وُراث» بوده که «واو» تبدیل به «تا» شده است. • **جَمًّا**: زیاد، فراوان. • **دَكًّا**: خرد کردن و کوبیدن چیزی سخت مانند: تخته سنگ. • **لَا يُوثِقُ**: نمی‌بندد، در بند نمی‌کشد. • **قَدَّرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ**: روزی اش را بر او تنگ گرفت. • **لَمَّا**: گرد آمدن و به هم پیوستن.

سیمای هدایتی سوره

سوگند به «فجر» و «لیال عشر» و سوگند به «شفع» و «وتر» و سوگند به «شب»، که پروردگارت در کمین‌گاه است و از سرکشان انتقام خواهد گرفت، آن‌گونه که پیشینیان شما را با تازیانه عذاب ناگهانی خود، غافلگیر کرد.

پروردگارت در کمین‌گاه است و انسان را همواره با «**نعمت و نعمت**» و با «**رحمت و بلا**» می‌آزماید؛ اما رفتار انسان در **رویارویی با این آزمون‌ها** بسیار ساده‌اندیشانه است: **فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ** ﴿۱۵﴾

آن‌هنگام که تقدیر الهی بر این است که او را با اکرام و انعام و رحمت خود بیازماید و از این رو به او قدرت و شوکت و ثروت می‌بخشد و او را در زندگی ای پراز نعمت غوطه‌ور می‌سازد، مغرور و خودشیفته می‌شود و گمان می‌کند، شایسته این انعام و اکرام بوده و پروردگار هستی او را از بین تمام بندگان خود برگزیده و کسی برتر از او نیست! اینجاست که حرف حق به گوش او نمی‌رود و هشدارها را به ریشخند می‌گیرد و سرکشی و طغیان می‌کند.

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿۱۶﴾

در مقابل، آن‌هنگام که خدای متعال بر اساس مصلحت و حکمتی و برای آزمودن او، رزق و روزی اش را محدود می‌کند و اندکی بر او تنگ می‌گیرد، گمان

می‌کند پروردگار مهربان، او را رها کرده و خوار و حقیر ساخته است! اینجاست که **ناسپاسی** می‌کند و از خالق خویش روی می‌گرداند! در حالی که کرامت و اهانت الهی در نعمت و نعمت دنیوی نیست؛ بلکه رزق کریم و اجر کریم، در سعادت اخروی است که فرمود: «أُولَئِكَ فِي جَنَّاتٍ مُّكْرَمُونَ» (معارج: ۳۵) و تحقیر و خواری در عذاب مُهین است، آنجا که «يُضَاعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا» (فرقان: ۶۹)

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرَمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾ وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾ وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾ وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

آری، اشتباه می‌اندیشند و بیراهه می‌روند! هرگز حالت و وضعیت انسان در دنیا نشان‌دهنده جایگاه او نزد پروردگار نیست. چگونه شما گمان می‌کنید چون غرق در نعمت‌ها هستید، مورد عنایت و توجه ویژه پروردگارید؛ حال آنکه به **وظایف انسانی** خود نیز عمل نمی‌کنید؟ نه به یتیمان که نیاز به محبت و عاطفه دارند، رسیدگی می‌کنید و نه یکدیگر را برای دستگیری از بینوایان و سیر کردن شکم گرسنه آنان، ترغیب و تشویق می‌کنید. شما نه تنها یتیم را اکرام نمی‌کنید؛ بلکه اموال به ارث رسیده زنان و کودکان بی‌سرپرست را بدون آنکه چیزی از آن را فروگذار کنید، همه را می‌بلعید! نه تنها به فکر رسیدگی به بینوایان و سیر کردن شکم آنان نیستید؛ بلکه حُبّی عجیب و عشقی شدید به مال در دل شما نفوذ کرده و انسانیت را از یاد برده‌اید!

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾ وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾ وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٣﴾ يَقُولُ يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾

بی‌تردید این رفتار آنان اشتباه است و به بیراهه می‌روند! اینان هم اکنون غافل‌اند؛ اما بی‌تردید روزی فرا خواهد رسید که بیدار می‌شوند! روزی که زمین پی‌درپی کوبیده و متلاشی می‌شود و زمان حسابرسی خدای متعال

فرا می‌رسد و فرشتگان صف در صف می‌آیند و پرده از نقاب جهنم برداشته می‌شود؛ در چنان روزی است که انسان تازه بیدار می‌شود و درمی‌یابد که فقر و غنا، نعمت و نعمت، همه، امتحان بوده و سعادت و شقاوت و کرامت و خواری در چیز دیگری جز آنچه او می‌پنداشته، قرار داشته است. اما دیگر این بیداری هیچ سودی ندارد؛ آنجاست که پشیمان و درمانده آرزو می‌کند: کاش برای زندگی حقیقی خود، چیزی از پیش می‌فرستادم! آری، آنجاست که می‌فهمد در برابر حیات اخروی، دورانی که در دنیا می‌زیسته، حقیقتاً حیات و زندگی نبوده است و تنها زندگی اخروی است که شایسته است «حیات» نامیده شود: «يَا لَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي»! اما دیگر کار از کار گذشته است.

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ ۝ وَلَا يُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدٌ ﴿٣٦﴾

در چنان روزی، پروردگار دادگر، چنان گردنکشان را عذاب می‌کند که هیچ کس پیش از او کسی را عذاب نکرده و چنان آنان را به بند می‌کشد که هیچ کس پیش از او کسی را به بند نکشیده؛ عذاب و اسارتی بی‌مانند که در انتظار کسانی است که بویی از انسانیت نبرده و حتی به کودک یتیم هم رحم نکردند و حاضر نشدند به گرسنه‌ای بیچاره لقمه نانی برسانند.

اما این یک روی سکه قیامت است؛ در طرف دیگر، کسانی نیز هستند که با آنان به‌گونه‌ای دیگر رفتار خواهد شد؛ پروردگار مهربان با کمال احترام و تکریم با آنان سخن خواهد گفت و آنان را این‌گونه با کلامی سراسر محبت و تعظیم به بهشت خویش دعوت می‌کند:

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٣٧﴾ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٣٨﴾

ای نَفْسِ که سرشار از اطمینان هستی و با گریز از شیطان و هوای نفس ذره‌ای تردید نسبت به پروردگار خویش و رحمت گسترده او در دل راه ندادی؛

ای کسی که به روز حساب ایمان داشتی و به دنیا دل نبستی و دل به رضای خدا و خواست او دادی، اینک به سوی پروردگارت بازگرد؛ درحالی که هم تواز او راضی و خشنودی و هم او از تو راضی و خشنود است؛

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٢٩﴾ وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

و در میان بندگان خاص من فرود آی و از بودن در کنار آنان لذت ببر و به بهشت من، وارد شو؛ بهشتی که برای بندگان خویش آماده کرده‌ام تا آنان را از رحمت خاص خویش بهره‌مند سازم.

نمودار سوره

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَلَاهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٦﴾

انسان تربیت نشده در برابر آزمایش های الهی از نوع وفور نعمت، چه اظهار نظری می کند؟

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَلَاهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهَانَنِ ﴿١٧﴾

و وقتی رزق برایش تنگ می شود، چگونه قضاوت می کند؟

کَلَّا

بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ ﴿١٨﴾

وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا ﴿١٩﴾

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾

منشأ اهانت واقعی چیست؟

کَلَّا

إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾

وَجِيءَ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ ﴿٢٣﴾

يَوْمَئِذٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ الذِّكْرَى ﴿٢٤﴾

چه زمانی انسان این اهانت و خواری را درمی یابد؟

فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدٌ ﴿٢٥﴾

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدٌ ﴿٢٦﴾

خدای متعال خواری آن روز را چگونه وصف می کند؟

يَقُولُ يَا لَيْتَنِي

قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٧﴾

در آن زمان چگونه افسوس می خورد؟

يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُظْمِنَةُ ﴿٢٨﴾

ازِجْعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً ﴿٢٩﴾

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي ﴿٣٠﴾

وَادْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣١﴾

کرامت واقعی انسان چه زمانی و چگونه تجلی می یابد؟

● زندگی سراسر صحنه آزمون الهی

زندگی سراسر **آزمون** است؛ نعمت و نعمت، ثروت و فقر، امنیت و ترس، سیری و گرسنگی، عزت و ذلت و هر چه در دنیا اتفاق می افتد، همه بستری برای یک آزمایش الهی است. بنابراین لحظه لحظه زندگی دنیا، مهم و در زندگی پایدار و حقیقی آخرت تأثیرگذار است. امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَا مِنْ قَبْضٍ وَلَا بَسْطٍ إِلَّا وَ اللَّهِ فِيهِ مَشِيئَةٌ وَقَضَاءٌ وَ اِنْتِلَاءٌ» (الکافی: ۱/۱۵۲)؛

هیچ تنگی و هیچ گشایشی در زندگی نیست، مگر اینکه مشیت و خواست و قضای خدای متعال بوده و آن را برای آزمودن مقدر کرده است.

این روایت در کنار آیاتی مانند آیه ۱۵ و ۱۶ سوره فجر و همچنین آیاتی که **هدف از زندگی** را ابتلای انسان معرفی می کنند، نشان می دهد برای خردمند، حتی یک لحظه غفلت هم روا نیست؛ چرا که ممکن است آزمونی که در همان لحظه در آن قرار دارد، مسیر نهایی زندگی ابدی او را تعیین کند! **امیر المؤمنین** علیه السلام می فرماید:

«وَقَدَّرَ الْأَرْزَاقَ فَكَثَّرَهَا وَقَلَّلَهَا، وَقَسَمَهَا عَلَى الصَّيْقِ وَالسَّعَةِ، فَعَدَلَ فِيهَا لِيَبْتَلِيَ مَنْ أَرَادَ، بِمِيسُورِهَا وَمَعْسُورِهَا، وَلِيَخْتَبِرَ بِذَلِكَ الشُّكْرَ وَالصَّبْرَ مِنْ غَنِيِّهَا وَفَقِيرِهَا.» (نهج البلاغه: خطبه ۹۱)؛ «خدای متعال روزی ها را مقدر فرمود و آن گاه، آنها را زیاد و کم و به تنگی و فراخی عادلانه تقسیم کرد، تا هر که را بخواهد به وسعت روزی و یا تنگی آن بيازمايد و از این طریق سپاسگزاری و شکیبایی توانگر و تهیدست را به آزمایش گذارد.»

سوره مبارکه بلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝۱ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝۲ وَوَالِدٍ وَمَا
وَلَدَ ۝۳ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝۴ أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ
عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝۵ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبًّا ۝۶ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ
يَرَهُ أَحَدٌ ۝۷ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝۸ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ۝۹
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝۱۰ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝۱۱ وَمَا أَدْرَاكَ مَا
الْعَقَبَةُ ۝۱۲ فَكُ رَقَبَةً ۝۱۳ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝۱۴
يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝۱۵ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝۱۶ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ
ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝۱۷ أُولَئِكَ أَصْحَابُ
الْمَيْمَنَةِ ۝۱۸ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَيَّيْنُنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝۱۹ عَلَيْهِمُ
نَارٌ مُؤَصَّدَةٌ ۝۲۰

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

به این سرزمین سوگند یاد نمی‌کنم ❶ - درحالی‌که تو در این سرزمین حلال هستی و هتک حرمت حلال شمرده شده است! ❷ و به پدری باشرافت و آن فرزندی که به دنیا آورد نیز سوگند یاد نمی‌کنم! ❸ بی‌تردید ما انسان را در سختی و مشقت و رنج آفریدیم! ❹ آیا گمان می‌کند کسی قدرت رویارویی با او را ندارد؟ ❺ می‌گوید: «اموال بسیاری هدر دادم!» ❻ آیا گمان می‌کند هیچ کس او را ندید؟ ❼ آیا این گونه نبود که ما برای او دو چشم قرار دادیم ❽ و یک زبان و دو لب ❾ و دو راه روشن را به او نمایانیدیم ❿ پس به آن گردنه وارد نشده؛ ❶❶ و تو چه می‌دانی که آن گردنه چیست! ❶❷ آزاد کردن انسان‌های دربند ❶❸ یا غذا دادن در روزگار قحطی ❶❹ به یتیمی نزدیک و خویشتاوند ❶❺ یا بیچاره‌ای فقیر و خاک‌نشین ❶❻ افزون بر این، کسی که می‌خواهد از گردنه عبور کند باید در زمره کسانی باشد که ایمان آورند و یکدیگر را به صبر سفارش می‌کنند و یکدیگر را به رحمت و دلسوزی سفارش می‌کنند ❶❼ آنان‌اند که صاحبان سرنوشت خوش‌یمن و مبارک‌اند ❶❽ و کسانی که به آیات ما کفر ورزیدند، آنان همان صاحبان سرنوشت شوم‌اند! ❶❹ آتشی در بسته بر آنان مسلط خواهد بود! ❶❺

ترجمه واژگان

- **حِلّ**: حلال شمرده شده. • **كَبَدَ**: سختی، رنج. • **لَبَدَ**: فراوان، روی هم انباشته.
- **شَفَقَتَيْنِ**: دولب. • **التَّجْدَيْنِ**: دو راه: راه هدایت و راه ضلالت. «تَجَد» در اصل به معنای سرزمینی است که نسبت به اطراف، مرتفع و دارای استحکام و قوت باشد. به راه روشن و آشکار نیز نجد می‌گویند؛ چون از سطح زمین بالاتر است. • **إِقْتَنَحَمَ**: وارد شدن در جایی یا در بین جمعیتی همراه با مشقت و سختی و فشار. • **الْعَقَبَةُ**: گردنه. • **مَسْجَبَةٌ**: گرسنگی فراگیر.
- **مَثْرَبَةٌ**: بسیار نیازمند و خاک نشین. • **المِیْمَنَةُ**: برکت و خجستگی. • **المَشْنَمَةُ**: نحوست و نامبارکی. • **مُؤَصَّدَةٌ**: در بسته.

سیمای هدایتی سوره

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۚ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ۚ وَالْوَالِدِ وَمَا وَلَدَ ۝

به این سرزمین سوگند یاد نمی‌کنم؛ سرزمین مقدس مکه، حرم امن الهی، آنجا که آزار و اذیت هیچ کس، روا نیست؛ اما گویی تو در این سرزمین، از دیدگاه اهل آن، حرمت نداری و آزار و حتی قتل و اخراج تو از شهر، در نگاه آنان حلال است. و به پدری عظیم الشأن - یعنی ابراهیم - و به آن فرزند بی نظیر که او به دنیا آورد - یعنی اسماعیل - سوگند یاد نمی‌کنم؛

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝

بی تردید ما انسان را در سختی و مشقت و رنج آفریدیم. او از همان ابتدای خلقت و از زمانی که در رحم است، با سختی دست و پنجه نرم می‌کند. سپس با مشقت از رحم بیرون می‌آید و رنج نفس کشیدن و غذا خوردن در فضایی ناآشنا را تجربه می‌کند. سپس سختی‌های دنیایی را یکی یکی تا زمان مرگ، پشت سر می‌گذارد؛ رنج‌هایی در:

درآوردن دندان، راه افتادن، یادگیری امور، بیماری، سرما و گرما، خستگی و خواب‌آلودگی، بی‌خوابی، ترس، کسب درآمد و لقمه حلال یا حرام، جهاد در راه حق یا نبرد در راه باطل، شهوت، لذت، فقر، پیری، تنهایی و در پایان جان‌کندن و مردن.

سختی، **طبیعت** زندگی دنیاست، برای هر کس که در دنیا زندگی می‌کند؛ بنابراین **بدبخت‌ترین مردم** کسی است که در دنیا با سختی زندگی می‌کند؛ اما راهی را انتخاب می‌کند که در آخرت نیز این سختی و مشقت با شدت بیشتر ادامه یابد و **خوشبخت‌ترین مردم** کسی است که با سختی دنیا می‌سازد و راهی را برمی‌گزیند که در نهایت به راحتی ابدی او در جوار پروردگارش می‌انجامد.

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ﴿٦﴾

چنین انسانی، آیا گمان می‌کند کسی قدرت رویارویی با او را ندارد؟ او به‌گونه‌ای رفتار می‌کند که گویی هیچ کس نمی‌تواند او را بازخواست کرده و از او به‌خاطر همه ستم‌هایی که روا داشته، انتقام بگیرد. او در فرهنگ جاهلی خویش برای اینکه به مردم نشان دهد اهل کرم و سخاوت است، در زمان ثروتمندی و گشایش، اموال خود را با گشاده‌دستی می‌بخشد و به این بخشش ریاکارانه، افتخار و مباهات می‌کند و می‌گوید:...

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَأَبْدَأَ ﴿٦﴾ أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ﴿٧﴾

می‌گوید: «اموال بسیاری را در این راه هدر دادم!» او می‌داند این بخشش‌ها برای او سودی ندارد و به‌همین دلیل آن را **هدر دادن مال** می‌داند. آیا او گمان می‌کند هیچ کس او را نمی‌بیند و هیچ کس از نیت او خبر ندارد؟

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾

آیا ما به او دو چشم ندادیم، دو چشمی که با آنها می‌بیند و به‌وسیله آنها از بیرون اطلاعات و داده‌های جهان محسوس را جمع‌آوری می‌کند؟ آیا ما به او زبان و دو لب ندادیم، ابزاری که به‌وسیله آنها می‌تواند آنچه را در دل دارد، بیان کند و با دیگران

ارتباط برقرار کند؟ آیا ما دو راه روشن و واضح، یعنی **راه حق** و **راه باطل**؛ راه خیر و راه شر را به او نشان ندادیم؟ او که می‌داند همه این نعمت‌ها از ماست، چرا چنین متکبرانه رفتار می‌کند و نمی‌خواهد بپذیرد قدرتی فراتر از او وجود دارد؟

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝

ما راه خیر و شر را به او نمایانده‌ایم و روشن است که راه خیر مانند هر راه دیگر، سختی‌ها و گردنه‌هایی دارد. هنر آن نیست که شخص مسیر هموار و بی‌دردسر را طی کند؛ هنر آن است که زمانی که به گردنه‌ها رسید، از راه باز نماند و جا نزنند. آری؛ تا **ایمان** و **اراده قوی** نباشد، انسان نمی‌تواند بر نفس خود غلبه کند و از داشته‌های خود و از این گردنه‌ها بگذرد. آن‌هم چه گردنه‌هایی! تو چه می‌دانی که این گردنه‌ها و مسیرهای صعب‌العبور چیست؟

فَكَرَبَتْ ۝ أَوْ اطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝

یکی از آنها آزاد کردن انسان‌های دربند است. دیگری آن است که در روزگار قحطی که همه از گرسنگی رنج می‌برند و افراد توانا به شدت بر دارایی خود حریص می‌شوند و در بخشش و رسیدگی به دیگران از ترس قحطی‌زدگی، بخل می‌ورزند، شخص از خود بگذرد و به افراد نیازمند رسیدگی کند و یتیمان خویشاوند و درماندگان زمین‌گیر و بی‌سرپناه را از گرسنگی نجات دهد. آری، خرج کردن‌های بیهوده و اسراف و تبذیر برای خودنمایی و مهمانی‌های تجمل‌گرایانه که افراد ثروتمند و دارا در آنها دعوت می‌شوند، نشانه کرامت و بخشندگی نیست؛ اگر اهل کرامت هستید، خالصانه دست افتادگان و درماندگان را بگیرید.

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝

افزون بر این، کسی که می‌خواهد در مسیر خیر گام بردارد و از گردنه‌های آن عبور کند، پیش از هر چیز باید از زمره کسانی باشد که ایمان دارند و به یکدیگر سفارش می‌کنند در

طاعت خدا و دوری از گناهان صبر پیشه کنند و همچنین به همدیگر سفارش می‌کنند دلسوز دیگران باشند و به آنان رحم کنند؛ چنین افرادی اهل یمن و سعادت هستند و اعمال آنان چیزی جز خیر و برکت به همراه نخواهد داشت.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

در مقابل آنان کسانی هستند که از روی لجاجت به آیات ما کفر ورزیدند؛ آنان کسانی هستند که عاقبت آنان، بدبختی است و نتیجه این گردنکشی خود را خواهند دید: آتشی در بسته که راه فراری از آن نیست، بر آنان مسلط خواهد شد.

● نکته

عبارت «لَا أَقْسَمُ» هشت بار در قرآن آمده و ادیبان و مفسران، دیدگاه‌های گوناگونی درباره آن ارائه کرده‌اند. برای نمونه به یکی از دیدگاه‌ها که موجّه و پذیرفتنی است، اشاره می‌کنیم:

«لا» در این عبارت، اصالتاً **نافیه** است و بر این دلالت دارد که متکلم نمی‌خواهد سوگند یاد کند. این امتناع از سوگند یاد کردن، علت‌های گوناگونی می‌تواند داشته باشد؛ از جمله اینکه:

۱. متکلم می‌داند مخاطب قصد پذیرش سخن او را ندارد و با انکار مخاطب، از ارزش سوگند و سخن او کاسته شود؛ سخنی که هرگز دوست ندارد بی‌اهمیت جلوه داده شود.

۲. متکلم معتقد است سخنی که می‌خواهد بیان کند، آن قدر بدیهی و روشن است که نیازی به سوگند ندارد.

در هر صورت این نفی قسم نیز مانند خود قسم بر «**تأکید جواب قسم**» دلالت دارد و البته از خود قسم **بلیغ‌تر** است. به همین دلیل بسیاری از مفسران و مترجمان آن را در قالب قسم ترجمه کرده‌اند.

نمودار سوره

لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝

وَ أَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ۝

وَ وَالِدٍ وَ مَا وَلَدَ ۝

خداوند در آغاز سوره
بلد به چه چیزهایی
سوگند می خورد؟

هدف از سوگندهایی
که در آیات ۱ تا ۳ آمده
است چیست؟

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ۝

أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ۝

وَ لِسَانًا وَ شَفَتَيْنِ ۝

وَ هَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ ۝

خداوند در پاسخ گمان ها و
توهم های انسان ثروتمند
مغرور چه نعمت های مادی
و معنوی را به او گوشزد
می کند؟

أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ ۝

يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا ۝

أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ ۝

انسانی که زندگی اش
توأم با درد و رنج است
و قدرتی ندارد، به چه
توهم ها و گمان های
خطایی دچار شده
است؟

فَكَرُّ رَقَبَةٍ ۝

أَوْ إِطْعَامٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ۝

يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ ۝

أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ۝

چگونه می توان
از این گردنه
سخت، عبور کرد؟

فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ۝

وَمَا أَذْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ۝

برای دستیابی به سعادت
چه مسیری در برابر انسان
قرار دارد؟

ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا

وَ تَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ

وَ تَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ۝

دیگرویزی های سعادت مندان
کدام است؟

أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ ۝

هُم أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ ۝

عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ۝

وَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا

کدام راه، به پایانی شوم منتهی
می شود؟

• زندگی برای دیگران!

برخی از مردم، برای دیگران زندگی می‌کنند؛ یعنی آن‌گونه که دیگران می‌پسندند رفتار می‌کنند، لباس می‌پوشند، سخن می‌گویند و غذا می‌خورند؛ نه‌آنگونه که خود دوست دارند. علت انتخاب این سبک زندگی این است که آنان دوست دارند در چشم مردم انسان‌هایی محبوب و شریف جلوه کنند. اما روزی فرا خواهد رسید که متوجه می‌شوند همه عمر و دارایی خود را با این سبک زندگی هدر داده‌اند: «يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا بُدَّ».

اگر می‌خواهیم بدانیم آیا ما از این افراد هستیم یا نه، باید ببینیم آیا این سه نشانه که امیرالمؤمنین علیه السلام مطرح می‌کند، در ما وجود دارد یا نه:

ثَلَاثَ عَلَامَاتٍ لِلْمَرَأِي:

يَنْشِطُ إِذَا رَأَى النَّاسَ وَ يَكْسُلُ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَ يُحِبُّ أَنْ يُحَمَدَ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ

(الكافی: ۲/۲۹۵)

۱. وقتی دیگران او را می‌بینند، در عمل نشاط دارد؛

۲. وقتی تنهاست، در انجام عمل، کسل و بی‌حال است؛

۳. دوست دارد در هر کاری، دیگران او را ستایش کنند!». .

اما در مقابل افرادی هستند که بدون توجه به نگاه دیگران، تنها آن‌گونه که خدا می‌پسندد رفتار می‌کنند. خدای متعال به این افراد وعده داده قطعاً آنان را در بین مردم محبوب خواهد کرد:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا» (مریم: ۹۶)؛

«کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام می‌دهند، قطعاً خدای رحمان برای آنان در دل‌ها محبتی قرار می‌دهد.»

سوره مبارکه شمس

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسُ وَضَحَّهَا ① وَالْقَمَرُ إِذَا نَلَّهَا ② وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا
وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ③ وَالسَّمَاءُ وَمَا بَنَاهَا ④ وَالْأَرْضُ
وَمَا طَحَّهَا ⑤ وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ⑥ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا
وَتَقْوَاهَا ⑦ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ⑧ وَقَدْ خَابَ مَنْ
دَسَّاهَا ⑨ كَذَبَتْ ثُمُودُ بِطَغْوَاهَا ⑩ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا
فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ⑪
فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ
فَسَوَّاهَا ⑫ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ⑬

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

سوگند به خورشید و بالا آمدنش ^۱ سوگند به ماه، هنگامی که در پی آن می آید ^۲ سوگند به روز، هنگامی که آن (زمین) را روشن می کند ^۳ سوگند به شب، هنگامی که آن را می پوشاند ^۴ سوگند به آسمان و آن که آن را بنا نهاد ^۵ سوگند به زمین و آن که آن را گستراند ^۶ سوگند به نفس آن موجود با عظمت و آن که آن را قوام و اعتدال بخشید ^۷ و پرده دری اش و پرهیزکاری اش را به آن الهام کرد ^۸ سوگند به این ها، هرکس آن (نفس خویش) را پاک کرد، قطعاً رستگار شده ^۹ و هرکس آن را دفن کرد، قطعاً محروم و بی بهره شده است ^{۱۰} قوم ثمود به خاطر سرکشی اش دعوت پیامبرش را دروغ انگاشت ^{۱۱} هنگامی که شقی ترین آنان شتابان برخاست ^{۱۲} درحالی که فرستاده خدا به آنان گفت: نسبت به ناقه خدا و آب نوشیدن او مواظبت کنید و مبادا متعرض او شوید ^{۱۳} آنان او را دروغگو خواندند و آن ناقه را پی کردند؛ بنابراین پروردگارشان آنان را با عذابی سخت مدفون کرد و سپس آن (زمین) را هموار کرد! ^{۱۴} و از عاقبت و پیامد آن نمی ترسد! ^{۱۵}

ترجمه واژگان

• **ضُحی:** بالا آمدن خورشید. • **تَلاها:** در پی آن آمد. • **يَغْشَى:** می پوشاند. • **طَحَى:** گستراند. • **خَاب:** محروم شد، به خواسته خود نرسید. • **دَسَّاهَا:** آن را پنهان کرد، آن را دفن کرد: این فعل در اصل «دَسَس» بوده که «سین» آن برای سهولت در تلفظ به «الف» تبدیل شده است. • **اَنْبَعَثَ:** برخاست، ازجا کنده شد، شتافت. • **طَغَوَى:** طغیان. • **عَقَرُوها:** ناقه را پی کردند. • **دَمَدَمَ:** دمّ علی الشئ: آن را با خاک یکسان کرد و زیر خاک مدفون کرد. دَمَدَمَ نیز به همین معناست همراه با مبالغه.

سیمای هدایتی سوره

محور سوره مبارکه شمس

خدای متعال به نفس انسان **قدرت تشخیص خوبی از بدی** را عنایت کرده؛ از این رو هر کس در پی **پاکی، طهارت و تزکیه نفس** خود باشد، قطعاً رستگار خواهد شد و هر کس به نفس خود ظلم کند، بی تردید بی بهره خواهد بود. داستان قوم صالح و کشتن ناقه که سبب غضب الهی بر آنان شد، نمونه‌ای تاریخی از **ظلم به نفس** است. البته این داستان، کنایه و تعریضی به مشرکان و برای تهدید آنان است که اگر از لجاجت دست بردارند و به تکذیب پیامبر ﷺ و معجزات او ادامه دهند، گرفتار غضب الهی خواهند شد:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّاهَا ﴿٢﴾

سوگند به خورشید و آن هنگامی که بالا می‌آید و نور خود را به طور کامل بر زمین می‌گستراند؛ سوگند به ماه، آن هنگام که در پی خورشید می‌آید و پس از غروب خورشید، با نور هر چند اندک خود زمین را از ظلمت مطلق خارج می‌کند؛

وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّاهَا ﴿٣﴾ وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾

سوگند به روز، آن هنگام که زمین را روشن می‌کند و روح حیات را در زندگی

مردم می‌دمد؛ سوگند به شب، آن هنگام که تاریکی آن، زمین را فرا می‌گیرد؛

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا ﴿٦﴾ وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾

سوگند به آسمان و آن موجود با عظمتی که آسمان را با آن جلالت و بزرگی و با آن همه اسرار پیدا و پنهان بنا نهاد؛ سوگند به زمین و آن موجود با عظمتی که آن را گستراند و برای زندگی بشر آماده کرد و در آن، هر آنچه برای زندگی او لازم بود، فراهم آورد؛

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٧﴾

سوگند به نفس و ذات انسان و آن موجود با عظمتی که آن را آفرید و به او قوام داد و صورت او را متناسب و هماهنگ و سالم و بی نقص قرار داد، سپس بیراهه و راه را به او نشان داد و به او الهام کرد کدام راه، راه عصیان و نافرمانی است و به شقاوت و بدبختی می‌انجامد و کدام راه، راه پرهیزکاری و دوری از گناه است و به نجات و سعادت می‌انجامد؛

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿٩﴾

سوگند به خورشید و ماه، روز و شب، آسمان و زمین و نفس آدمی با آن شرافت، هر کس در پی پاک‌ی و طهارت نفس بود و راهی را برگزید که به کمال آن منتهی می‌شود و در آن گام گذاشت و این‌گونه نفس خود را بالا برد، بی تردید رستگار شده است و هر کس به آن اهمیت نداد و آن را دفن کرد و با نافرمانی و پرده‌داری از ارزش و جایگاه آن فروکاست، بی تردید از سعادت و کمال باز خواهد ماند.

خدای متعال پس از بیان این سوگند، به نمونه‌ای اشاره می‌کند: افرادی که به دلیل دفن کردن نفس خویش و توجه نکردن به فطرت انسانی که به نیکی و دوری از گناه و زشتی دستور می‌دهد، طغیان و سرکشی کردند و خدای متعال بر آنان غضب و آنان را هلاک کرد:

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾

قوم ثمود به خاطر طغیان و سرکشی خود، پیامبر خدا و معجزه او را تکذیب کردند. پیامبر آنان، حضرت صالح علیه السلام همگام با فطرت، آنان را به توحید و تقوا دعوت کرد و خدای متعال برای تأیید نبوت او، یکی از بزرگ‌ترین معجزات خود را به آنان عرضه کرد؛ **ناقه‌ای با ویژگی‌های خاص** و همان‌گونه که آنان خواسته بودند.

حضرت صالح علیه السلام دستور خدای متعال را به آنان ابلاغ کرد که یک روز، فقط ناقه حق خوردن آب دارد و روز دیگر، آنان آب می‌آشامند و ناقه آبی نمی‌نوشد. البته در روزی که ناقه آب می‌آشامید، آنان به جای آب، همگی از شیر گوارای ناقه می‌آشامیدند و سیراب می‌شدند.

اما آنان پس از مدتی، با اینکه می‌دانستند آن ناقه، **معجزه‌ای الهی** است و آزاری هم برای آنان نداشت و از شیر آن بهره می‌بردند، کمر به قتل آن بستند و شقی‌ترین آنان برای این کار، اعلام آمادگی کرد.

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾

فرستاده خدا حضرت صالح علیه السلام، آنان را از این کار بازداشت و دلسوزانه به آنان هشدار داد که مراقب ناقه باشند که مبادا به آن تعدی کنند یا آن را از سهم آب خود بازدارند؛ زیرا این کار خشم و عذاب الهی را در پی خواهد داشت.

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ يَذْنِبُهُمْ فِسْوَاهَا ﴿١٤﴾

اما آنان به هشدار او توجه نکردند و ناقه را پی کردند. نتیجه این **سرکشی بی‌خردانه** آنان، چیزی جز خشم الهی نبود؛ خشمی که سبب شد خدای متعال عذاب خود را بر آنان فرود آورد؛ عذابی که همه را فرا گرفت و با خاک یکسان کرد و هیچ کس از آنان را باقی نگذاشت!

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

خدای متعال در اجرای حکم خویش، هرگز از کسی ترسی ندارد. این، انسان‌ها هستند که می‌ترسند اگر از کسی انتقام بگیرند، عاقبت بدی در انتظار آنان باشد؛ اما خدای متعال، «احکم الحاكمین» است و هر کجا هر چه اراده کند، انجام می‌دهد و کسی قدرت ندارد او را بازخواست کند.

□ نمودار سوره



● گناه واجل

در سوره شمس، به صراحت اعلام شده که علت غضب و عذاب الهی بر قوم ثمود، گناه آنان بود: «فَدَمَدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ بِذُنُوبِهِمْ» روایات نیز نشان می‌دهد که میان گناه و مصیبت، رابطه‌ای حقیقی و جاری در عالم هستی است. امام صادق (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ يَمُوتُ بِالذُّنُوبِ أَكْثَرُ مَمَّنْ يَمُوتُ بِالْأَجَالِ، وَ مَنْ يَعِيشُ بِالْإِحْسَانِ أَكْثَرُ مَمَّنْ يَعِيشُ بِالْأَعْمَارِ.»؛ «کسانی که به خاطر گناهان می‌میرند، بیش از کسانی هستند که اجل آنها فرا می‌رسد و کسانی که به خاطر احسان خود زندگی طولانی پیدا می‌کنند، بیش از کسانی هستند که به خاطر عمرِ مقدّرشان توفیق زندگی می‌یابند.»

(امالی شیخ طوسی: ۳۰۵)

البته به تعبیر قرآن، خدای سبحان «أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ» است؛ یعنی تا جایی که حکمت او اقتضا کند، از گناهان و خطاهای بندگان خود می‌گذرد؛ اما گاه حکمت او اقتضا می‌کند انسان را به خاطر برخی از این گناهان دچار مصیبت و نِقمت کند:

«وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فَبِمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَنْ كَثِيرٍ» (شوری: ۳۰)؛
«و هر مصیبتی که به شما می‌رسد، به خاطر کارهایی است که می‌کنید و خدا از بسیاری در می‌گذرد.»

● هر مصیبتی هشدار است

در آیه یاد شده، **اعمال انسان**، علت همه مصیبت ها معرفی شده است؛ بنابراین باید بدانیم:

هرگاه در زندگی دچار مصیبتی شدیم، پیش از هر چیز دیگر به این فکر کنیم که: **چه کرده ایم که مستحق چنین مصیبتی شده ایم!**

استمرار این نگاه در زندگی، سبب می شود تا:

انسان به صورت تدریجی برای ترک گناه انگیزه پیدا کند و پیش از آنکه دیر شود، خود را از مصیبت بس بزرگ یعنی **پشیمانی در روز قیامت** رهایی بخشد.

پس: اگر درباره همین **مصیبت ها** هم خوب تأمل شود، چیزی جز **نعمت** نیستند!

سوره مبارکه لیل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ① وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ② وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ
وَالْأُنثَى ③ إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ④ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ⑤
وَصَدَقَ بِالْحُسْنَى ⑥ فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَى ⑦ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ
وَأَسْتَغْنَى ⑧ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ⑨ فَسَنِيَرُهُ لِلْعُسْرَى ⑩
وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ⑪ إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ⑫ وَإِنَّ لَنَا
لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى ⑬ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ⑭ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا
الْأَشْقَى ⑮ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ⑯ وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ⑰
الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ⑱ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ
تُجْزَى ⑲ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ⑳ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ㉑

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

سوگند به شب، آن هنگام که همه جا را می پوشاند؛ ❶ سوگند به روز، آن هنگام که آشکار می شود؛ ❷ سوگند به آن موجود با عظمتی که نرو ماده را آفرید، ❸ که اعمال و تلاش های شما گوناگون است؛ ❹ و اما آن که بخشید و تقوا پیشه کرد ❺ و وعده های خدا درباره بهترین عاقبت ها را راست شمرد، ❻ ما او را برای بهره بردن از دلچسب ترین زندگی آماده می کنیم؛ ❼ و اما آن که بخل ورزید و اظهار بی نیازی کرد ❽ و وعده های خدا درباره بهترین عاقبت ها را دروغ شمرد، ❹ ما او را برای بهره بردن از سخت ترین زندگی آماده می کنیم؛ ❷ و هنگامی که در قبر یا در آتش سقوط می کند، مال او به او سودی نمی رساند ❾ بی تردید هدایت تنها بر عهده ماست ❿ و بی تردید زندگی واپسین و زندگی نخستین از آن ماست؛ ❸ پس من شما را نسبت به آتشی که زبانه می کشد، هشدار دادم ❶ آتشی که جز نگویند بخت ترین و شقی ترین انسان ها در آن نمی سوزد ❷ همان که دروغ انگاشت و رویگردان شد ❸ و باتقواترین انسان ها از آن دور نگه داشته خواهد شد ❹ آن که مالش را می دهد تا از ناخالصی ها پاک شود ❺ در حالی که هیچ کس نزد او نعمتی ندارد که او بخواهد با انفاقش جزای آن را بدهد ❻ اما او تنها برای به دست آوردن رضای ذات پروردگار بلند مرتبه اش انفاق می کند، ❸ و بی تردید راضی و خشنود خواهد شد ❹

ترجمه واژگان

• **يَغْشَى**: می پوشاند. • **شَتَّى**: مختلف و گوناگون، متفاوت. • **سَنِيْسِرُهُ**: کارها را برای او آسان می کنیم • **تَرَدَّى**: سقوط کرد، هلاک شد. • **تَلَطَّى**: شعله ور می شود، زبانه می کشد. (در اصل تَتَلَطَّى بوده که یکی از دو «تاء» برای تخفیف حذف شده است). • **لَا يَضْلَاهَا**: داخل آتش نخواهد سوخت • **إِتِّغَاء**: طلب کردن.

سیمای هدایتی سوره

در سوره مبارکه لیل، بر این نکته مهم تأکید می شود که اعمال مردم در دنیا، ناگزیر به دو دسته **خوب** و **بد** تقسیم می شود و هر یک **جزایی متناسب** با خود دارد. بنابراین همه باید توجه داشته باشند بی تردید با هر عملی در یکی از این دو مسیر گام می گذارند و سرنوشت خود را رقم می زنند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ۝ ۱ وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ۝ ۲ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ۝ ۳

سوگند به شب آن هنگام که تاریکی و ظلمت آن همه جا را می پوشاند و همه زمین در تاریکی فرو می رود؛ سوگند به روز، آن هنگام که آشکار می شود و نور آن همه جا را فرا می گیرد؛ سوگند به آن موجود با عظمتی که جنس نرو ماده را آفرید!

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ۝ ۴

سوگند به همه این ها که اعمال شما گوناگون است و از یک جنس نیست؛ به همین دلیل شما یکسان نیستید و هر یک از شما بر اساس عمل خویش، سرنوشتی متفاوت از دیگری خواهد داشت:

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٦﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٧﴾ فَسَنِيَرُهُ لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾

گروه نخست، کسانی هستند که اهل بخشش اند و تقوا دارند و وعده های الهی به بهترین عاقبت ها و پاداش ها را تصدیق می کنند؛ ما شرایط را برای این افراد آماده می کنیم تا از سرنوشتی دلچسب و بهشتی مرغوب بهره ببرند.

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٩﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿١٠﴾ فَسَنِيَرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١١﴾

گروه دوم، کسانی هستند که نسبت به مال بخل می ورزند و خود را بی نیاز می دانند، از این رو خدا در زندگی آنان جایگاهی ندارد و وعده های الهی به بهترین عاقبت ها و پاداش ها را دروغ می انگارند؛ ما شرایط را برای این افراد آماده می کنیم تا از سرنوشتی دشوار و پرازرنج بهرمند شوند!

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١٢﴾

آری: آن زمان که او در داخل قبر یا جهنم سقوط کرد، مالش که به آن می نازید و در بخشش آن، بخل می ورزید، هیچ سودی به او نخواهد رساند!

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ﴿١٣﴾

وظیفه نشان دادن راه، بر عهده ماست. ما به انسان عقل دادیم که با آن می تواند حق را از باطل و خوب را از بد بشناسد و پیامبرانی به سوی او فرستادیم تا این راهنمایی خود را به گونه احسن به اکمال برسانیم؛ پیامبرانی که همه ابزارهای ممکن را برای هدایت انسان به کار می گیرند و امور مشتبه را برای مردم روشن کرده، آنان را از خواب غفلت بیدار می کنند.

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى ﴿١٤﴾

بی تردید، جهان واپسین و جهان نخستین، هر دو از آن ماست و هیچ کس بدون اذن ما توان تصرف در آنها را ندارد. به همین دلیل، چه شما از این

هدایت تبعیت کنید و چه سرباز بزنید، هیچ سود و زیانی برای ما نخواهد داشت. همچنین چون همه چیز از آن ماست، از دو دنیا هر چه بخواهیم به هر کس بخواهیم می بخشیم.

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٦﴾ لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٨﴾

بنابراین شما را بیم می دهم از آتشی که زبانه می کشد و افراد بسیار نگون بخت در آن خواهند سوخت؛ همان هایی که همه حقایق و از جمله این پیامبر ﷺ را تکذیب کردند و از دعوت و کتاب آسمانی او روی گردانند،

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾

البته افرادی که بسیار باتقوا و اهل ایمان هستند، از آن دور خواهند شد؛ همان هایی که مال خود را می بخشند تنها با این هدف خالصانه که خود را از ناخالصی ها پاک کنند.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

البته علت انفاق آنان این نیست که شخص مقابل، حق نعمتی بر گردن آنان دارد و می خواهند با این بخشش، لطف او را جبران کنند؛ بلکه تنها چیزی که آنان را به این کار نیک وامی دارد، به دست آوردن رضا و کسب **خشنودی پروردگار** بلندمرتبه است، البته پروردگار هستی نیز از عنایات و الطاف و نعمت های بیکران خود آنقدر به آنان خواهد بخشید تا راضی و خشنود شوند.

• دو نکته

۱. تناسب میان قسم و جواب قسم:

درباره تناسب میان قسم و جواب آن، در این سوره نیز احتمالاتی مطرح شده است که به یکی از این احتمالات اشاره می کنیم: **نکته محوری** سوره این است

که مردم به دو دسته کاملاً متفاوت تقسیم می‌شوند: یکی نیکوکار و سعادتمند و دیگری بدکار و بدبخت. این **تقابل** با تقابل تاریکی شب و روشنایی روز که دردو آیه نخست به آن دو سوگند یاد شده، سازگار است. درباره آیه سوم نیز گفته شده اعمال مردم دو نتیجه متفاوت دارد: **سودمند** و **زیان‌آور**؛ همچنان که از پیوند دو جنس نرو ماده دو گونه فرزند زاده می‌شوند: صالح و ناصالح.

۲. اوصاف الحُسْنی، الیُسْرٰی و العُسْرٰی

سه وصف الحُسْنی، الیُسْرٰی و العُسْرٰی اسم تفضیل مؤنث هستند. موصوف این سه حذف شده و مفسران برای هر کدام احتمالاتی را مطرح کرده‌اند:

الحُسْنی: المَثُوبَةُ الحُسْنی، الْعِدَّة الحُسْنی، الْعَاقِبَةُ الحُسْنی، الْكَلِمَةُ الحُسْنی، الْمِلَّةُ الحُسْنی؛

الیُسْرٰی: الْحَالَةُ الیُسْرٰی، الْمَكَانَةُ الیُسْرٰی؛

العُسْرٰی: الْحَالَةُ العُسْرٰی، الْمَكَانَةُ العُسْرٰی.

نمودار سوره

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾

خداوند در سوره لیل به چه چیزهایی سوگند یاد می‌کند؟

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّى ﴿٤﴾

هدف نهایی از این سوگندها چیست؟

فَأَمَّا مَنْ

أَعْطَى وَاتَّقَى ﴿٥﴾

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾

وَأَمَّا مَنْ

فَسَنِّيئِرُهُ لِيُسْرَى ﴿٧﴾

بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾

فَسَنِّيئِرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١٠﴾

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾

مردم در سعی و تلاش خویش به دو گروه تقسیم می‌شوند. آن دو گروه چه کسانی هستند و چه ویژگی‌های شخصیتی دارند؟

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى ﴿١٢﴾

خدای متعال وظیفه خویش را چگونه معرفی می‌کند؟

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى ﴿١٣﴾

چرا دنیاگرایی یا آخرت‌گرایی انسان‌ها برای خداوند سودی ندارد؟

نَارًا تَلَطَّى ﴿١٤﴾

فَأَنْذَرْتُكُمْ

خدای متعال چگونه وظیفه هدایت را به انجام رسانده است؟

لَا يَصْلَاهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾

وَسَيُجَنَّبُهَا الْأَتْقَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى ﴿١٩﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ

وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَ لَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

چه کسانی گرفتار آتش می‌شوند و چه کسانی از آن رهایی می‌یابند؟

• انفاق و ایمان

قرآن حکیم در این سوره، اهل نجات و اهل شقاوت را با دو وصف **اهل بخشش** بودن و **بخل ورزیدن** معرفی کرده است. بر این اساس:

• اهل بخشش بودن اگر همراه با **تقوا** باشد (أَعْطَى وَ اتَّقَى)، نشانه ایمان راستین و اعتقاد واقعی به خدای متعال است.

• بخل ورزیدن نشانه این است که شخص، به پاداش و وعده‌های دنیایی و آخرتی خدای متعال برای انفاق، اعتقاد قلبی ندارد و در نتیجه: همچنان ایمان واقعی، درون او جای نگرفته است.

در قرآن کریم آمده است:

«وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ» (سبأ: ۳۹)؛ «و هر چیزی را (در راه او) انفاق کنید، عوض آن را می‌دهد (و جای آن را پر می‌کند)؛ و او بهترین روزی‌دهندگان است!».

همچنین پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«مَنْ أَتَقَنَّ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّقَةِ» (الکافی: ۴/۴۳) یعنی هر کس به این وعده خدا درباره عوض انفاق یقین داشته باشد، نفسش برای انفاق، سخاوت خواهد ورزید و نسبت به آن تمایل درونی خواهد یافت.

سوره مبارکه ضحی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَى ۱ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ۲ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ۳
 وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ۴ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
 فَتَرْضَى ۵ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ۶ وَوَجَدَكَ ضَالًّا
 فَهَدَى ۷ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ۸ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ۹
 وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ۱۰ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ۱۱

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

سوگند به زمانِ بالا آمدن آفتاب ۱ سوگند به شب، آن هنگام که
 استقرار یابد؛ ۲ که پروردگارت تو را رها نکرد و خشمگین نشد ۳ و
 بی تردید سرای واپسین برای تو از سرای ابتدایی (دنیا) بهتر است ۴
 و بی تردید پروردگارت به تو خواهد بخشید تا خوشنود شوی ۵ آیا
 این گونه نبود که تو را یتیم یافت و جا داد؛ ۶ و تو را گم کرده راه یافت
 و هدایت کرد؛ ۷ و تو را فقیر یافت و بی نیاز کرد؛ ۸ بنابراین با یتیم
 با قهرو غلبه برخورد نکن ۹ و درخواست کننده را با تندی مران ۱۰ و
 نعمت پروردگارت را بازگو کن. ۱۱

ترجمه واژگان

- **سَجَى**: آرام و قرار یافت. • **ما وَدَّعَ**: رها نکرد، ترک نکرد. • **ما قَلَى**: متنفر و خشمگین نشد.
- «الْقَلَى» به معنای بغض و نفرت شدید نسبت به چیزی است. • **آوَى**: به کسی جا و مکان داد.
- **عَانِلًا**: فقیر. • **لا تَنْهَرُ**: با زور و غلبه برخورد نکن. • **لا تَنْهَرُ**: از خود مران، بر سر او فریاد مزن.
- «نَهَر» به معنای راندن کسی است با سخن گفتن همراه با تندى و شدت.

سیمای هدایتی سوره

مشركان از هر فرصتى براى **مسخره كردن** پيامبر ﷺ و **طعنه زدن** به او و **نااميد كردن** او بهره مى جستند تا به هر طريقي، اراده او و همراهانش را سست کرده و آنان را از ادامه راه باز دارند. طبق گزارش‌های تاریخی، برای چندروزی وحی بر قلب مبارک پيامبر ﷺ نازل نشد. مشركان بی‌خرد این واقعه را دستاویز قرار داده و به مسخره كردن او روی آوردند كه «خداى محمد ﷺ او را ترك گفته و با او وداع کرده و ديگر با او سخن نمى‌گويد! خداى محمد ﷺ ديگر او را دوست ندارد و از او متنفر شده و وحى را قطع کرده است!». در اين فضا بود كه سوره «ضحى» نازل شد تا خط بطلانى بر خيال آنها باشد كه اين خدا هرگز اين پيامبر ﷺ را ترك نخواهد كرد؛ بلكه همچنان كه از كودكى به او عنايت داشته، اين عنايات تا جهان ديگر هم ادامه خواهد داشت:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَى ﴿١﴾
وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿٢﴾

سوگند به زمان بالا آمدن آفتاب، ساعتى كه خورشيد عالم را نورانى مى‌كند؛ سوگند به شب، آن هنگام كه استقرار يابد و تاريخى، همه جا را فرا گيرد...

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى ﴿٣﴾

آن هنگام كه نزول وحى براى مدت محدودى متوقف شده بود و مشركان به تو طعنه مى‌زدند، به‌كورى چشم دشمنانت، پروردگارت، تو را هرگز در مقابل چشمان

پراز نفرت و تمسخر آنان رها نکرده بود و الطاف و عنایات خود را قطع نکرده بود و دوستی و محبت او نسبت به تو هرگز به نفرت تبدیل نشده بود!

وَلَا آخِرَ خَيْرٍ لَّكَ مِنَ الْأُولَى ۝

پروردگار مهربان، نعمت‌های ویژه‌ای به تو بخشیده که مهم‌ترین آنها، این است که تو را از میان بندگان خود برای امر **رسالت** برگزیده است. این حسودان، چشم دیدن این نعمت‌ها را ندارند؛ اما بدانند که این نعمت‌های ما به تو در آخرت هم ادامه خواهند داشت؛ در آخرت بی‌تردید نعمت‌های بیشتری به تو خواهیم داد و تو را بیش از پیش به خود نزدیک خواهیم کرد و گرمی خواهیم داشت.

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى ۝

و ما قطعاً آن قدر عنایات خود را به تو ادامه می‌دهیم و چنان به تو لطف خواهیم کرد و نعمت خواهیم بخشید تا راضی شوی!

خدای متعال، پس از اینکه به پیامبر ﷺ وعده داد که در آینده نیز او را بیش از گذشته گرمی خواهد داشت، به برخی عنایات پیشین خود به وی اشاره می‌کند تا هم به او **دل‌داری** و **آرامش** دهد و هم به مشرکان نسبت به تحقق قطعی این وعده‌ها، اطمینان بخشد؛ زیرا خدایی که آن عنایات بزرگ را پیش از این به پیامبر خود ﷺ ارزانی داشته، قطعاً در آینده، چنان وعده‌هایی را نیز محقق خواهد کرد:

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ۝ وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى ۝ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ۝

آیا این پروردگارت نبود که زمانی که تو یتیم بودی و پیش از تولد، پدرت را از دست دادی و وقتی نوزاد بودی و از وجود مادر نیز محروم شدی، به تو جا و مکان داد و خود، تربیت و کفالت تو را بر عهده گرفت؟ آیا او نبود که زمانی که راه را نمی‌دانستی، به تو راه را نشان داد و زمانی که فقیر بودی و هیچ نداشتی، تو را بی‌نیاز کرد؟ از طرفی با خدیجه ازدواج کردی و او تو را از مال فراوان خود بهرمند ساخت و از طرف دیگر، حب دنیا از دلت بیرون رفت و قناعت، تو را از همه بی‌نیاز کرد. آری! چه در زمینه امور **مادی** و چه در زمینه امور **معنوی**، او از ابتدای زندگی‌ات به تو عنایت داشته است.

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١١﴾

حال که مظاهر عنایت و الطاف و نعمت‌های خدا را می‌بینی، او را سپاس گو و شکرگزار نعمت‌های او باش؛ همان‌گونه که او از تو در یتیمی حمایت کرد و دلسوزتر از پدر و مادر تو را تربیت کرد، اگر یتیمی دیدی، او را اکرام کن و با او به‌گونه‌ای تحقیرآمیز و با قهر و غلبه رفتار نکن. همان‌گونه که او تو را نیازمند دید و نیازهای تو را بی‌منت، برطرف کرد، تو نیز اگر نیازمندی دیدی که دست نیاز به سویت دراز کرده و اگر کسی از تو درخواستی کرد، با او با شدت سخن مگو و نیاز او را برطرف کن و خواسته او را برآور.

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١٢﴾

و برای به‌جا آوردن شکر نعمت‌های پروردگارت، آنها را بازگو و همیشه از آنها یاد و آنها را اظهار کن تا به همه نشان دهی که خدا به تو و به بندگانش عنایت دارد و در نتیجه توجه دیگران را به سوی خدا جلب کنی.

● نکته کلامی

پرسش: اگر پیامبران و به ویژه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله، معصوم و در تمام عمر خود یکتاپرست بودند، چگونه خدای متعال در این سوره پیامبر صلی الله علیه و آله را به **ضلالت** متصف می‌کند؟

پاسخ: در این پرسش، «ضال» به معنای کسی دانسته شده که راه خطا را طی کرده و گمراه شده است؛ اما باید دانست که واژه «ضال» به معنای **مطلق** **گم‌کرده‌راه** است و کسی را نیز دربرمی‌گیرد که **راه را خوب نمی‌شناسد**، اما هنوز شروع به طی مسیر نکرده و در حیرت است. پیامبر صلی الله علیه و آله نیز در اوایل عمر بابرکت خویش اگر هدایت الهی نبود، نمی‌توانست راه درست را آن‌گونه که شایسته یک ولی الهی است، بازشناسد و به این معنا «ضال» بود و عنایت الهی سبب «هدایت و ره یافتگی» او شد.

□ نمودار سوره

وَالصُّحَىٰ ۝ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَىٰ ۝

سوره با سوگند به کدام یک از آفریده‌های باشکوه خدا آغاز می‌شود؟

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَىٰ ۝

وَلَا خَيْرَ خَيْرٍ لَّكَ مِنَ الْأُولَىٰ ۝

خداوند پس از این سوگندها، چگونه پیامبر را ﷺ دلداری می‌دهد؟

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَىٰ ۝

بهترین امیدواری که خداوند به پیامبرش می‌دهد، چیست؟

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا ۝ فَآوَىٰ ۝

وَوَجَدَكَ ضَالًّا ۝ فَهَدَىٰ ۝

وَوَجَدَكَ عَائِلًا ۝ فَأَغْنَىٰ ۝

خداوند برای اثبات رها نکردن پیامبر ﷺ چه نعمت‌هایی را به عنوان نمونه به ایشان گوشزد می‌کند؟

فَأَمَّا الْيَتِيمَ ۝ فَلَا تَقْهَرْ ۝

وَأَمَّا السَّائِلَ ۝ فَلَا تَنْهَرْ ۝

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ ۝ فَحَدِّثْ ۝

خداوند بعد از بیان نعمت‌های خاص خود به پیامبر ﷺ، چه رفتاری از ایشان انتظار دارد؟

• اظهار نعمت

مخاطب مستقیم این سوره، شخص پیامبر ﷺ است؛ اما ما نیز باید خود را **مخاطب درجه دو** این سوره بدانیم و به دستورات آن عمل کنیم.

همه ما در زندگی خود دستاوردها و توفیق‌های بسیاری می‌یابیم که یقین داریم عنایت خاص الهی پشت آنها بوده و اگر لطف خدا نبود، این نعمت‌ها را نداشتیم؛ نعمت‌هایی همچون «خانواده خوب، هوش و استعداد، توفیق کسب دانش، مال و ثروت، بی‌نیازی از دیگران، نعمت هدایت و اسلام و تشیع، توفیق توسل و حضور در مراسم دینی و ارتباط نزدیک با خدای متعال». باید دائم از این نعمت‌ها یاد کرد و شکر آنها را آن‌گونه که خدا به پیامبرش آموزش داد، به جای آورد و همه جا با صدای رسا اعلام کرد که خدا من را دوست دارد و بی‌هیچ چشم‌داشتی این نعمت‌ها را به من ارزانی داشته است. از امام صادق (ع) نقل است که فرمود:

«هنگامی که خدای متعال نعمتی به بنده اش ارزانی می‌دارد و آن نعمت بر بنده ظاهر می‌شود - یعنی آن بنده نعمت را آشکار می‌کند - او را **حبیب الله** و **مُحَدِّث بنعمة الله** می‌نامند و هنگامی که خدای متعال به بنده ای نعمت می‌دهد و آن نعمت بر او آشکار نمی‌شود - یعنی آن بنده نعمت را مخفی می‌کند - او را **بَغِيض الله** (منفور خدا) و **مُكَذِّب بنعمة الله** (تکذیب کننده نعمت خدا) می‌نامند.»

(الکافی: ۴۳۸/۶)

سوره مبارکه شرح

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝^۱ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝^۲ الَّذِي
أَنقَضَ ظَهْرَكَ ۝^۳ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝^۴ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝^۵ إِنَّ
مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝^۶ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۝^۷ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝^۸

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

آیا این گونه نبود که برای تو سینه ات را گشودیم؛ ۱ و بار تو را از دوش
برداشتیم؛ ۲ باری که بر پشتت سنگینی می کرد ۳ و نام و یاد تو را بالا
بردیم؟ ۴ پس قطعاً همراه سختی، آسانی ای هست! ۵ قطعاً همراه
سختی، آسانی ای هست! ۶ پس هنگامی که از کاری فارغ شدی،
به کاری دیگر پرداز و خود را در راه خدا خسته کن؛ ۷ و تنها به سوی
پروردگارت میل و رغبت داشته باش ۸

ترجمه واژگان

- **أَلَمْ نَشْرَحْ**: آیا نگشودیم؟ • **وَضَعْنَا**: برداشتیم. • **وِزْرٌ**: سنگینی، بار.
- **أَنقَضَ**: سنگینی کرد، فشار آورد. • **إِنْصَبَ**: مشغول استراحت نباش،
خود را خسته کن.

خدای متعال در سوره شرح، عنایت و الطاف خاص خود به پیامبر ﷺ را یادآوری می‌کند و به او دستور می‌دهد به پاس این عنایات، همواره در حال **تلاش در راه خدا** باشد و هیچ‌گاه از پانایستد. در حقیقت، این سوره نجوای محبت‌آمیز خدای وودودی است که دوستدار خالص‌ترین بنده خود است و این دوستی و محبت در این واژگان زیبا تجلی پیدا کرده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾

از این آیه می‌توان برداشت کرد قلب مبارک پیامبر ﷺ به خاطر چیزی از امور مربوط به رسالت، دچار اضطراب بوده و بارآن بردوش وی به شدت سنگینی می‌کرده است؛ مشکلی که چیزی جز یاری و عنایت خدای متعال گره‌گشای آن نبوده است.

شاید این امر، **سنگینی بار رسالت و تبلیغ و آزارهایی** بوده که از جانب مشرکان به ایشان می‌رسیده است.

به هر حال، خدای متعال به پیامبر ﷺ سعه صدر عنایت کرده و قلب مبارک او را از اضطراب‌رهایی بخشید و در این سوره با یک استفهام تقریری این عنایت خود را به او یادآوری کرد:

آیا ما سینه‌ات را نشکافتیم و آن را برای تو وسعت نبخشیدیم؟ آیا ما به تو تحمل دریافت معارف وحی و صبر در برابر سختی‌ها و مشکلات این راه را عطا نکردیم؟

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾

و بار کمرشکن دشواری‌های مسئولیت رسالت را که بردوش تو بود و از سنگینی آن، صدای استخوان‌های کمرت به گوش می‌رسید از دوش تو برداشتیم و امر رسالت را بر تو آسان کردیم.

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾

و نام و یاد تو را بالا بردیم! در قرآن تو را بارها ستودیم و نام تو را در کنار نام «الله» قرار دادیم و به لطف و عنایت ما، همه از تو به نیکی یاد می کنند و اهل زمین و آسمان تو را می ستایند و نام تو را در کنار نام «الله» بر زبان جاری می کنند و آهنگ دلنشین «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» از بزم ملکوتیان همواره گوش ها را نوازش می دهد.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾

در نتیجه بدان که دشواری های زندگی دنیا دوام ندارد و در کنار این دشواری ها، آسانی ها نیز وجود دارد. این ها حوادث زودگذر دنیا است که گاه بر انسان سنگینی می کند و فردا روز، اثری از آن نیست و راحتی و آسودگی جای آن را گرفته است. اولیای الهی به خوبی از این **سنت الهی** آگاه هستند؛ بنابراین هرگز مصیبت ها و رنج روزگار آنها را سست و خسته نمی کند.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾

آری! همراه هر دشواری و رنج و اندوه، آسانی و راحتی و شادی و سروری خواهد بود.

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾

پس هرگز از پا منشین! هر گاه از وظیفه ای فارغ شدی و آن را به انجام رساندی، وظیفه و کاری دیگر را آغاز کن و در راه خدا پیوسته تلاش کن و خود را در این راه، خسته کن!

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾

و تنها به او رو کن و جهت زندگی ات تنها به سوی او باشد و همه درخواست های را از او بخواه و برای رفع مشکلات تنها از او درخواست یاری کن.

• شرح صدر

مراد از شرح صدر، وسعت بخشیدن به وجود انسان است؛ به گونه ای که

آمادگی پذیرش دستورها و تقدیرات الهی را داشته باشد و بتواند بردشواری‌ها و آزارهایی که در راه حق به او می‌رسد، صبر کند. کسی که **شرح صدر** دارد، وقتی حقیقتی به او عرضه می‌شود، آن را می‌پذیرد و جذب می‌کند و در مقابل، کسی که **ضیق صدر** یا تنگی سینه دارد، توان دریافت و پذیرش حق را ندارد: **فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا** (انعام: ۱۲۵)؛ «پس خدا هر که را بخواهد هدایت کند، به او شرح صدر می‌دهد تا در برابر حقایقی که از جانب اوست تسلیم شود و هر که را بخواهد به گمراهی بیفکند، سینه‌اش را تنگ و محدود می‌کند.»

بنابراین مؤمن برای **استكمال ایمان** خود، به شرح صدر نیاز دارد و هر قدر **مراتب ایمان** و یقین بالاتر رود، شرح صدر او بیشتر است.

● نشانه‌های شرح صدر

پیامبر خدا ﷺ درباره آیه «**أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ**» (زمر: ۲۲)، «آیا کسی که خداوند سینه‌اش را برای اسلام فراخ گرداند و در نتیجه نوری از سوی پروردگارش دارد»، فرمود:

«هرگاه این نور در دل بیفتد، دل برای پذیرش آن باز می‌شود و فراخ می‌گردد.» عرض کردند: «ای رسول خدا! آیا برای شناخت این امر، نشانه‌ای هم هست؟» فرمود: «دوری کردن از سرای فریب (دنیا) و روی آوردن به سرای جاودانه (آخرت) و آماده شدن برای مرگ، پیش از فرا رسیدن مرگ.» (بحارالانوار: ۱۲۲/۷)

● دعا برای شرح صدر

شرح صدر از اموری است که از لسان مطهر انبیا و امامان علیهم‌السلام در قالب **دعا** از خدا درخواست شده است. حضرت موسی علیه‌السلام هنگامی که مبعوث شد، از خدا

درخواست کرد: «قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي...» همچنین امام سجاد علیه السلام در مناجاتی عرض کرد:

«إِلَهِي! فَاجْعَلْنَا مِنَ الَّذِينَ تَوَشَّحَتْ أَشْجَارُ الشُّوقِ إِلَيْكَ فِي حَدَائِقِ صُدُورِهِمْ... وَانْجَلَتْ ظُلْمَةُ الرِّيبِ عَنْ عَقَائِدِهِمْ مِنْ (فِي) صَمَائِرِهِمْ، وَانْتَفَتْ مُخَالَجَةُ الشَّكِّ عَنْ قُلُوبِهِمْ وَسَرَائِرِهِمْ، وَانْشَرَحَتْ بِتَحْقِيقِ الْمَعْرِفَةِ صُدُورُهُمْ.»

«معبودا! مرا از کسانی قرار ده که درختان شوق به تو، در باغ‌های سینه‌هایشان درهم پیچیده‌اند... و ظلمت تردید در عقاید، از اندیشه‌هایشان زدوده شده و خلجان شک از دل‌ها و درون‌هایشان، رخت بر بسته و با شناخت راستین، سینه‌هایشان گشاده گشته است.»

□ نمودار سوره

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ۝

وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ۝

الَّذِي أَثَقَّ ظَهْرَكَ ۝

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ۝

خداوند در سوره شرح چه نعمت‌هایی را به پیامبر صلی الله علیه و آله یادآوری می‌کند؟

خداوند به پیامبر صلی الله علیه و آله و امت ایشان درهمه زمان‌ها چه بشارتی می‌دهد؟

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝
إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ۝

پس از اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله از مشکلات رهایی یافت، خداوند متعال چه دستورالعملی را برای ایشان مطرح می‌کند؟

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ۝

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ۝

● نشاط و کار فراوان

آیه «فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ» از جوامع الکلم است که در لحظه لحظه زندگی کاربرد دارد. انسان هیچ‌گاه نباید زمان را که ارزشمندترین دارایی اوست، از دست بدهد و هر لحظه باید به کاری مشغول باشد؛ کاری با نیت **رضای الهی** و اگرچه ممکن است از نظر جسمی آن کار انسان را خسته کند، چون برای خداست، شیرین و لذت بخش خواهد بود. امام صادق علیه السلام به یکی از فرزندان خود سفارش کرد:

«إِيَّاكَ وَ الْكَسَلَ وَ الضَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»؛ از تنبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز؛ زیرا که این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارند. (الکافی: ۸۵/۵)

همچنین از ایشان پرسیدند:

«بنیان زندگی خود را بر چه اساسی بنا نهاده‌اید؟» فرمود: «بر چهار چیز:

۱. دانستم که **کار من** را کسی جز من انجام نمی‌دهد؛ پس **تلاش** کردم.
۲. دانستم که خدای متعال بر من **احاطه** دارد و به من آگاه است؛ پس **حیا** کردم.
۳. دانستم کسی جز من **روزی** مرا نخواهد خورد؛ پس **آرامش** پیدا کردم.
۴. دانستم که پایان کار من **مرگ** است؛ پس خود را **آماده** کردم.»

(بحار الانوار: ۲۲۸/۷۵)

سوره مبارکه تین

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ ① وَطُورِ سِينِينَ ② وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ③
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ④ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ
أَسْفَلَ سَافِلِينَ ⑤ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ⑥ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِاللَّيْنِ ⑦
أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ⑧

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

سوگند به تین و زیتون ① و کوه سینین، ② و این سرزمین امن ③ که
ما انسان را در بهترین ساختار و قوام بندی آفریدیم ④ سپس او را
به پست ترین جایگاه ها بازگردانیدیم ⑤ مگر آنان که ایمان آوردند و
کارهای شایسته انجام دادند که آنان پاداشی بی حساب و همیشگی
خواهند داشت ⑥ پس چه باعث می شود پس از آشکار شدن حقیقت
روز جزا را دروغ انگاری؟ ⑦ آیا خدا حاکم ترین حاکمان نیست؟ ⑧

ترجمه واژگان

• **التِّينَ**: انجیر. • **طُورِ سِينِينَ**: کوه سینا. • **تَقْوِيمَ**: قوام بندی، متعادل ساختن. **أَحْسَنِ** تقویم یعنی بهترین ساختار و قالب. • **أَسْفَلَ**: پست ترین. • **غَيْرَ مَمْنُونٍ**: به سه معنا می تواند باشد: ۱. ممتی همراه با آن نیست، ۲. غیر مقطوع، دائمی و همیشگی است، ۳. غیر قابل شمارش و بی حساب است. • **الدِّينَ**: جزا، روز جزا، آیین.

سیمای هدایتی سوره

سوره تین با سوگند به مکان های مقدسی آغاز می شود که پیامبران بزرگ الهی در آن به رسالت مبعوث شدند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾

سوگند به تین و زیتون و طور سینا و این سرزمین امن!

«تین» (انجیر) و «زیتون» نام دو میوه مشهور است. همچنین واژه «تین» نام کوهی است که شهر دمشق در کنار آن بنا شده و ظاهراً به دلیل وجود درختان بسیار زیاد انجیر در آنجا، آن را **تین** نامیده اند.

«زیتون» نیز نام کوهی است که در کنار بیت المقدس قرار دارد و به دلیل رویش درختان بسیار زیاد زیتون در آن، به آن **زیتون** می گفته اند. این دو کوه، **محل بعثت** و نزول وحی بر بسیاری از پیامبران الهی بوده و به همین دلیل نزد خدای متعال دارای شرافت و عظمت هستند.

برخی از مفسران، با توجه به **تناسبی** که باید میان چهار «مُقَسَّم» به در ابتدای سوره وجود داشته باشد، معنای دوم را ترجیح داده اند؛ زیرا طور سینا محل بعثت حضرت موسی عليه السلام و شهر مکه (الْبَلَدُ الْأَمِينِ) محل بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله است و مناسب این است که مراد از «تین» و «زیتون» نیز **مکان هایی با شرافت و با عظمت** باشد.

«طور» واژه ای نبطی یا سریانی است به معنای «کوه». واژه «سینین» نیز شکل دومی از واژه «سَينَاء» است که ظاهراً واژه ای سریانی است. به هر حال،

مراد از «طور سینین»، کوهی است که در منطقه سینا بین مصر و فلسطین وجود داشته و محل سخن گفتن حضرت موسی علیه السلام با خدای متعال بوده است. مراد از «الْبَلَدِ الْأَمِينِ» شهر مکه است که براساس آیات دیگر قرآن، با دعای حضرت ابراهیم علیه السلام سرزمینی امن قرار داده شده است. منظور از امن بودن شهر مکه، امنیت تشریعی است؛ یعنی خدای متعال حکمی را برای این سرزمین تشریع کرده که براساس آن هیچ کس در آن حق آزار رساندن به دیگران و حتی حیوانات را ندارد و همه در امنیت هستند.

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿١﴾

خدای متعال پس از سوگند به خاستگاه بعثت انبیای بزرگ، به حقیقتی مهم اشاره می‌کند که با این سوگندها و هدف رسالت پیامبران تناسبی روشن دارد: «ما بی تردید انسان را در بهترین و نیکوترین قوام و ساختار و نظام آفریدیم».

پیداست که منظور از نیکوترین قوام و ساختار، فقط ساختار جسمانی بدن انسان نیست؛ بلکه آنچه مهم است، درون انسان، قلب و عقل اوست.

خدای متعال به انسان نیروی ادراک داده و او را از نعمت عقل بهره‌مند کرده است. او می‌تواند به لطف این نعمت الهی راه خود را بازشناسد و خوبی را از بدی تشخیص دهد: «فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا» (شمس: ۸) و به سوی حق حرکت کند و این‌گونه لحظه به لحظه جایگاه خود را بالا ببرد. در نتیجه انسان به‌گونه‌ای آفریده شده که می‌تواند با کسب دانش و معرفت و انجام اعمال صالح به بالاترین مراتب عروج کند و به سعادت زندگی ابدی نزد پروردگار خود دست یابد.

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾

آیا انسان از این نعمت الهی و فرصتی که برای رفعت او فراهم شده، بهره برده و عروج کرده است؟

خیر! او براساس فطرت الهی خود عمل نکرد و چشم خود را بر همه حقایق بست و از عقل خود بهره نگرفت. برخی سنگ پرستیدند و برخی دیگر حیواناتی چون

گاو و موش را خدا دانستند و برخی از اساس خدا را منکر شدند! در عرصه عمل نیز هوا و هوس‌های موهوم خود را بر دریافت‌ها و دستورهای واضح عقل ترجیح دادند و این‌گونه از نظر اخلاقی نیز انحطاط و سقوط بزرگی داشتند. «ما نیز آنها را به پست‌ترین جایگاه‌ها باز گردانیم!» جایی که منزلگاه پست‌ترین مخلوقات است، **آنها خود، راه شقاوت و بدبختی را برگزیدند** و ما نیز در پی این انتخاب، آنان را در بدترین جایگاه‌ها یعنی جایگاه عذاب و شقاوت، جای دادیم.

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٧﴾

البته همه این‌گونه نبودند. کسانی بودند که دعوت عقل خود و انبیای الهی را اجابت کرده و ایمان آوردند و در پی آن، از بُعد اخلاقی نیز زندگی خود را با عمل صالح قرین کرده و ایمان خود را با رفتار و کردار نیک زینت دادند. بنابراین ما نیز آنان را بی‌بهره نخواهیم گذاشت؛ آنان **پاداشی بی‌حساب و بی‌منت** خواهند داشت؛ پاداشی که اگرچه تفضلی از جانب ماست، ما آنان را مستحق این تفضل و عنایت می‌دانیم و منتی بر آنان نمی‌نهیم.

فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِاللَّيْنِ ﴿٧﴾

انسان‌ها در اجابت دعوت عقل و فطرت دو دسته می‌شوند و هر دسته راهی بسیار متفاوت از دیگری را برمی‌گزینند، از این رو **ضرورت برپایی روز حساب** روشن است. پس ای انسان! بعد از اینکه این‌گونه حق آشکار شد، چه چیز سبب می‌شود تو همچنان روز جزا را دروغ انگاری؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾

آیا خدای متعال، حاکم‌ترین حاکمان نیست؟ آن‌که حکمش متقن‌ترین و نافذترین حکم‌هاست. بر اساس حکمت، انسان را در احسن تقویم آفریده و بر اساس حکمت، راه‌یافته و گمراه را رها نخواهد کرد و به هر یک سزایی درخور خواهد داد و میان آنها حکم خواهد کرد و در این حکم خود از کسی ترس و اضطراب ندارد؛ نه ترس از اشتباه در حکم و نه ترس از اجرای حکم!

□ نمودار سوره

وَ الثَّانِيْنَ

وَ الزَّيْتُونِ ۝

وَ طُورِ سِينِينَ ۝

وَ هَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ۝

در سورهٔ تین به چهار مکان مقدس سوگند یاد شده:

لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ
فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ۝

این قسم‌های
چهارگانه برای بیان
چه حقیقتی است؟

ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ۝

نتیجه بهره‌نبردن از
استعدادهای خدادادی چیست؟

إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ
فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ۝

چگونه می‌توان خود را از وقوع
در اسفل السافلین نجات داد؟

فَمَا يَكْذِبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ ۝

باور به آفرینش هدفمند انسان
چه نتیجه‌ای در پی دارد؟

أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ ۝

سبک زندگی قرآنی

• عقل و دینداری

گفتیم خلقت انسان در «أحسن تقویم» به این معناست که خدای متعال به او نیروی درک و **قوه عقل** داده که می‌تواند به لطف این نعمت الهی راه خود را بازشناسد و خوبی را از بدی تشخیص دهد و به سوی حق حرکت کند و این‌گونه لحظه به لحظه جایگاه خود را بالا ببرد.

توجه به این واقعیت نشان می‌دهد سعادت بشر جز در گرو پیروی از عقل نیست؛ امام صادق علیه السلام می‌فرماید:

«مَنْ كَانَ عَاقِلًا كَانَ لَهُ دِينَ وَ مَنْ كَانَ لَهُ دِينَ دَخَلَ الْجَنَّةَ»

(الكافي: ۱/۱۱)؛ «هر کس عاقل باشد، دین دارد و هر کس دیندار باشد،

وارد بهشت می شود.»

از این آیات و روایات می توان نتیجه گرفت کسانی که خود را به پرتگاه «أسفل سافلین» می افکنند، اگر و تنها اگر از عقل خود بهره می بردند، هرگز دچار این شقاوت نمی شدند. به این داستان توجه کنید:

یونس بن عبدالرحمن می گوید: به **امام رضا** علیه السلام گفتم: فلان شخصیت عباسی می گوید شما غنا را جایز دانسته اید؟ امام علیه السلام فرمود:

این زندیق دروغ گفته است. من چنین چیزی به او نگفته ام. از من درباره غنا پرسید؛ من این ماجرا را به او گفتم: «مردی نزد امام باقر علیه السلام آمد و درباره غنا از او پرسید. امام باقر علیه السلام به او گفت: ای فلانی، اگر خدا بین حق و باطل جدایی بیندازد، غنا در کدام سمت قرار می گیرد؟ آن شخص پاسخ داد: در باطل! امام فرمود: **خودت حکم کردی!**» (الكافي: ۳۵/۶)

این روایت نشان می دهد بسیاری از امور هستند که اگر خوب درباره آنها تأمل شود، حکم آنان بدون نیاز به دین و پرسش از معصوم علیه السلام مشخص می شود. در نتیجه می توانیم طبق این روایت، جدولی رسم کنیم که دارای دو ستون باشد: **اولی** مربوط به امور حق و **دومی** مربوط به امور باطل و تصمیم بگیریم هرکاری را قبل از اینکه انجام دهیم، براساس تشخیص و تدبیر عقل خود در یکی از این دو ستون قرار دهیم. مطمئن باشید در غالب موارد برای حقانیت یا بطلان آن کار، حکم قطعی درست و مطابق با واقع صادر خواهیم کرد!

این است تجلی **حجیت باطنی عقل**:

«يَا هَاشِمُ إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ
فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَئِمَّةُ عليهم السلام وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ...»

(الكافي: ۱۶/۱)

سوره مبارکه علق (۱)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ① خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ②
 أَقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ③ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ④ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا
 لَمْ يَعْلَمْ ⑤ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَغْيَى ⑥ أَنْ رَأَاهُ اسْتَعْجَى ⑦
 إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى ⑧

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

بخوان به نام پروردگارت که آفرید. ① انسان را از خونی بسته آفرید.
 ② بخوان و بدان که پروردگارت همان کریم ترین و گرامی ترین
 است. ③ همو که خواندن و نوشتن را به وسیله قلم آموخت. ④
 به انسان آنچه را نمی دانست یاد داد. ⑤ آیا گمان می کنی که او
 شکر این نعمت را به جای می آورد؟ هرگز! انسان بی تردید طغیان
 و سرکشی می کند؛ ⑥ چرا که خود را بی نیاز می بیند. ⑦ به یقین،
 بازگشت، تنها به سوی پروردگار توست. ⑧

ترجمه واژگان

• **عَلَقٌ**: خون بسته شده. ماده علق بر آویزان شدن و چسبیدن چیزی بر چیز دیگر دلالت دارد. به زالو علقه می‌گویند؛ چون به حیوانات یا انسان می‌چسبد و خون آنها را می‌مکد. زمانی که نطفه در رحم به شکل خون بسته شده در می‌آید، به آن علقه می‌گویند؛ شاید به این دلیل که شبیه زالوست یا به دیواره رحم چسبیده است. • **لَيَطْفَنِي**: حتماً طغیان و سرکشی می‌کند. • **الرُّجْعِي**: رجوع، بازگشت.

سیمای هدایتی سوره

طلیعه نبوت پیامبر ﷺ در غار حرا بود، زمانی که چهل سال از عمر بابرکت ایشان گذشته بود. رسول خدا ﷺ در این غار به «خلوت، عبادت و تماشای خانه کعبه» می‌پرداخت و این خلوت‌گزینی، زمینه **حیات و حیانی** او را فراهم کرد. درباره شروع نبوت و وحی، گزارش‌هایی تاریخی نقل شده که قابل اعتماد نیست؛ اما مسلم است که **نخستین** کلامی که بر پیامبر ﷺ وحی شد، پنج آیه ابتدایی سوره علق بود:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾

بخوان؛ چون دعوت تو با **معرفت و دانش** آغاز می‌شود، معرفتی که با خواندن به دست می‌آید. بخوان و خواندن خود را با نام پروردگارت آغاز کن؛ همان که آفرینش از اوست؛ او آفریده و برای این آفرینش، **غایتی** در نظر دارد و در راستای رسیدن به این غایت، تو را برای رسالت برگزیده است. او آفریده و آفریدگار تنها کسی است که شایسته پرستش است.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿١﴾

همان پروردگاری که انسان را از خون بسته شده آفرید. آری! انسان اگر به مراحل آفرینش خود بنگرد، او را بی تردید درس اسرار زندگی همراه خود خواهد یافت و به او ایمان خواهد آورد.

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿٢﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٣﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٤﴾

آری، آنچه را به تو وحی شده بخوان و از اینکه درس نخوانده‌ای، نگران نباش؛ زیرا پروردگارت، همان خدای کریمی است که به همه تفضل و عنایتی ویژه دارد و یکی از نشانه‌های کرامت او این است که نوشتن و خواندن را به وسیله **قلم** یاد داد و به انسان، آنچه را نمی‌دانست، آموخت! او همان معلم و آموزگار واقعی انسان است که انسان را با علم، شرافت داد و با این نعمت، اکرام خود را بر او به نهایت رساند و او را از ظلمت نادانی به نور دانش هدایت کرد. چنین خدایی به تو نیز خواندن می‌آموزد؛ پس نگران نباش.

كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظٍ ﴿٥﴾ إِنَّهُ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ﴿٦﴾

انسان در برابر این اکرام و تفضل، سپاسگزار نیست و راهی جز **کفران و ناسپاسی** در پیش نگرفته است! این ناسپاسی، هرگز قابل پذیرش نیست! بی تردید رفتار او اشتباه است؛ اینکه وقتی خود را بی‌نیاز دید و تصور کرد از دیگران بی‌نیاز است و دیگران به او نیازمندند، سرکشی و طغیان می‌کند!

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَىٰ ﴿٧﴾

آری! ای پیامبر ﷺ، انسان این‌گونه تصور و رفتار می‌کند؛ اما بازگشت همه به سوی پروردگارت است و او به حساب آنان رسیدگی خواهد کرد و نتیجه این طغیان خود را خواهد دید!

● نکته

در مورد معنای «بِسْمِ رَبِّكَ»، دو احتمال مشهور وجود دارد:

۱. «باء» به معنای **استعانت** است؛ یعنی: «بخوان **با یاری جستن** از نام پروردگارت.»

۲. «باء» به معنای **مصاحبت و همراهی** است؛ یعنی: «بخوان در حالی که خواندن تو **همراه** با یاد و ذکر نام خداست.

در هر حال، این عبارت یعنی پیامبر ﷺ باید قرائت کلام الهی را با **بِسْمِ اللَّهِ** آغاز کند.

□ نمودار سوره

اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ۝۱

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ۝۲

اولین وحی خداوند به پیامبر ﷺ در روزهای آغازین بعثت ایشان چه بود؟

اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ۝۳

الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ۝۴

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ۝۵

كَلَّا

آیا انسان در برابر چنین پروردگاری خاضع و فرمانبردار است؟

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَافٍ ۝۶

علت طغیان او چیست؟

أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى ۝۷

درمان درد طغیان چیست؟

إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ
الرُّجْعَى ۝۸

• درمان گردنکشی و طغیان

ریشه طغیان انسان، **احساس استقلال و بی‌نیازی** اوست. انسانی که خود را دارا دید و تصور کرد هر کاری می‌تواند انجام دهد، سرکشی می‌کند. مگر می‌شود کسی خود را در برابر عظمت خدا ناچیز و نیازمند بداند و به مردم ظلم کند، حق دیگران را پایمال کند و در برابر خدا سرکشی کند؟

در سطح جهانی و بین‌المللی نیز این مطلب صادق است. انسانی که به علم و تکنولوژی دست یافت، سلاح‌های کشتار جمعی ساخت، به فضا و عمق دریاها دسترسی پیدا کرد و وسایلی برای زندگی راحت و مرفه تولید کرد، احساس می‌کند به همه چیز دست یافته و با خدا، دین، اخلاق و انسانیت بیگانه می‌شود و سرکشی می‌کند؛ بنابراین از **انسان محوری مدرن**، نباید جز قتل و کشتار و تجاوز و غارت انتظاری دیگر داشت!

اما درمان این درد چیست؟ بهترین راه درمان:

یاد همیشگی مرگ و حساب **إِنَّ إِلَى**

رَبِّكَ الرَّجْعِي و در نظر داشتن ضعف‌ها

و نیازهای ذاتی انسان است.

البته که این دو، در **نماز** به عنوان سرآمد و سیّد عبادات به خوبی تجلی می‌یابد.

امام رضا **علیه السلام** در پاسخ چند سوال از محمد بن سنان به او نامه‌ای نوشت که در آن آمده است:

«علت وجوب نماز این است که:

- نماز، اقرار به ربوبیت خدای متعال و کنارزدن شریکان [فرضی] است.

- نماز، ایستادن در برابر خدای جبار با حالت ذلت، درماندگی، خضوع و اعتراف است.

- نماز، درخواست گذشت از گناهان گذشته و قرارداد صورت بر روی زمین در هر روز برای بزرگداشت خدای باجلالت است.

و **دست‌آورد** آن این است که انسان:

- همیشه به یاد خداست؛

- فراموشکار و ناسپاس و طغیان‌گر نخواهد شد؛

- خاشع و متذلل و راغب و طالب فزونی در دین و دنیا است.

افزون بر این، در نماز، ایجاب و مداومت شبانه‌روزی بر یاد خداست تا بنده:

- سید و مدبّر و خالق خود را فراموش نکند و **مبادا ناسپاسی**،

سرکشی و طغیان کند و یاد پروردگارش و قیام در برابر او، مانع از

نافرمانی و معاصی شده، او را از انواع فساد بازدارد.»

(من لایحضره الفقیه: ۱/ ۲۱۴-۲۱۵)

سوره مبارکه علق (۲)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ① عَبْدًا إِذَا صَلَّى ② أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ③
 أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ④ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ ⑤ وَتَوَلَّى ⑥ أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ ⑦
 يَرَى ⑧ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ⑨ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ⑩
 فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ⑪ سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ⑫ كَلَّا لَا نَطَعُهُ وَأَسْجُدْ ⑬
 وَاقْتَرِبْ ⑭ ⑮

ترجمه

به من خبر بده: آن که باز می دارد ① بنده ای را هنگامی که نماز می خواند ② به من خبر بده: اگر آن نمازگزار بر هدایت باشد ③ یا به پرهیزکاری دستور دهد ④ به من خبر بده: اگر آن بازدارنده، حق را دروغ انگارد و از آن روی برباید ⑤ به من خبر بده آیا چنین کسی نمی داند که خدا می بیند؟ ⑥ هرگز چنین نیست و او اشتباه می کند! قطعاً اگر دست برندارد، موی پیشانی اش را به شدت می گیریم ⑦ موی پیشانی ای دروغ انگار و خطاکار را! ⑧ آنگاه اگر می تواند، اهل مجلس و طرفداران خود را بخواند! ⑨ ما نیز زبانیه (فرشتگانی که با شدت می رانند) را می خوانیم! ⑩ آن گونه که او می اندیشد، نیست! از او پیروی نکن و سجده کن و نزدیک شو! ⑪ ⑫ ⑬ ⑭ ⑮

ترجمه واژگان

• **أَرَأَيْتَ:** اسلوبی است به معنای: «به من بگو»، «به من خبر بده» • **نَسْفَعًا:** این کلمه مرکب است از فعل «نَسَفَعَ» و نون تأکید خفیفه که در حالت وقف «الف» خوانده می شود. «نَسَفَعَ» یعنی «گرفتن چیزی و کشیدن آن با شدت». • **النَّاصِيَةِ:** موی جلوی پیشانی یا بخشی از پیشانی که محل روییدن موی جلوی سراسر است. • **نادِي:** مجلس و مکانی که افراد برای گفتگو درباره موضوعی خاص در آن گرد هم جمع می شوند. • **الزَّبانِيَّةُ:** فرشته های عذاب. از ماده «زبن» به معنای راندن و دور کردن همراه با شدت است. به شتری که به دوشنده خود لگد می زند «ناقة زبون» گفته می شود.

سیمای هدایتی سوره

در آیات پایانی درس قبل، سخن از این بود که انسان ها وقتی خود را **بی نیاز** تصور کردند، شروع به سرکشی و طغیان می کنند. در ادامه به نمونه ای از این طغیان ها اشاره می کند.

بسیاری از مفسران براساس نقل های متعدد و مختلف معتقدند: این آیات درباره **ابوجهل** نازل شده که مانع نماز پیامبر ﷺ می شد. در روایات آمده:

«ابوجهل از اطرافیان خود پرسید: آیا پیامبر ﷺ در میان شما نیز برای سجده صورت به خاک می گذارد؟ گفتند: آری. گفت: سوگند به آنچه سوگند می خوریم، اگر او را در چنین حالی ببینم، با پای خود گردن او را له می کنم. گفتند: این پیامبر ﷺ است که آنجا ایستاده و نماز می خواند. به سمت او رفت. ناگهان اطرافیان دیدند ابوجهل برمی گردد و گویی دستانش را برای محافظت از خویش مقابل خود گرفته است. گفتند: چه شد؟ گفت: میان خود و او خندقی از آتشی وحشتناک دیدم و فرشتگانی بالدار مشاهده کردم. پیامبر ﷺ فرمود: سوگند به کسی که جانم در دست اوست، اگر به من نزدیک شده بود، فرشتگان عضو عضو بدن او را می ربودند.»

(مجمع البیان: ۷۸۲/۱۰)

شخصیت متکبر و لجوج ابو جهل برای ما شناخته شده است؛ اما به هر حال مهم نیست که این آیات ناظر به چه کسی است و دقیقاً چه زمانی چه عملی را انجام داده است؛ زیرا بدون دانستن نام او و تفصیل ماجرا می‌توان این سوره را فهمید و از آن درس گرفت.

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾

نمونه‌ای از این طغیانگران، آن کسانی هستند که خود را قیّم و رئیس مردم می‌دانند و انتظار دارند همه مانند آنان بیندیشند و از دستورهای آنان پیروی کنند! رفتار و تفکر این افراد بسیار حیرت‌انگیز است! برای نمونه، همان کسی که بنده‌ای را هنگام نماز خواندن، از نماز نهی می‌کند. عجیب است! آیا این فرد عاقبت خود را نمی‌داند؟ آیا نمی‌داند خدای متعال همه چیز و از جمله این عمل او را می‌بیند و پس از بازگشت به سوی او به حسابش رسیدگی خواهد شد؟

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَى ﴿١٢﴾

آیا اگر آن بنده نمازگزار، در راه راست قدم گذاشته باشد و مردم را به تقوای الهی دعوت کند، این شخص که او را از نماز نهی می‌کند، توجیهی برای این کار خود خواهد داشت؟ آیا نتیجه کار خود را می‌داند؟ آیا نمی‌داند خدای متعال همه چیز و از جمله این کار او را می‌بیند؟

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى ﴿١٤﴾

اگر آن بنده نمازگزار بر حق باشد، اگر این شخص نهی کننده او را تکذیب کند و از دعوت او رویگردان شود، آیا نمی‌داند خدا همه چیز و از جمله کردار و رفتار او را می‌بیند؟ آیا از خدایی نمی‌ترسد که از همه چیز آگاه است و با دقت به حساب همه رسیدگی خواهد کرد؟

كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾

بی‌تردید، رفتار او اشتباه است و اگر از این رفتار خود دست برندارد، او را به خاک

ذلت می‌نشانیم! جلوی پیشانی او را که پیشانی‌ای دروغگو و گنهکار است، با شدت می‌گیریم و او را بر زمین ذلت می‌کشیم و به سوی عذاب می‌بریم!

آری! زمانی که ما در دنیا به او مکت و ثروت و منزلت داده بودیم، همین که دید همه چیز دارد، بدون اینکه ببیندیشد که این نعمت‌ها از کجا آمده و در چه راهی باید مصرف شود، در برابر ما گردنکشی کرد و فراتر از این، تا توانست مانع ایمان و عبادت دیگران شد و به آزار آنان پرداخت. امروز نوبت ماست تا این طغیان و گردنکشی را جبران کنیم؛ موهای او را همچون مجرمان گرفته و درحالی که خوار و زبون است، او را این چنین به سمت جهنم می‌کشانیم.

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿١٧﴾ سَدْعُ الزَّبَانِيَةِ ﴿١٨﴾

آن زمان، این شخص که مدعی است در این دنیا طرفدارانی دارد که گرد او جمع می‌شوند و از او پیروی و حمایت می‌کنند، طرفداران، دوستان، خویشاوندان و مریدان خود را صدا بزند تا برای کمک به او بیایند! البته که ما نیز مأمورانی خشن و بی‌رحم داریم که آنان را فرا می‌خوانیم! آن زمان، خواهد دید که کدام یک از ما دارودسته قوی‌تری دارد.

كَلَّا لَا تُطَعُّهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾

آری! او بی‌تردید اشتباه می‌کند! تو از او پیروی مکن و نماز و عبادت پروردگار را ترک مکن و در برابر او پیشانی بر زمین بگذار و این گونه به خدای خود نزدیک شو...

● نکته

این آیه سجده واجب دارد و طبق برخی روایات، مستحب است در سجده‌های واجب قرآن، این ذکر خوانده شود: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَضَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَكْبَرًا وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ خَائِفٌ مُسْتَجِيرٌ. سپس شخص سر از سجده بردارد و تکبیر بگوید.

(من لا يحضره الفقيه: ۳۰۶/۱ - ۳۰۷)

□ نمودار سوره

أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى ۙ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ۖ ﴿١٧﴾

خداوند برای
طغیان چه
نمونه‌ای ذکر
می‌کند؟

أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَى ۙ أَوْ أَمَرَ بِالْتَّقْوَىٰ ۖ ﴿١٨﴾

أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ۖ ﴿١٩﴾

خدای متعال علت طغیان
او را چگونه معرفی می‌کند؟

أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ۖ ﴿٢٠﴾

كَلَّا

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ ۖ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿٢١﴾

نَاصِيَةٍ كَاذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿٢٢﴾

سزای کسی که حق را
تکذیب و به آن پشت کند
چیست؟

فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ ﴿٢٣﴾

سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿٢٤﴾

كَلَّا

لَا تُطْعُهُ

در برابر افرادی که مانع دینداری دیگران
می‌شوند، چگونه باید رفتار کرد؟

وَاشْجُدْ

وَاقْتَرِبْ ۖ ﴿٢٥﴾

• خدا می بیند

عالم محضر خداست: «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى؟». در نظر داشتن این نکته برای **درمان** بسیاری از گناهان کافی است! امیرالمؤمنین (علیه السلام) می فرماید:

«اتَّقُوا مَعَاصِيَ اللَّهِ فِي الْخَلَوَاتِ فَإِنَّ الشَّاهِدَ هُوَ الْحَاكِمُ»؛ از نافرمانی

خدا در خلوت ها بترسید و بپرهیزید؛ چراکه همان کسی که شاهد اعمال

شماست، حاکم و حسابرس شما نیز هست! (نهج البلاغه: ح ۳۲۴)

• ثابت قدم باش...

انسان معتقد که بر اساس باورهای ریشه دار و معقول خود رفتار می کند و **شیوه ای منطقی** را برای زندگی خود برگزیده است، هرگز به سخنان نابجا و بی دلیل برخی افراد که او را به ریشخند می گیرند یا او را از رفتار درستش باز می دارند، اهمیت نمی دهد و **سست** نمی شود. در واقع او برای دیگران، اندیشه آنان و به دست آوردن نگاه و خشنودی گذرا و بی ارزش آنان زندگی نمی کند؛ بلکه بر اساس **واقعیت ها**، روشی برای زیستن برگزیده دارد و به آن **پایبند** است:

«كَأَلَّا لَا تُطِغُهُ وَاسْجُدْ وَاقْتَرِبْ».

ما نیز اگر یقین داریم در راه درست گام گذاشته ایم و در این راستا، رفتار خود را تنظیم کرده ایم، **مقیدیم**:

نماز اول وقت بخوانیم • به معروف امر کنیم و از منکر باز داریم • از اسراف دوری کنیم • از حق الناس بترسیم و از جلسه غیبت فرار کنیم؛

حتی اگر می بینیم همه به گونه ای دیگری اندیشند و رفتار ما را به ریشخند می گیرند نباید از اندیشه و نگاه آنان متأثر شویم؛ بلکه باید در راه خود **ثابت قدم** بمانیم.

سوره مبارکه قدر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ۝ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ
 الْقَدْرِ ۝ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ۝ نَزَّلُ
 الْمَلَائِكَةَ وَالرُّوحَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِم مِّن كُلِّ أَمْرٍ ۝ سَلَامٌ هِيَ
 حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ۝

ترجمه

به نام خداوند گسترده مهرمهربان

بی تردید ما آن را در شب قدر نازل کردیم ۱ و تو چه می دانی شب قدر چیست؟! ۲ شب قدر از هزار ماه بهتر است ۳ فرشتگان و روح در آن، باذن پروردگارشان برای آوردن هر امری از مقدرات پی در پی فرود می آیند. ۴ سلام (پربرکت و بی نقص و آفت) است آن شب تا زمان طلوع فجر ۵

ترجمه واژگان

- **ما أَذْرَاكَ:** ترجمه کلمه به کلمه آن چنین است: «چه چیز آگاه کرد تو را؟». این عبارت یک اسلوب است و معادل فارسی آن، «تو چه می دانی؟» است. • **أَلْف:** هزار. • **شَهْر:** ماه. • **سَلَام:** بی نقص و آفت. • **مَطْلَعُ الْفَجْرِ:** طلوع سپیده.

در سوره قدر، از ابتدا تا انتها سخن از یک **شب ویژه** است؛ شبی که با نزول قرآن عجین شده است:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾

آیه نخست با سخنی درباره قرآن آغاز می‌شود: ما قرآن را در شب قدر نازل کردیم...
وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾

قرآنی که ما نازل کردیم، قرآنی **باعظمت** است؛ بنابراین برای نزول این کتاب با عظمت، شبی بزرگ و مبارک را انتخاب می‌کنیم، شبی که درک عظمت آن برای هر کسی ممکن نیست! آری، تو چه می‌دانی شب قدر، چیست؟!

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾

در بیان عظمت این شب بزرگ، همین بس که این شب از **هزار ماه** بهتر است! ظاهراً مراد از برتری این شب بر هزار ماه، برتری از جهت **فضیلت عبادت**، **استجابت دعا**، **برکت** و **فراوانی ثواب اعمال نیک** است.

از امام صادق علیه السلام در این باره پرسیدند؛ فرمود: «الْعَمَلُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ؛ عمل در این شب بهتر است از عمل در هزار ماهی که در آن لیلۃ القدر وجود ندارد.» (الکافی: ۱۵۷/۴). این امر با غرض نزول قرآن نیز سازگار است؛ چرا که قرآن نازل شده تا با هدایت انسان، او را به خدا نزدیک کند و این شب، با برکت و فضیلتی که دارد، این نزدیک شدن را سرعتی چند برابر می‌بخشد.

تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾

این شب، شبی است که در آن فرشتگان و روح با اذن پروردگارشان فرود می‌آیند تا هر امری را که برای آن سال مقدر شده را به همراه بیاورند.

سَلَامٌ هِيَ حَتَّى مَطْلَعِ الْفَجْرِ

آری؛ این شب، چیزی جز سلامت و خیر و برکت نیست و این سلامت و خیر تا طلوع فجر ادامه دارد. خدای متعال در این شب، سایه رحمت بیکران خود را بر بندگان می‌گستراند که به او روی آورده‌اند، و شبی سرشار از خیر و برکت و دور از شر و نقمت را برای آنان رقم می‌زند.

● نکته‌ها

۱. در این سوره، اشاره نشده که کدام یک از شب‌های سال، شب قدر است؛ اما آیه: «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ» (بقره: ۱۸۵) به این اشاره دارد که این شب، در ماه رمضان قرار دارد. بیش از این چیزی در قرآن نیست؛ اگرچه روایاتی درباره اینکه کدام یک از شب‌های این ماه، شب قدر است، وجود دارد.

۲. پرسشی که ممکن است مطرح شود این است آیا شرافت و منزلت شب قدر، به خاطر نزول قرآن در آن است یا پیش از نزول قرآن نیز دارای این مقام و منزلت بوده است؟

از آیه: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» (دخان: ۳) (ما قرآن را در شبی مبارک نازل کردیم) و آیه نخست سوره قدر برداشت می‌شود این شب، پیش از نزول قرآن و به گونه ذاتی مبارک و شب قدر بوده است.

۳. مراد از «القدر» در «لیلة القدر» ظاهراً همان تقدیر است و شب قدر یعنی شبی که در آن خدای متعال حوادث یک سال را تقدیر می‌کند، حوادثی مانند تولد، مرگ، رزق، سعادت و شقاوت. آیه «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» (دخان: ۴) تأییدی بر درستی این احتمال است. برخی این احتمال را نیز مطرح کرده‌اند که قدر به معنای منزلت است و شب قدر یعنی شبی که دارای منزلت و شرافت است.

۴. آیا در شب قدر **تمام قرآن** نازل شد یا فقط برخی از آیات آن فرود آمده و در واقع، شب شروع نزول قرآن است؟ پاسخ ها به این پرسش متفاوت است و مفسران با دلیل های گوناگون، هریک وجهی را ترجیح داده اند.

۵. در این سوره در بیان اینکه در شب قدر چه اتفاقی می افتد، از فعل مضارع استفاده شده است: «تَنْزِلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ فِيهَا». در سوره مبارکه دخان نیز آمده است: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ». به کار رفتن فعل مضارع در چنین مقامی، بر «**استمرار تجدیدی**» دلالت دارد؛ یعنی نزول فرشتگان و روح و تفصیل یافتن امور و مقدرات، امری است که هر سال **تکرار** می شود.

۶. از امامان علیهم السلام نقل شده که «در برابر مخالفان، به سوره قدر احتجاج کنید». (الکافی: ۲۴۹/۱).

روش این احتجاج به نکته قبل وابسته است؛ بدین گونه که هر سال، شب قدری دارد و فرشتگان در آن، با همراهی روح همه احکام و امور را به زمین نازل می کنند. آنها باید این احکام و امور را به کسی بپارند که **ولی امر** باشد؛ چون افراد عادی نمی توانند میزبان فرشتگان باشند و احکام صادره را تحویل بگیرند. پس تنها کسی که روی زمین مهمان دار فرشتگان و تحویل گیرنده «کُلُّ امر» است، وجود مبارک امام علیه السلام و در زمان ما، وجود مبارک و پر خیر و سرور **حضرت ولی عصر** عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۷. سوره قدر یک درس مهم نیز برای رسیدن به سبک زندگی قرآنی دارد. این سوره به مسلمانان می آموزد تا **ایام مهم دینی** و روزهایی که خدای متعال به آنها نعمتی عطا کرده را بزرگ بدانند و در آن روزها، خدا را به گونه ویژه سپاس گفته و او را عبادت کنند؛ از آن جمله:

عید مبعث، عید غدیر، شب نزول قرآن و ایام میلاد معصومان علیهم السلام.

□ نمودار سوره

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾

قرآن مجید در چه شبی
نازل شد؟

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾

آیا شب قدر، یک شب
عادی و معمولی است؟

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾

خداوند عظمت شب قدر را
چگونه وصف می‌کند؟

تَنْزِيلُ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحُ فِيهَا
بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾

در شب قدر چه اتفاقی
می‌افتد؟

سَلَامٌ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾

هدیه شب قدر چیست؟

سبک زندگی قرآنی

● تقدیر و تدبیر

یکی از مهم‌ترین آموزه‌های اسلامی، ایمان به **قضا و قدر** الهی است؛ یعنی اینکه باور داشته باشیم هراتفاقی برای ما می‌افتد، همه تقدیرات خدای متعال است و هرچه او اراده کند، همان اتفاق می‌افتد.

البته روشن است که اراده خدا نیز بی‌اساس نیست؛ بلکه براساس **حکمت** او و مصلحت فردی و اجتماعی بشر و همچنین ظرفیت‌ها و استعدادها و شایستگی‌های آنهاست.

بنابراین انسان مؤمن و خدا‌باور باید در کنار اینکه زندگی و امور روزمره خود را تدبیر می‌کند، از تقدیر خدا نیز غافل نباشد. چنین انسان خدا‌باوری وقتی تلاشش به ثمر ننشست و به مراد خود نرسید یا اینکه دچار مصیبتی شد، نه تنها اعتقادش نسبت به خدا دچار تزلزل نمی‌شود، بلکه پشت پرده هر یک از این رخدادها، **دست خدا** را می‌بیند و باورش به او مستحکم‌تر می‌شود؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود:

«عَرَفْتُ اللَّهَ سُبْحَانَهُ يَفْسُخُ الْعَزَائِمَ وَ حَلَّ الْعُقُودَ وَ نَقَضَ الْهَمَمَ» (نهج البلاغه:

حکمت ۲۵)؛ من خداوند سب‌حان را از این راه شناختم که تصمیم‌های قطعی را از هم می‌ریزد و پیمان‌ها را می‌گسلد و همت‌های سخت را درهم می‌شکند.

از آثار دیگر اعتقاد به تقدیر الهی، این است که انسان برای فرصت‌ها و چیزهایی که از دست می‌دهد، دچار اندوه و حزن نمی‌شود و ناامیدی برای او معنا ندارد:

«مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ * لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ...» (حدید: ۲۲-۲۳)؛ «هیچ‌گزند و آسیبی در زمین [چون زلزله، سیل، توفان و قحطی] و در وجود خودتان [چون بیماری، رنج، تعب و از دست رفتن مال و ثروت] روی نمی‌دهد، مگر پیش از آنکه آن را به وجود آورده‌ایم در کتابی ثبت است؛ بی‌تردید چنین کاری برای خدا آسان است. [شما را از این واقعیت آگاه می‌کنیم] تا برای آنچه از دست شما رفته، ناراحت نشوید و برای آنچه به شما عطا کرده، شادمان و دلخوش نشوید.»

سوره مبارکه بینه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ
 حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ① رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ②
 فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ③ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
 بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ④ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ ⑤ وَذَلِكَ دِينُ
 الْقِيمَةِ ⑥ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ
 فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ⑦
 إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ
 الْبَرِيَّةِ ⑧ جَزَاءُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا
 الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ⑨ ذَلِكَ
 لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ⑩

به نام خداوند گسترده مهر مهربان

کسانی از اهل کتاب و مشرکان که به اسلام کافر شدند ادعا داشتند از کفر خود دست برنخواهند داشت تا اینکه دلیل آشکار به سوی آنان بیاید. ❶ فرستاده‌ای از جانب خدا که صحیفه‌هایی پیراسته شده از باطل و انحراف تلاوت می‌کند. ❷ صحیفه‌هایی که در آنها نوشته‌هایی است استوار و برحق که باطل و کجی در آنها راه ندارد ❸ درحالی‌که کسانی که کتاب آسمانی به آنان داده شد، از حق پراکنده نشدند، مگر پس از اینکه آن دلیل روشن به سوی آنان آمد. ❹ درحالی‌که در این دین جدید به چیزی جز این فرمان نیافته بودند که خدا را بپرستند و طاعت و فرمانبرداری خود را خالصانه برای او قرار دهند و از هر باطلی به حق میل پیدا کنند و نماز را برپا دارند و زکات بپردازند، و این است دین صحیفه‌ها و نوشته‌های استوار و برحق که باطل و کجی در آنها راه ندارد ❺ کسانی از اهل کتاب و مشرکان که کفر ورزیدند، قطعاً در آتش دوزخ خواهند بود و در آن جا ماندگارند؛ اینان اند که بدترین آفریدگان (یا: بدترین مردم) اند. ❻ همانا کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، آنان اند که بهترین آفریدگان (یا: بهترین مردم) اند. ❼ پاداش و جزای آنان نزد پروردگارشان بوستان‌هایی است فراهم شده برای سکونت همیشگی که از زیر آنها نهرها روان است و در آن جا برای همیشه ماندگارند. چنان پاداشی مخصوص کسی است که از پروردگارش خشیت و بیم داشته باشد. ❽

ترجمه واژگان

• **مُنْفَكِينَ**: جدا شدگان. • **الْبَيِّنَةُ**: دلیل آشکار. • **الْقِيَمَةُ**: ۱. امر مستقیم و برحق که باطل، انحراف و کجی در آن راه ندارد، ۲. چیزی که برپا دارنده و اقامه کننده چیز دیگری است. • **خُنَفَاءَ**: جمع «حنیف» به معنای کسی که از باطل به سوی حق گرایش پیدا کرده است. • **الْبَرِّيَّةُ**: ۱. تمام مخلوقات، ۲. مردم. • **عَدْنٌ**: اقامت و سکونت همیشگی. «جَنَاتِ عَدْنٍ» یعنی باغ‌هایی که برای سکونت همیشگی آماده شده، نه سکونت موقت. • **خَشْيٌ**: «خَشْيَةٌ» ترسی است که سبب آن درک عظمت چیزی است؛ به گونه‌ای که باعث می‌شود شخص مراقب رفتار و کردار خود باشد.

سیمای هدایتی سوره

اهل کتاب و مشرکان، پیش از بعثت پیامبر ﷺ بارها بیان کرده بودند که اگر پیامبری مبعوث شود و دلایل آشکاری بر نبوت خود ارائه کند، قطعاً به او ایمان می‌آورند؛ وگرنه از اعتقادات خود دست برنخواهند داشت؛ اما پس از بعثت پیامبر ﷺ با وجود اینکه او را می‌شناختند و به پیامبری او یقین داشتند، نه تنها ایمان نیاوردند، بلکه با او به مبارزه پرداختند!

خدای متعال در سه آیه نخست سوره بینه، ابتدا این ادعای آنان را بیان می‌کند تا سخنان پیشین‌شان را به رخ آنان کشیده و با اظهار تعجب و شکایت از ناسازگاری میان ادعای دیروز و رفتار امروزشان، آنان را توبیخ کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ
الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾

کافران، یعنی اهل کتاب و مشرکان ادعا داشتند، دست از کفر خود برنخواهند داشت تا اینکه دلیل روشن برای آنان بیاید؛

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُطَهَّرَةً ﴿١﴾ فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ﴿٢﴾

مرادشان از این دلیل روشن، پیامبری بود از سوی خدا که برای آنان صحیفه‌هایی پاک و پیراسته از سخنان باطل و نادرست را تلاوت کند؛ صحیفه‌هایی که نوشته‌هایی استوار، مستقیم، برحق و دور از باطل و کجی و انحراف در برداشته باشد!

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿٣﴾

سرانجام بینه‌ای که آنان به انتظارش نشسته بودند، آمد؛ اما آیا آنان براساس ادعای خود عمل کردند؟ آیا دست از کفر و اعتقادات نادرست خود برداشتند؟ البته که چنین نشد! بلکه برعکس؛ پس از اینکه بینه و رسولی آمد که منتظرش بودند، همان‌ها که وعده داده بودند گرد حق جمع خواهند شد، پراکنده شدند! در واقع آمدن بینه برای آنان نه تنها سبب ایمان نشد، بلکه نتیجه‌ای جز **پراکنده شدن آنان از گرد حق** در پی نداشت!

مگر این پیامبر جدید و این دین تازه چه دستورهایی داشت که حاضر نشدند به آن تن دهند و از پذیرش آن سر باز زدند؟ آیا این دستورها این قدر برای آنان عجیب و غیرقابل پذیرش بود که این‌گونه از گفته پیشین خود رویگردان شدند؟
وَمَا أَمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ ﴿٤﴾

البته که نبود! آنان از گرد این دین حق پراکنده شدند، درحالی که در آن هیچ دستوری وجود نداشت؛ مگر اینکه خدای متعال را بپرستند و خالصانه از او فرمان برداری کنند و **یکتاپرست** باشند و **نماز** را به پا دارند و **زکات** بپردازند؛ دستورهایی که در ادیان توحیدی پیش از اسلام نیز بود و اهل کتاب با آنها آشنایی داشتند و البته دین انسان‌های صالح و پاک که در پی برپایی حق هستند، همین است!

قرآن کریم پس از سرزنش و موعظه آنان، وارد آخرین مرحله برای هدایت آنان می‌شود:

«انذار (تهدید) و تبشیر»

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٥﴾

اهل کتاب و مشرکانی که به این پیامبر ﷺ با وجود این همه معجزات و دلایل روشن کفر بورزند، جایگاه آنان آتش جهنم خواهد بود و در این آتش، جاودان خواهند ماند! آری؛ اگر می خواهید **بدترین مردم** را بشناسید، آنان همان بدترین مردم هستند.

آنان بدترین مردم اند؛ چون حقیقت برای آنان مانند روز، روشن بود، معجزات پیامبر ﷺ را دیدند، به خوبی می دانستند قرآن، کلام خدا و البته حق است و با وجود همه این ها، نخواستند بپذیرند و بلکه فراتر از این، به تکذیب، ریشخند، تمسخر، تمرد و مقابله با بیته الهی روی آوردند و مانع ایمان دیگران نیز می شدند. آنان در برابر این نعمت بزرگ الهی ناسپاسی کردند و به جای گُرنش در برابر خالق هستی، سرکشی کردند؛ از این رو بدترین مردم اند.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

اما در برابر آنان، کسانی هستند که **بهترین مردم** اند! کسانی که با اشتیاق به پیامبر ﷺ ایمان آوردند و او را تصدیق کردند و اعمال و رفتار خود را نیز با ایمان خود منطبق کرده، کارهای نیک انجام می دهند. آنان پاداشی متفاوت دارند:

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ حَسَنَ رَبُّهُ ﴿٨﴾

آنان پاداشی نزد پروردگارشان دارند؛ پروردگاری که دعوت او را در دنیا اجابت کردند و اکنون، در آخرت و به اقتضای پروردگاری خود، نعمت خود را به آنان تمام می کند؛ آنان را در باغ هایی که برای اقامت همیشگی آماده شده ساکن می کند.

باغ هایی که رودها از زیر آنها جاری است و برای همیشه در آن جاودان خواهند ماند، ماندنی همراه با **رضایتی دو طرفه**: هم خدای متعال از آنان راضی و خشنود است و هم آنان از خدای خود و عنایت ها و نعمت های او، راضی و خشنودند.

اگر شما نیز به دنبال چنین پاداشی هستید، بدانید: این پاداش برای کسانی است که به دلیل **شناخت عظمت پروردگارشان**، از او می ترسند و در برابر او فروتن هستند.

□ نمودار سوره

رَسُولٌ مِنَ اللَّهِ
يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿١﴾
فِيهَا كُتِبَ الْقِيَمَةُ ﴿٢﴾

منظور آنها از بینه
چه بود؟

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ
وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِينَ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿٣﴾

اهل کتاب و مشرکان
پیش از بعثت پیامبر ﷺ
چه ادعایی داشتند؟

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ
إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾

آیا اهل کتاب پس از
بعثت پیامبر ﷺ براساس
ادعای پیشین خود رفتار
کردند؟

إِلَّا لِيُعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ

وَمَا أُمِرُوا

علت رویگردان شدن آنها
چه بود؟ آیا دستورات این
دین با دین پیشین آنها یا
با عقل ناسازگار بود؟

وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ

وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ

وَذَلِكَ دِينُ الْقِيَمَةِ ﴿٥﴾

فِي نَارِ جَهَنَّمَ

خَالِدِينَ فِيهَا

أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ

عاقبت و جایگاه کافران از اهل کتاب
و مشرکان چگونه است؟

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

مؤمنان در بین مخلوقات، چه
جایگاهی دارند؟

جَنَّتْ عَدْنٍ

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ

تَجْرَى مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ

پاداش اخروی آنان چیست؟
شایستگان دریافت چنین پاداشی،
چه ویژگی ای دارند؟

ذَلِكَ لِمَنْ حَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

● عبادت به «اخلاص نیت» نکوست...

زندگی دینداران، همواره با مناسک و اعمال عبادی قرین و همراه است؛ اعمالی همچون حضور در مسجد و اقامه نماز جماعت در اول وقت، انفاق و پرداخت حقوق مالی مانند زکات و خمس، حضور در جلسات مذهبی و زیارت اماکن مذهبی و مشاهد مشرفه.

بی شک خدای متعال جز با چنین اعمالی عبادت و پرستش نمی شود؛ اما چیزی که در این میان با وجود اهمیت فراوان مورد غفلت قرار می گیرد، داشتن **نیت خالصانه** برای خدا در ضمن تمام این اعمال است. اعمال انسان مانند اجسادی هستند که اگر روح نداشته باشند، مرده اند و هیچ تأثیری ندارند. دمیدن **روح اخلاص** در آنهاست که آنها را زنده می کند و باعث رشد و باروری آنها می شود.

در این سوره، برای معرفی دین اسلام، در نخستین گام، **عبادت الهی** مطرح شده:

﴿وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ﴾

اما بی درنگ این عبادت به قید **اخلاص** و **حنیف بودن** مقید شده:

﴿مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ﴾.

این، نشان می دهد مناسک عبادی، تا زمانی که با اخلاص و توجه خالصانه به خدا همراه نباشد، نمی تواند انسان را به خدا نزدیک کند.

امام صادق علیه السلام فرمود:

﴿الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ، وَالْعَمَلُ الْخَالِصُ الَّذِي لَا تُرِيدُ أَنْ يَخْمَلَكَ عَلَيْهِ أَحَدٌ إِلَّا اللَّهُ ﷻ، وَالتَّيَّةُ أَفْضَلُ مِنَ الْعَمَلِ، أَلَا وَإِنَّ التَّيَّةَ هِيَ الْعَمَلُ﴾؛

«اینکه مراقب عمل خود باشی تا خالص شود، سخت تر از انجام عمل است! عمل خالص، آن عملی است که انتظار نداشته باشی کسی جز خدا تو را به خاطر آن ستایش کند. نیت، از عمل برتر است. آگاه باشید؛ نیت همان عمل است!» (الکافی: ۱۶/۲)

عبادت به اخلاص نیت نکوست و گرنه چه آید ز بی مغز پیوست؟

● خشیت؛ کلید ورود به بهشت

کسانی که خدای متعال را می‌شناسند و عظمت او را درک می‌کنند، در کنار عشق و محبت فراوانی که نسبت به او در دل دارند، از اینکه مبادا بر خلاف رضای او گامی بردارند، همیشه نگران و هراسان‌اند. چنین ترسی که برخاسته از معرفت آنان نسبت به خداست، **خشیت** نام دارد و البته همین افراد هستند که بهشت مخصوص آنان ساخته شده است: «ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ» (بینه: ۸).

یکی از نشانه‌های آنان، این است که هرگاه گناهی مرتکب می‌شوند، از شرم و ترس از پروردگار، **اشک** بر گونه‌هایشان جاری می‌شود و از او طلب آمرزش می‌کنند. پیامبر اکرم ﷺ فرمود:

«خوشا به حال چهره‌ای که خدا به او نگاه می‌کند؛ درحالی‌که به خاطر گناهی که انجام داده و هیچ کس جز خدا از آن باخبر نیست، از خشیتِ او می‌گرید.» (ثواب الاعمال: ۱۶۷)

بنابراین اگر به دنبال این هستیم که روز قیامت، سرافراز و سعادتمند بوده و در کنار اولیای الهی از جایگاهی شایسته برخوردار باشیم، باید:

چنان معرفت و خشیتی نسبت به خدا در دل داشته باشیم که هرگز به سراغ گناه نرویم و اگر غفلت کردیم و گناهی مرتکب شدیم، با گریه و اشک از خدا درخواست بخشش کنیم چنان که خدای متعال به موسی علیه السلام وحی کرد:

«ای موسی، به قومت بگو که متقربان، نمی‌توانند با چیزی بهتر از گریه از خشیت من به من نزدیک شوند...» (ثواب الاعمال: ۱۷۲).

طاعت کند سرشکِ ندامت، گناه را بارانِ سپید می‌کند ابرسیاه را
(یعنی: اشکِ پشیمانی، گناه را به طاعت تبدیل می‌کند.)



جدول طرح درس

حفظ روزانه

سوره هاس طاروت آینه

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۱ تا ۶ طارق	زلزال تا کوثر	کافرون تا ناس	کافرون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۷ تا ۱۱ طارق	زلزال تا تکوثر و ۱ تا ۶ طارق	عصر تا کوثر	کافرون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۲ تا ۱۷ طارق	زلزال تا قارعه و ۱ تا ۱۱ طارق	کافرون تا ناس	عصر تا کوثر	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۵ اعلی	زلزال تا قارعه - طارق	عصر تا کوثر	کافرون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۶ تا ۱۰ اعلی	زلزال تا قارعه - طارق تا اعلی ۵	تکثر تا ماعون	عصر تا کوثر	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۱ تا ۱۵ اعلی	زلزال تا عادیات - طارق تا اعلی ۱۰	کوثر تا ناس	تکثر تا ماعون	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۶ تا ۱۹ اعلی	زلزال تا عادیات - طارق تا اعلی ۱۵	تکثر تا ماعون	عصر تا کوثر	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۱ تا ۵ غاشیه	زلزال تا عادیات - طارق تا اعلی	قارعه تا قریش	تکائر تا ماعون	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۶ تا ۱۰ غاشیه	زلزال تا عادیات - طارق تا ۵ غاشیه	ماعون تا ناس	قارعه تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۱ تا ۱۶ غاشیه	زلزال - طارق تا ۱۰ غاشیه	عادیات تا فیل	ماعون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۷ تا ۲۱ غاشیه	زلزال - طارق تا ۱۶ غاشیه	قریش تا ناس	عادیات تا فیل	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۲۲ تا ۲۶ غاشیه	طارق تا ۲۱ غاشیه	زلزال تا فیل	قریش تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۶ فجر	طارق تا غاشیه	قریش تا ناس	زلزال تا فیل	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۷ تا ۱۱ فجر	طارق تا ۶ فجر	زلزال تا فیل	قریش تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۱۲ تا ۱۵ فجر	طارق تا ۱۱ فجر	قریش تا ناس	زلزال تا فیل	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۶ تا ۱۸ فجر	طارق تا ۱۵ فجر	زلزال تا قریش	قریش تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۹ تا ۲۲ فجر	طارق - ۱۸ فجر	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۲۳ تا ۲۵ فجر	اعلی تا ۲۲ فجر	زلزال تا قریش	معاون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۲۶ تا ۳۰ فجر	اعلی تا ۲۵ فجر	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۵ بلد	اعلی تا فجر	طارق تا غاشیه	معاون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۶ تا ۱۰ بلد	اعلی تا ۵ بلد	زلزال تا قریش	طارق تا غاشیه	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۱۱ تا ۱۶ بولد	غاشیه تا ۱۰ بولد	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۷ تا ۲۰ بولد	غاشیه تا ۱۶ بولد	طارق تا فجر	معاون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۶ شمس	غاشیه تا بولد	زلزال تا قریش	طارق تا فجر	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۷ تا ۱۱ شمس	غاشیه تا ۶ شمس	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۲ تا ۱۵ شمس	فجر تا ۱۱ شمس	طارق تا غاشیه	معاون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۶ لیل	فجر تا شمس	زلزال تا قریش	طارق تا غاشیه	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۷ تا ۱۱ لیل	فجر تا ۶ لیل	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۱۲ تا ۱۶ لیل	فجر تا ۱۱ لیل	طارق تا غاشیه	ماعون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۷ تا ۲۱ لیل	فجر تا ۱۶ لیل	زلزال تا قریش	طارق تا غاشیه	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۶ ضحی	فجر تا لیل	ماعون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۷ تا ۱۱ ضحی	فجر تا ۶ ضحی	طارق تا غاشیه	ماعون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۴ شرح	بلد تا ضحی	زلزال تا قریش	طارق تا غاشیه	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۵ تا ۸ شرح	بلد تا ۴ شرح	ماعون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۹ تا ۱۵ تین	بلد تا شرح	طارق تا فجر	ماعون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۶ تا ۸ تین	بلد تا ۵ تین	زلزال تا قریش	طارق تا فجر	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۶ علق	بلد تا تین	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۷ تا ۱۲ علق	شمس تا ۶ علق	طارق تا غاشیه	معاون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱۳ تا ۱۹ علق	شمس تا ۱۲ علق	فجر تا بلد	طارق تا غاشیه	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۵ قدر	شمس تا علق	زلزال تا قریش	فجر تا بلد	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۱ تا ۳ یینه	شمس تا قدر	معاون تا ناس	زلزال تا قریش	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۴ تا ۵ یینه	لیل تا ۳ یینه	طارق تا غاشیه	معاون تا ناس	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید

نواب حفظ و تلاوت‌های این هفته تقدیم به

ایام هفته	حفظ جدید	مرور و مباحثه ده درس	مرور	مباحثه	استماع ترتیل	ترجمه و مفاهیم
روز	آیه ۶ تا ۷ بینه	لیل تا ۵ بینه	فجر تا بلد	طارق تا غایشه	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	آیه ۸ بینه	لیل تا ۷ بینه	زلزال تا قریش	فجر تا بلد	محدوده حفظ جدید و یک صفحه آینده	محدوده حفظ جدید
روز	-	-	-	-	-	-
روز	-	-	-	-	-	-
روز	-	-	-	-	-	-
روز	-	-	-	-	-	-
روز	-	-	-	-	-	-

سورہ ہامبار کے طارق تابینہ

تَرْتِيبُهَا ٨٦ سُورَةُ الطَّارِقِ آيَاتُهَا ١٧

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ ﴿٢﴾ لَنَجْهُمُ الثَّاقِبُ ﴿٣﴾ إِنَّ كُلَّ
نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ ﴿٤﴾ فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ ﴿٥﴾ خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ
دَافِقٍ ﴿٦﴾ يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ ﴿٧﴾ إِنَّهُ عَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ ﴿٨﴾
يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ ﴿٩﴾ فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ ﴿١٠﴾ وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ ﴿١١﴾
وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصُّلْعِ ﴿١٢﴾ إِنَّهُ لَقَوْلُ فَصْلٍ ﴿١٣﴾ وَمَا هُوَ إِلَّا هَزْلٌ ﴿١٤﴾ نَبِّهْهُمْ
يَكِيدُونَ كَيْدًا ﴿١٥﴾ وَأَكِيدُ كَيْدًا ﴿١٦﴾ فَمَهْلُ الْكَافِرِينَ أَمْ هَلْهُمْ رَوِيدًا ﴿١٧﴾

تَرْتِيبُهَا ٨٧ سُورَةُ الْأَعْلَى آيَاتُهَا ١٩

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحْ أَسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى ﴿١﴾ الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى ﴿٢﴾ وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَى ﴿٣﴾
وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَى ﴿٤﴾ فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَى ﴿٥﴾ سَنُقَرِّبُكَ
فَلَا تَنْسَى ﴿٦﴾ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَى ﴿٧﴾ وَنُيَسِّرُكَ
لِلْيُسْرَى ﴿٨﴾ فَذَكِّرْ إِن نَّفَعَتِ الذِّكْرَى ﴿٩﴾ سِيدِّكَرُ مِّنْ يَخْشَى ﴿١٠﴾
وَيُنَجِّنُهَا الْأَشْقَى ﴿١١﴾ الَّذِي يَصْلَى النَّارَ الْكُبْرَى ﴿١٢﴾ ثُمَّ لَا يَمُوتُ
فِيهَا وَلَا يَحْيَى ﴿١٣﴾ قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى ﴿١٤﴾ وَذَكَرَ أَسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى ﴿١٥﴾

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ﴿١٦﴾ وَالْآخِرَةَ خَيْرٌ وَأَبْقَى ﴿١٧﴾ إِنَّ
هَذَا فِي الصُّحُفِ الْأُولَى ﴿١٨﴾ صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى ﴿١٩﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْغَاشِيَةِ ﴿١﴾ وَجُوهٌُ يُومِذُ خَشِيعَةً ﴿٢﴾
عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ ﴿٣﴾ تَصَلَّى نَارًا حَامِيَةً ﴿٤﴾ تُسْقَى مِنْ عَيْنٍ آيَةٍ ﴿٥﴾
لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيعٍ ﴿٦﴾ لَا يَسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ ﴿٧﴾
وَجُوهٌُ يُومِذُ نَاعِمَةٌ ﴿٨﴾ لَسَعِيَهَا رَاضِيَةٌ ﴿٩﴾ فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ ﴿١٠﴾
لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَةً ﴿١١﴾ فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ ﴿١٢﴾ فِيهَا سُرُرٌ مَرْفُوعَةٌ ﴿١٣﴾
وَأَكْوَابٌ مَوْضُوعَةٌ ﴿١٤﴾ وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ ﴿١٥﴾ وَزَرَارٍ مَبْثُوثَةٌ ﴿١٦﴾
أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ ﴿١٧﴾ وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ
رُفِعَتْ ﴿١٨﴾ وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ ﴿١٩﴾ وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ
سُطِحَتْ ﴿٢٠﴾ فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ ﴿٢١﴾ لَسْتَ عَلَيْهِمْ
بِمُصِيطِرٍ ﴿٢٢﴾ إِلَّا مَنْ تَوَلَّى وَكَفَرَ ﴿٢٣﴾ فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ
الْأَكْبَرَ ﴿٢٤﴾ إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ ﴿٢٥﴾ ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ ﴿٢٦﴾

ترتيبها
٨٩

سُورَةُ الْفَجْرِ

آياتها
٣٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْفَجْرِ ﴿١﴾
 وَلَيَالٍ عَشْرٍ ﴿٢﴾
 وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ ﴿٣﴾
 وَلَيْلٍ إِذَا يَسِرَ ﴿٤﴾
 هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ ﴿٥﴾
 أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ ﴿٦﴾
 إِرَمَ ذَاتِ الْعِمَادِ ﴿٧﴾
 الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ ﴿٨﴾
 وَثَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ ﴿٩﴾
 وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْنَادِ ﴿١٠﴾
 الَّذِينَ طَغَوْا فِي الْبِلَادِ ﴿١١﴾
 فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ ﴿١٢﴾
 فَصَبَّ عَلَيْهِمْ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ ﴿١٣﴾
 إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ ﴿١٤﴾
 فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْنَلَّهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ ﴿١٥﴾
 وَأَمَّا إِذَا مَا ابْنَلَّهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ ﴿١٦﴾
 كَلَّا بَلْ لَا تَكْرُمُونَ الْيَتِيمَ ﴿١٧﴾
 وَلَا تَحْضُونَ عَلَى طَعَامِ الْمُسْكِينِ ﴿١٨﴾
 وَتَأْكُلُونَ الثَّرَاثَ أَكْلًا لَّمًّا ﴿١٩﴾
 وَتُحِبُّونَ أَلْمَالَ حُبًّا جَمًّا ﴿٢٠﴾
 كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا ﴿٢١﴾
 وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا ﴿٢٢﴾
 وَجِئْتُكُمْ يَوْمَئِذٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ يَنْذِكُرُ الْإِنْسَانَ وَاتَىٰ لَهُ الذِّكْرَىٰ ﴿٢٣﴾

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي ﴿٢٤﴾ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابُهُ أَحَدًا ﴿٢٥﴾
وَلَا يُوثِقُ وَثَاقُهُ أَحَدًا ﴿٢٦﴾ يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ﴿٢٧﴾ أَرْجَعِي
إِلَىٰ رَبِّكَ رَاضِيَةً مُّرْضِيَةً ﴿٢٨﴾ فَأَدْخُلِي فِي عِبْدِي ﴿٢٩﴾ وَأَدْخُلِي جَنَّتِي ﴿٣٠﴾

تَبَيَّنَا ٩١ سُورَةُ الْبَلَدِ ٢٠ آيَاتُهَا ٢٠

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أَقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿١﴾ وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ ﴿٢﴾ وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدَ
﴿٣﴾ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ ﴿٤﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ
أَحَدٌ ﴿٥﴾ يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَا لَا لُبَدًا ﴿٦﴾ أَيْحَسِبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ
﴿٧﴾ أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ ﴿٨﴾ وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ ﴿٩﴾ وَهَدَيْنَاهُ
النَّجْدَيْنِ ﴿١٠﴾ فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ ﴿١١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ ﴿١٢﴾
فَكُّ رَقَبَةٍ ﴿١٣﴾ أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ ﴿١٤﴾ يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ
﴿١٥﴾ أَوْ مَسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ ﴿١٦﴾ ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا
بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ ﴿١٧﴾ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْمُنْمَنَةِ ﴿١٨﴾ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْئَمَةِ ﴿١٩﴾ عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ ﴿٢٠﴾

تَبَيَّنَا ٩١ سُورَةُ الشُّمُسِ ١٥ آيَاتُهَا ١٥

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا ﴿١﴾ وَالْقَمَرُ إِذَا تَلَّهَا ﴿٢﴾ وَالنَّهَارُ إِذَا جَلَّهَا ﴿٣﴾
وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَاهَا ﴿٤﴾ وَالسَّمَاءَ وَمَا بَنَاهَا ﴿٥﴾ وَالْأَرْضَ وَمَا طَحَاهَا ﴿٦﴾
وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا ﴿٧﴾ فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا ﴿٨﴾ قَدْ
أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا ﴿٩﴾ وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا ﴿١٠﴾ كَذَّبَتْ ثَمُودُ
بِطُغُونِهَا ﴿١١﴾ إِذِ انْبَعَثَ أَشْقَاهَا ﴿١٢﴾ فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ
نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا ﴿١٣﴾ فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ
عَلَيْهِمْ رَبُّهُمْ فذَّيَّبَهُمْ فَسَوَّاهَا ﴿١٤﴾ وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا ﴿١٥﴾

ترتيبها ٩٢ سورة الليل آياتها ١١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلُ إِذَا يَغْشَى ﴿١﴾ وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى ﴿٢﴾ وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَى ﴿٣﴾
إِنْ سَعَيْكُمْ لَسَعَى ﴿٤﴾ فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَانْتَفَى ﴿٥﴾ وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَى ﴿٦﴾
فَسَنِيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿٧﴾ وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَى ﴿٨﴾ وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَى ﴿٩﴾
فَسَنِيْسِرُهُ لِلْعُسْرَى ﴿١٠﴾ وَمَا يَغْنَى عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّى ﴿١١﴾ إِنَّ عَلَيْنَا
لَلْهُدَى ﴿١٢﴾ وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَى ﴿١٣﴾ فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّى ﴿١٤﴾

لَا يَصْلَحُهَا إِلَّا الْأَشْقَى ﴿١٥﴾ الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى ﴿١٦﴾ وَسُيُجِنَبُهَا
الْأَنْفَى ﴿١٧﴾ الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى ﴿١٨﴾ وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ
نِعْمَةٍ تُجْرَى ﴿١٩﴾ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى ﴿٢٠﴾ وَلَسَوْفَ يَرْضَى ﴿٢١﴾

تَبَيَّنَا ٩٢ سُورَةُ الضُّحَى آيَاتُهَا ١١

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالضُّحَى ﴿١﴾ وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى ﴿٢﴾ مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَاقَلَى ﴿٣﴾
وَلِلْآخِرَةِ خَيْرٌ لَكَ مِنَ الْأُولَى ﴿٤﴾ وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ
فَرَضَى ﴿٥﴾ أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى ﴿٦﴾ وَوَجَدَكَ ضَالًّا
فَهْدَى ﴿٧﴾ وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى ﴿٨﴾ فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ
﴿٩﴾ وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ ﴿١٠﴾ وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ ﴿١١﴾

تَبَيَّنَا ٩٤ سُورَةُ الشَّرْحِ آيَاتُهَا ٨

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ ﴿١﴾ وَوَضَعْنَا عَنكَ وِزْرَكَ ﴿٢﴾ الَّذِي
أَنْقَضَ ظَهْرَكَ ﴿٣﴾ وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ ﴿٤﴾ فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٥﴾ إِنَّ
مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا ﴿٦﴾ فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ ﴿٧﴾ وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَارْغَبْ ﴿٨﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ ﴿١﴾ وَطُورِ سِينِينَ ﴿٢﴾ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ ﴿٣﴾
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ ﴿٤﴾ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ ﴿٥﴾
إِلَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ ﴿٦﴾
فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدَ بِالذِّينِ ﴿٧﴾ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمَ الْحَاكِمِينَ ﴿٨﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿١﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿٢﴾ أَقْرَأْ وَرَبُّكَ
الْأَكْرَمُ ﴿٣﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿٤﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ ﴿٥﴾ كَلَّا إِنَّ
الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَ طَغْيَى ﴿٦﴾ أَن رَّاهُ اسْتَعْصَمَ ﴿٧﴾ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى ﴿٨﴾ أَرَأَيْتَ
الَّذِي يَنْهَى ﴿٩﴾ عَبْدًا إِذَا صَلَّى ﴿١٠﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَىٰ الْهُدَىٰ ﴿١١﴾ أَوْ أَمَرَ
بِالتَّقْوَىٰ ﴿١٢﴾ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ ﴿١٣﴾ أَلَمْ يَعْلَمِ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ ﴿١٤﴾ كَلَّا لَئِنْ
لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ ﴿١٥﴾ نَاصِيَةٍ كَذِبَةٍ خَاطِئَةٍ ﴿١٦﴾ فليدع ناديه ﴿١٧﴾
سَنَدْعُ الزَّبَانِيَةَ ﴿١٨﴾ كَلَّا لَا نُطِيعُهُ وَأَسْجُدْ وَاقْتَرِبْ ﴿١٩﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ ﴿١﴾ وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ﴿٢﴾
 لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ ﴿٣﴾ نَزَّلُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ
 فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ ﴿٤﴾ سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ ﴿٥﴾



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ مُنْفَكِّينَ
 حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿١﴾ رَسُولٌ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُو صُحُفًا مُّطَهَّرَةً ﴿٢﴾
 فِيهَا كُتِبَ قِيمَةٌ ﴿٣﴾ وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ
 بَعْدِ مَا جَاءَ نَهُمُ الْبَيِّنَةُ ﴿٤﴾ وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ
 لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ
 الْقِيمَةِ ﴿٥﴾ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ
 فِي نَارِ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ ﴿٦﴾ إِنْ
 الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿٧﴾

جَزَاءُ هُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ
 فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ خَشِيَ رَبَّهُ ﴿٨﴾

۱. **قرآن کریم** (ترجمه: مکارم، مشکینی، انصاریان، مجتبیوی، فولادوند، حداد عادل، استاد ولی، صفوی).
۲. **نهج البلاغه**، به تحقیق صبحی صالح، قم: هجرت، چ ۱، ۱۴۱۴ق.
۳. طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ ۵، ۱۴۱۷ق.
۴. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ ۴، ۱۳۶۵ش.
۵. آلوسی، سید محمود، **روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم**، به تحقیق علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیة، چ ۱، ۱۴۱۵ق.
۶. طبرسی، فضل بن حسن، **تفسیر جوامع الجامع**، به تصحیح ابوالقاسم گرجی، قم: انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
۷. سبحانی تبریزی، جعفر، **التوحید و الشرک فی القرآن**، قم: انتشارات مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ ۲، ۱۴۲۶ق.
۸. بیضاوی، عبدالله بن عمر، **انوار التنزیل و اسرار التأویل**، إعداد: مرعشلی، محمد عبد الرحمن، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی، چ ۱، ۱۴۱۸ق.
۹. ابوحیان، محمد بن یوسف، **البحر المحیط فی تفسیر**، به تحقیق جمیل صدقی محمد، بیروت، انتشارات دارالفکر، چ ۱، ۱۴۲۰ق.
۱۰. ابن بابویه، محمد بن علی، **الخصال**، با ترجمه محمد باقر کمره‌ای، تهران: کتابچی، چ ۱، ۱۳۷۷ش.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، **کمال الدین و تمام النعمة**، به تحقیق و تصحیح علی اکبر غفاری، تهران: اسلامیة، چ ۲، ۱۳۹۵ق.
۱۲. ابن بابویه، محمد بن علی، **ثواب الأعمال و عقاب الأعمال**، قم: دارالشریف الرضی للنشر، چ ۲، ۱۴۰۶ق.
۱۳. فخر رازی، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، چ ۳، دار إحياء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، به تصحیح فضل الله یزدی طباطبایی، تهران: انتشارات ناصر خسرو، چ ۳، ۱۳۷۲ش.

۱۵. ابن فارس، ابوالحسین احمد بن فارس بن زکریا، **معجم مقاییس اللغة**، به تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ق.
۱۶. ابن عاشور، محمد بن طاهر، **التحریر والتنویر**، بی جا، بی تا.
۱۷. ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، بیروت: دار صدر، چ ۳، ۱۴۱۴ق.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، **المفردات فی غریب القرآن**، به تحقیق صفوان عدنان داودی، دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیة، چ ۱، ۱۴۱۲ق.
۱۹. زمخشری، محمود، **الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل**، بیروت: دار الکتاب العربی، چ ۳، ۱۴۰۷ق.
۲۰. شیخ صدوق، عیون أخبار الرضا علیه السلام، تهران: نشر جهان، چ ۱، ۱۳۷۸ق.
۲۱. مترجمان، **ترجمه مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، به تحقیق رضا ستوده، تهران: انتشارات فراهانی، چ ۱، ۱۳۶۰ش.
۲۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، **بحار الأنوار**، به تحقیق و تصحیح جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چ ۲، ۱۴۰۳ق.
۲۳. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، ج ۱ تا ۲۰، قم: انتشارات صدرا، چ ۱۰، ۱۳۸۰ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیة، چ ۱، ۱۳۷۴ش.
۲۵. موسوی همدانی، سید محمد باقر، **ترجمه المیزان**، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چ ۵، ۱۳۷۴ش.

درسنامه حفظ و مفاهیم

مجموعه «درسنامه حفظ و مفاهیم جزء سی ام قرآن کریم» با کاربریست تجربه چندین دهه آموزش حفظ، مفاهیم و معارف قرآن، تألیف شده تا در مسیر تربیت «حافظ حامل عامل» مورد استفاده نهادهای، دستگاهها و برنامه‌ها از جمله «طرح ملی حفظ قرآن کریم» و «برنامه بشارت ۱۴۵۲» قرار گیرد.

کتاب حاضر شامل ۱۶ درس است که علاوه بر آموزش «مفاهیم سوره‌های طارق تا یس»، به نکاتی مفید و مختصر درباره «اهمیت و روش حفظ قرآن کریم» پرداخته است.

برخی ویژگی‌های این مجموعه که کارشناسان متعدد قرآنی دستگاه‌ها و نهادهای آن را بررسی و تأیید کرده‌اند، عبارت است از:

- تأکید بر حفظ آیات قرآن کریم
- شرح و تفسیر آیات با زبانی ساده، جذاب و نموداری
- ترسیم ارتباط بین قرآن و عترت علیهم‌السلام و تقویت ایمان به آنها
- ایجاد پیوند بین آموزه‌های قرآنی و زندگی روزمره از طریق تبیین سبک زندگی قرآنی

طرح ملی حفظ قرآن کریم - بشارت



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
معاونت قرآن و عترت



مجلس شورای اسلامی ایران



وزارت آموزش و پرورش



جمهوری اسلامی ایران
وزارت کشور



قوه قضائیه



استان قزوین



استان تهران



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه



سازمان چاپ و انتشارات

وابسته به سازمان اوقاف و امور خیریه



مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه



شورای عالی انقلاب فرهنگی
شورای توسعه فرهنگ قرآنی



سازمان اوقاف و امور خیریه
مرکز امور قرآنی



وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی